

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وقف از منظر آیات و روایات
علی اکبر تقی زاده

سرشناسه	: تقی زاده، علی اکبر، ۱۳۵۱-
عنوان و نام پدیدآور	: وقف از منظر آیات و روایات / نویسنده علی اکبر تقی زاده؛ تهیه و تدوین اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی.
مشخصات نشر	: مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۹۳ ص، ۱۱*۱۷ س م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۹-۰۹۹-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: وقف
موضوع	: وقف (فقه)
شناسه افزوده	: آستان قدس رضوی، اداره تولیدات فرهنگی
شناسه افزوده	: موسسه انتشاراتی قدس رضوی
رده بندی کنگره	: ۷۱۳۹۲ و ۸۰۲/۲ بر ۱۹۳
رده بندی دیویی	: ۲۹۷ / ۳۷۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۲۵۱۳۷۸



وقف از منظر آیات و روایات

تهیه و تدوین: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی

به کوشش: علی اکبر تقی زاده

ناشر: انتشارات قدس رضوی

صفحه آرای: محمود بازدار

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۲

شمارگان: ۳۰۰۰

چاپ: مؤسسه فرهنگی قدس

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۹-۰۹۹-۰

نشانی تهیه کننده: مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی، ضلع غربی، اداره تولیدات فرهنگی

تلفن: ۰۵۱۱-۲۰۰۲۵۶۷

صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵

حق چاپ محفوظ است.

فهرست

مقدمه / ۸

فصل اول: کلیات / ۱۱

گفتار اول: تعریف واژه‌ها / ۱۲

۱. تعریف وقف / ۱۲

۲. تعریف صدقه / ۱۲

۳. حبس / ۱۳

۴. انواع وقف / ۱۴

وقف خاص و عام / ۱۴

وقف انتفاع و منفعت / ۱۵

گفتار دوم: تاریخچه وقف / ۱۶

گفتار سوم: مشروعیت وقف در اسلام / ۱۷

۱. در کلام فقها و مفسرین / ۱۷

۲. وقف در آیات قرآن کریم / ۱۷

یک: آیات انفاق / ۱۷

دو: آیات صدقه / ۱۸

سه: آیات احسان به خویشاوندان و نیازمندان / ۱۹

چهار: آیات باقیات الصالحات / ۲۱

پنج: آیات ذخیره‌سازی برای آخرت / ۲۲

فصل دوم: آثار وقف و ضرورت آن / ۲۵

گفتار اول: هدف خلقت / ۲۶

گفتار دوم: فلسفه وجودی مال / ۲۸

گفتار سوم: پس اندازی برای آینده / ۳۱

گفتار چهارم: آنچه برای انسان می‌ماند / ۳۳

گفتار پنجم: جاودانه سازی یاد خود / ۳۶

گفتار ششم: سوددهی مداوم / ۳۸

گفتار هفتم: از بین برنده عذاب قبر و قیامت / ۴۱

- گفتار هشتم: گِره‌گشایی از معضلات اجتماعی / ۴۳
- گفتار نهم: راحتی جان دادن / ۴۵
- گفتار دهم: آسان شدن پیمودن راه کمال / ۴۷
- گفتار یازدهم: وقف اموال مازاد بر نیاز / ۵۰
- گفتار دوازدهم: بی‌ رغبتی نسبت به وقف چرا؟! / ۵۲
- فصل سوم: پیشگامان وقف / ۵۷**
- گفتار اول: خداوند اولین واقف / ۵۸
- گفتار دوم: سیره پیامبر ﷺ / ۶۱
- وقف بر حضرت فاطمه علیها السلام / ۶۱
- گفتار سوم: سیره حضرت علی علیه السلام / ۶۴
۱. وقف بر حجاج / ۶۴
۲. وقف بر فقرا و نیازمندان / ۶۸
۳. گستره موقوفات حضرت علی علیه السلام / ۷۱
۴. وقف ایثارگونه / ۷۴
۵. وقف منزل بر خاله‌ها / ۷۶
- گفتار چهارم: سیره حضرت فاطمه علیها السلام / ۷۹
- وقف بر بنی‌هاشم و بنی عبدالمطلب / ۷۹
- گفتار پنجم: سیره امام کاظم علیه السلام / ۸۴
- گفتار ششم: موقوفات سایر ائمه علیهم السلام / ۸۶
- گفتار هفتم: سنت مسلمین صدر اسلام / ۸۷
- فصل چهارم: احکام و آداب وقف / ۸۹**
- گفتار اول: دوام داشته باشد / ۹۰
- گفتار دوم: خواندن صیغه وقف / ۹۲
- گفتار سوم: قصد قربت / ۹۵
- گفتار چهارم: نوشتن وقف‌نامه / ۹۷
- گفتار پنجم: شاهد بر وقف گرفتن / ۹۹
- گفتار ششم: تسلیم وقف / ۱۰۱
- گفتار هفتم: عدم جواز بازگشت / ۱۰۴

- گفتار هشتم: تعیین متولی / ۱۰۷
- گفتار نهم: تعیین موقوف علیهم / ۱۱۰
۱. وقف بر فرزندان / ۱۱۰
۲. وقف بر خویشاوندان / ۱۱۲
۳. وقف بر نیازمندان / ۱۱۴
۴. آزادسازی بردگان / ۱۱۶
۵. وقف بر مسجد / ۱۱۷
۶. وقف برای کمک به تأمین مخارج مساجد / ۱۱۹
۷. وقف برای بارگاه و حرم اولیای خدا / ۱۲۲
- گفتار دهم: عمل برابر وقف نامه / ۱۲۵
- گفتار یازدهم: پاداش متولیان اوقاف در عمل به وقف / ۱۲۹
- گفتار دوازدهم: رسیدگی به موقوفه / ۱۳۰
- گفتار سیزدهم: عدم جواز خرید و فروش موقوفات / ۱۳۴
- گفتار چهاردهم: غیر قابل فروش / ۱۳۷
- گفتار پانزدهم: پیامدهای موقوفه خواری / ۱۳۹
- کتابنامه / ۱۴۳

وقف به دلیل آثار و کارکردهای گسترده و پایداری که دارد از دیرباز مورد توجه شخصیت‌های حقوقی و حقیقی فرهنگ‌های مختلف در طول تاریخ بوده است. در دین مبین اسلام نیز که آخرین دین الهی است این موضوع مورد توجه قرار گرفته است و آیات و روایات فراوانی ناظر به این موضوع می‌باشد. پیامبر گرامی اسلام ﷺ و ائمه علیهم‌السلام پیشگامان عمل به این آموزه دینی بوده‌اند. مسلمین صدر اسلام نیز هر کدام به مقدار توان خود سعی می‌کردند در لیست واقفین قرار گیرند. اندیشمندان اسلامی نیز تا کنون از پرداختن به این موضوع در پژوهشهای خود غفلت نورزیده‌اند و از زوایای گوناگون فقهی، حقوقی، تاریخی و مانند آن به این موضوع پرداخته‌اند. ولی یکی از مباحثی که تاکنون مغفول مانده و کمتر به آن پرداخته شده است، بررسی آیات و روایات ناظر به وقف است. لذا بنا بر پیشنهاد آستان قدس رضوی، با بضاعت علمی اندک خود در صدد برآمدیم تا این موضوع را در آئینه آیات و روایات بررسی کنیم تا فتح بابی برای پژوهشگران گردد و پژوهشی در خور این موضوع مهم عرضه کنند و نواقص این اثر را برطرف سازند.

روند کار ما در این اثر بدین قرار است:

۱. مخاطب این اثر، مبلغین علوم اسلامی و عامه مردم هستند. به همین خاطر سعی کرده‌ایم وارد بحث‌های فنی و تخصصی فقهی و رجالی نشویم که نه چنین بضاعتی داریم و نه چنین هدفی.
 ۲. بیان واژه‌های دخیل در فهم آیات و روایات.
 ۳. بیان نکته‌هایی در تبیین و تشریح آیات و روایات.
 ۴. بیان احکام فقهی متناسب با روایات در ذیل هر حدیث در فصل پایانی. سعی شده این احکام برگرفته از رساله توضیح المسائل و مجموعه استفتائات مراجع عظام تقلید و ناظر به مسائل مورد ابتلای امروز مردم پیرامون وقف باشد.
 ۵. دسته‌بندی آیات و روایات در چهار فصل.
- فصل اول: بیان کلیات: در این فصل به مباحثی از قبیل تعریف واژه‌های دخیل در موضوع وقف، تاریخچه وقف، مشروعیت وقف در اسلام، دسته‌بندی

آیات ناظر به موضوع وقف، اشاره شده است.

فصل دوم: آثار و کارکردهای وقف. با توجه به این آثار، هر مسلمانی که دارای اندک توانایی مالی باشد خود را موظف به وقف کردن می بیند.

فصل سوم: سیره عملی برخی از معصومین علیهم السلام، تا روشن شود که پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام خود از پیشگامان عمل به قانون وقف بوده اند و با گفتار و رفتار خود دیگر مسلمانان را دعوت به وقف پاره ای از اموالشان کرده اند.

فصل چهارم را به بیان برخی از آداب و احکام وقف اختصاص داده ایم. این فصل در پانزده گفتار سامان یافته است.

علی اکبر تقی زاده

بهمن ماه ۱۳۹۱



فصل اوّل: کلیات





گفتار اول: تعریف واژه‌ها

۱. تعریف وقف

«وقف» در لغت به معنای توقف، ایستادن، وقفه، درنگ، منع، جلوگیری و ممانعت و مانند آن به کار رفته است.^۱

نویسنده مجمع البحرین می‌نویسد: وقف در احادیث به معنای حبس کردن اصل مال و رهاسازی منافع آن است. مثل این‌که شخص می‌گوید: این خانه را وقف مساکین کردم.^۲ در قاموس قرآن نیز شبیه همین معنا برای آن ذکر شده است.^۳

در اصطلاح فقها نیز وقف به معنای حبس کردن اصل مال و رهاسازی منافع آن است.^۴ به بیان دیگر، وقف یعنی: پایدار کردن بهره‌برداری از سرمایه‌ها، برای تأمین نیازهای معنوی و مادی نسل‌ها، به انگیزه جلب رضای الهی.^۵

ماده ۵۵ قانون مدنی نیز در تعریف وقف می‌گوید: «وقف عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود». منظور از حبس نمودن عین مال، نگاه داشتن عین مال از نقل و انتقال و همچنین از تصرفاتی است که موجب تلف عین گردد. منظور از تسبیل منافع، واگذاری منافع در راه خداوند و امور خیریه اجتماعی، می‌باشد.^۶

۲. تعریف صدقه

«صدقه» چیزی است که انسان به قصد قربت از مال خود خارج سازد.^۷ برخی گفته‌اند: صدقه، مطلق انفاق در راه خداست؛ اعم از اینکه واجب باشد یا مستحب.^۸

۱. فرهنگ معاصر عربی - فارسی، ص ۷۶۶.

۲. مجمع البحرین، ج ۵، ص ۱۲۹.

۳. قاموس قرآن، ج ۷، ص ۲۳۶.

۴. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۲؛ مصطلحات الفقه، ص ۵۶۷.

۵. کارگاه آموزشی نگرشی دیگر به وقف، ص ۴۶.

۶. حقوق مدنی (امامی)، ج ۱، ص ۶۸.

۷. مفردات، ص ۴۸۰، «صدق».

۸. المیزان، ج ۲، ص ۳۹۷. به نقل از: فرهنگ قرآن، ج ۱۸، ص ۳۸۰.



نویسنده‌ی کتاب زکات باطنی نیز معتقد است: «صدقه» هر گونه احسان و کمک مالی و غیر مالی، که نشانگر صدق ادعای آدمی مبنی بر ایمان و محبت به خداوند باشد، خواه واجب باشد و یا مستحب.^۱

اطلاق صدقه بر وقف و نظایر آن، برای این است که امور مزبور نشانه صداقت ایمان واقف است.^۲

بر اساس تعریف گفته شده می‌توان گفت از بارزترین مصادیق صدقه، وقف می‌باشد. بنابراین می‌توان در تنظیم آداب و احکام وقف از آیات و روایات مربوط به صدقه مدد جست.

معصومین علیهم‌السلام نیز فراوان از این واژه در وقف‌نامه‌های خود استفاده کرده‌اند.^۳ بنابراین در بسیاری از روایات، منظور از صدقه با توجه به قرائنی که وجود دارد خصوص وقف است.

۳. حبس

«حبس» در لغت به معنای منع کردن، بازداشتن و نگه داشتن مال است.^۴ به اموال وقفی نیز از آن جهت که اصل مال نگه داشته می‌شود و خرید و فروش و هر گونه نقل و انتقال آن ممنوع می‌گردد، تا سود و منافعش در راه خدا هزینه شود «حبس» گفته می‌شود.

ولی حبس در اصطلاح فقه عبارت است از این‌که فردی، عینی معین از ملک خود را برای جهتی معین از جهات خیر، مانند حبس مؤکب برای انتقال حاجیان به مکه، یا عنوانی از عناوین؛ مانند حبس ملکی برای فقرا یا علما و یا برای شخصی معین، حبس کند؛ بدین گونه که منافع آن - برای همیشه یا مدتی معین - در آن جهت یا برای آن عنوان یا شخص صرف گردد.

تفاوت حبس با وقف: در وقف، دائم بودن شرط صحت آن است؛ اما حبس به صورت موقت نیز صحیح است.

۱. زکات باطنی، ص ۳۴.

۲. احکام اقتصادی، ج ۲، ص ۵۱.

۳. به برخی از این روایات در بخش‌های بعدی اشاره خواهد شد.

۴. فرهنگ ابجدی عربی - فارسی، ص ۱۹؛ مجمع البحرین، ج ۴، ص ۶۰؛ مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۱۶؛ القاموس الفقہی لغة و اصطلاحاً، ص ۷۵.



مورد حبس: بنابر تصریح بسیاری، آنچه وقف آن صحیح است، حبس آن نیز صحیح است. بنابراین، حبس تنها در عینی صحیح است که با بقای آن انتفاع از آن امکان پذیر باشد. از این جهت، حبس آب برای نوشیدن صحیح نیست.^۱ بر اساس معنای لغوی، «حبس» اعم از وقف است، یعنی هم شامل وقف می شود و هم شامل حبس. و به نظر می رسد در بسیاری از روایات منظور همان وقف است. زیرا در برخی از کتب حدیثی، احادیث حاوی این کلمه در ضمن احادیث مربوط به وقف نقل شده است.^۲

۴. انواع وقف

وقف خاص و عام

عموم و خصوص در وقف با ملاحظه موقوف علیه است، بنابراین وقف خاص، وقف بر شخص یا اشخاص معین است؛ مانند وقف بر اولاد یا وقف بر زید و فرزندان او و وقف عام، وقف بر جهات و مصالح عمومی؛ مانند مساجد، مکان های استراحت، مدارس و امور مشابه دیگر و یا وقف بر عناوین کلی؛ مثل فقرا، ایتم، بیماران و کسانی که در راه مانده اند و مانند آن است و این اقسام سه گانه تفاوتی از جهت اصل وقف ندارند، هر چند از حیث احکام و آثار تفاوت دارند؛ مثلاً در وقف بر جهات و مصالح عمومی و نیز در وقف بر عناوین عمومی، قبول کسی شرط نیست و هم چنین وجود مصداق موقوف علیهم در خارج، هنگام اجرای صیغه وقف هم شرط نیست، در حالی که در وقف خاص این امور شرط هستند. هم چنین در وقف بر جهات و مصالح عمومی که به صورت وقف انتفاع هستند از قبیل مساجد و مدارس و قبرستان ها و پل ها و مانند آن ها، وقف به هیچ وجه قابل فروش نیست، حتی اگر خراب شود. بر خلاف وقف خاص و وقف بر عناوین کلی به صورت وقف منفعت که فروش و تبدیل آن ها در بعضی از حالت های استثنایی جایز است.^۳

۱. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت؛ ج ۳، ص ۲۰۳.

۲. عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۲، ص ۲۶۰؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، کتاب الصدقات (۴) باب من وقف، حدیث ۲۳۹۷. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۴۷؛ جامع أحادیث الشیعة (بروجردی)، ج ۲۴، ص ۲۵۶.

۳. أوجوبة الاستفتاءات (فارسی)، ص ۵۰۴.

وقف انتفاع و منفعت

«وقف انتفاع» وقفی است که از عین موقوف در امور مورد نظر استفاده شود؛ مثلاً شخصی منزلش را وقف می‌کند تا به عنوان حسینیه از آن استفاده شده و مراسم عزاداری برگزار گردد یا خانه‌ای را برای سکونت موقوف علیهم وقف کند.^۱

«وقف منفعت» وقفی است که عین موقوف مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، بلکه منافع آن در امور خیر هزینه می‌شود؛ و مثلاً شخصی ساختمان یا باغی را وقف می‌نماید تا متولی درآمد آن را صرف ایتم و فقرا نماید.^۲



۱. راهنمای تنظیم وقف‌نامه، ص ۹؛ تحریر الوسيلة، ج ۲، ص ۷۶.

۲. راهنمای تنظیم وقف‌نامه، ص ۹؛ تحریر الوسيلة، ج ۲، ص ۷۷.



گفتار دوم: تاریخچه وقف

سنت حسنه وقف از احکام تأسیسی اسلام و ویژه کشورهای اسلامی نیست، بلکه سابقه بسیار کهنی به درازای تاریخ دارد. کعبه اولین مکانی است که قبل از اسلام شناخته شده بود و به دست حضرت ابراهیم علیه السلام بازسازی شد. موقوفات حضرت ابراهیم علیه السلام که تا امروز باقی مانده، بهترین دلیل بر وجود وقف قبل از اسلام است.^۱ در کشورهای غربی و حتی نقاط دور افتاده جزایر استرالیا و آفریقا و در میان سرخ‌پوستان آمریکای جنوبی نیز این سنت وجود داشته است و این اقوام برای معابد، پرستش‌گاه‌ها، کلیساها، صومعه‌ها و دیرهایشان موقوفه‌هایی را اختصاص داده بودند. به ویژه در مصر باستان، یونان، چین، ژاپن، روم، بابل و فلسطین پیش از اسلام نیز موقوفاتی وجود داشته که برای جریان کار معابد و صومعه‌ها و بازسازی آن‌ها و گذران زندگی اسقف‌ها، برهمن‌ها و کاهنان از درآمد آن بهره می‌گرفته‌اند و خود نیز آن را سرپرستی می‌کردند و به دانش‌آموزان مدارس وابسته به معابد خدمات لازم را می‌دادند.^۲ هم اکنون نیز در غرب، نهادهایی همچون مؤسسه کولیستوک، بنیاد نوبل، شرکت مایکروسافت، دانشگاه هاروارد و دانشگاه‌های آکسفورد و کمبریج، به شکل وقفی و بر اساس الگوی وقف اسلامی اداره می‌شوند. هریک از این دانشگاه‌ها سالانه میلیاردها دلار درآمد از محل موقوفات دارند. این دانشگاه‌ها در بحران اقتصادی غرب کمترین آسیب را دیدند.^۳

۱. وقف، ویژه هفته وقف، دی‌ماه ۹۱، ص ۵.

۲. اندیشه جاری، مقاله گذری کوتاه به تاریخچه وقف، نوشته محمود فتح‌آبادی، ص ۲۴۳.

۳. کارگاه آموزشی نگرشی دیگر به وقف، ص ۷.

گفتار سوم: مشروعیت وقف در اسلام

۱. در کلام فقها و مفسرین

وقف از احکام امضایی اسلام می‌باشد.^۱ آیات و روایات فراوانی در قرآن کریم و منابع روایی ناظر به سنت حسنه وقف است. بر این اساس تمامی فقهای امامیه وقف را امری مسلم و مفروغ عنه می‌دانند و در کتاب‌های فقهی خود فصل مستقلی را به بررسی احکام و آداب آن اختصاص داده‌اند.^۲ فقهای اهل سنت نیز اصل مشروعیت وقف را قبول دارند و فقط در دوام یا موقت بودن آن اختلاف نظر دارند.^۳ بسیاری از مفسران شیعه و سنی در ذیل آیه کریمه ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾^۴ داستان وقف برخی از اصحاب پیامبر ﷺ را بیان کرده‌اند.^۵

۲. وقف در آیات قرآن کریم

قرآن کریم به منزله قانون اساسی است که متکفل بیان کلیات است و وارد موضوعات جزئی و فرعی جز در موارد لازم و ضروری نمی‌شود. در زمینه وقف نیز در قرآن سوره و یا آیه‌ای که به خصوص در مورد وقف و امثال آن باشد نیامده است، ولی به صورت کلی آیتی درباره انفاق و مانند آن داریم که شامل وقف و صدقات جاریه نیز می‌شود که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم.

یک: آیات انفاق

انفاق در لغت به معنای اخراج مال از ملک و در اصطلاح قرآن، اعم از مال و غیر مال و از واجب و غیر واجب است.^۶

۱. احکام امضایی: امری است که بین مردم متعارف بوده و شارع مقدس آن‌ها را امضا فرموده است. مجله فقه اهل بیت (فارسی)، ج ۳، ص ۹۲.

۲. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۲؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۲۸، ص ۳؛ تکملة العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۸۴.

۳. وقف در فقه اسلامی، ص ۳۳ به بعد.

۴. آل عمران، ۹۲.

۵. تسنیم، ج ۱۵، ص ۷۵؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۶۴؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۲۱۴؛ کشف الأسرار و عدة الأبرار، ج ۲، ص ۲۰۰؛ الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۲، ص ۵۰.

۶. برگزیده فرهنگ قرآن، ج ۱، ص ۳۰۹.



﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾؛ هرگز به حقیقتِ نیکی به طور کامل نمی‌رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید و آنچه از هر چیزی انفاق می‌کنید خوب یا بد، کم یا زیاد، به اخلاص یا ریا یقیناً خدا به آن داناست.^۱

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَنْعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَ الْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از آنچه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید، پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه دادوستدی است و نه دوستی و نه شفاعتی و کافران خود ستمکارانند.^۲

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَ مِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از چیزهای پاکیزه‌ای که به دست آورده‌اید، و از آنچه برای شما از زمین برآورده‌ایم، انفاق کنید و در پی ناپاکِ آن نروید که از آن انفاق نمایید، در حالی که آن را اگر به خودتان می‌دادند، جز با چشم‌پوشی و بی‌میلی نسبت به آن، نمی‌گرفتید و بدانید که خداوند، بی‌نیاز ستوده [صفات] است.^۳

﴿وَ أَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَخَذَكُمْ الْمَوْتُ فَیَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾؛ و از آن چه روزی شما گردانیده‌ایم، انفاق کنید، پیش از آن که یکی از شما را مرگ فراسد و بگوید: «پروردگارا، چرا تا مدتی بیشتر اجل مرا به تأخیر نینداختی تا صدقه دهم و از نیکوکاران باشم؟».^۴

آیات فراوانی ما را تشویق به انفاق می‌کند که از نمونه‌های بارز آن وقف می‌باشد.^۵

دو: آیات صدقه

معنای صدقه در بخش تبیین واژه‌ها گذشت. آیات زیادی در قرآن کریم، انسان‌ها را تشویق به دادن صدقه مالی می‌کند که یکی از بارزترین مصادیق

۱. آل عمران، ۹۲.

۲. بقره، ۲۵۴.

۳. بقره، ۲۶۷.

۴. منافقون، ۱۰.

۵. بقره، ۱۹۵، ۲۶۲؛ نساء، ۳۹؛ رعد، ۲۲؛ فاطر، ۲۹؛ حدید، ۷.

صدقه، وقف می‌باشد.

﴿إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾؛ در حقیقت، مردان و زنان صدقه‌دهنده و آنان که به خدا وامی نیکو داده‌اند، ایشان را پاداش دوچندان گردد و اجری نیکو خواهند داشت.

﴿وَأَنْفَقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاهُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَ أَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾؛ و از آن چه روزی شما گردانیده‌ایم، انفاق کنید، پیش از آن‌که یکی از شما را مرگ فرارسد و بگوید: «پروردگارا، چرا تا مدتی بیشتر اجل مرا به تأخیر نینداختی تا صدقه دهم و از نیکوکاران باشم؟»
﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقه‌های خود را با منت و آزار، باطل نکنید.^۳

سه: آیات احسان به خویشاوندان و نیازمندان

احسان برگرفته از حسن است که در دو معنا کاربرد دارد: ۱. نعمت بخشیدن به دیگری؛ ۲. کار نیک انجام دادن. احسان برتر از عدالت است؛ زیرا عدالت آن است که انسان آن چه برعهده اوست بدهد و آن چه سهم اوست بگیرد، ولی احسان این است که بیش از آن چه وظیفه اوست انجام دهد و کمتر از آن چه حق اوست بگیرد.^۴ احسان از عناوین عامی است که مصادیق فراوانی دارد. یکی از مصادیق مهم احسان به دیگران، کمک مالی به نیازمندان، به ویژه نیازمندان فامیل است. در آیات زیر نیازمندانی که انسان باید نسبت به آنان احسان بورزد به ترتیب اولویت، بیان شده است. کمک مالی به نیازمندان با شیوه‌های متعددی امکان پذیر است، ولی از همه مانا تر احسان به نیازمندان از طریق وقف می‌باشد. بخش مهمی از موقوفات پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام و اصحاب آنان وقف بر فرزندان، خویشاوندان و نیازمندان بوده است.

﴿وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِلزَّائِلِ وَالْمَحْزُومِ﴾؛ و در اموال انسان‌های با تقوا حقی برای

۱. حدید، ۱۸.

۲. منافقون، ۱۰.

۳. بقره، ۲۶۲.

۴. فرهنگ قرآن ج ۲، ص ۳۸۹.



سائل تهیدست و محروم از معیشت وجود دارد.^۱
 ﴿وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّغْلُومٌ! لِلنَّسَائِلِ وَالْمَحْزُومِ﴾؛ نمازگزاران واقعی کسانی‌اند که در اموالشان حقی معلوم است، برای درخواست کننده تهیدست و محروم از معیشت و ثروت.^۲

﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالجَّارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا﴾^۳؛ و خدا را پرستید، و چیزی را با او شریک مگردانید؛ و به پدر و مادر احسان کنید؛ و درباره خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه خویش و همسایه بیگانه و همنشین و در راه مانده و بردگان خود نیکی کنید، که خدا کسی را که متکبر و فخر فروش است دوست نمی‌دارد.

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنتُمْ مُّعْرِضُونَ﴾^۴؛ و چون از فرزندان اسرائیل پیمان محکم گرفتیم که: «جز خدا را پرستید، و به پدر و مادر، و خویشان و یتیمان و مستمندان احسان کنید، و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید، و نماز را به پا دارید، و زکات را بدهید»؛ آن‌گاه، جز اندکی از شما، [همگی] به حالت اعراض روی برتافتید.

﴿لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالصَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾؛ نیکی این نیست که روی خود را به سوی مشرق و مغرب کنید، بلکه نیکی واقعی و کامل که شایسته است در همه امور شما ملاک قرار گیرد، منش و رفتار کسانی است که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورده‌اند و ثروتشان را با آن‌که دوست دارند به خویشان و یتیمان و درماندگان و در راه ماندگان و نیازمندان و در راه آزادی بردگان می‌دهند و نماز

۱. ذاریات، ۱۹.

۲. معارج، ۲۴ و ۲۵.

۳. نساء، ۳۶.

۴. بقره، ۸۳.

را با همه شرایطش برپای می‌دارند، و زکات می‌پردازند و چون پیمان بندند به پیمان خویش وفادارند، و در تنگدستی و تهیدستی و رنج و بیماری و هنگام جنگ شکیبایند؛ اینانند که در دین‌داری و پیروی از حق راست گفتند و اینانند که پرهیزکارند.^۱

چهار: آیات باقیات الصالحات

این تعبیر از دو واژه «باقیات» از مصدر «بقاء» به معنای جاودانگی و «صالحات» از مصدر «صلاح» به معنای نیکی، ضدّ تباهی^۲ ترکیب یافته و اصطلاحی است قرآنی که به ماندگاری پاداش کارهای نیک برای انسان اشاره دارد.^۳ در حقیقت این واژه اشاره به اموری دارد که از انسان به یادگار می‌ماند و آثار خویش به دیگران می‌رسد. لذا طبیعی سخن آن بود که «الباقیات» وصف برای «الصالحات» باشد و گفته شود: «الصالحات الباقیات»؛ زیرا، اعمالی صالح هستند که متصف به ماندگاری می‌شوند، ولی به جهت تأکید بر بقای عمل صالح در برابر اضمحلال حیات دنیا و زینت‌های آن، این جابجایی در تعبیر صورت گرفته است.^۴

تا انسان، بیش از آن‌که به فکر تأمین حیات دنیوی‌اش باشد به فکر آخرتش باشد و اموال و دارایی‌هایش را با وقف و مانند آن، ماندگار سازد. نیز فرزندانی صالح از خود برجای گذارد تا به فکر پدر و مادرش باشد و مانند آن.

به فرموده آیت‌الله جوادی آملی، باقیات الصالحات عبارت است از فرزند صالحی که به فکر ما باشد، صدقات جاریه؛ مانند «وقف» که خیر مالی آن به دیگران برگردد، کتاب خوبی که نفعش به همه برسد یا سنت خوبی که در جایی از خود به یادگار بگذاریم که مردم به آن سنت حسنه عمل کنند.^۵

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز می‌فرماید: گرچه جمعی از مفسران خواسته‌اند مفهوم «باقیات الصالحات» را در دایره خاصی مانند نمازهای پنج‌گانه، یا ذکر

۱. بقره، ۱۷۷.

۲. مقایس اللغه، ج ۳، ص ۳۰۳؛ لسان العرب، ج ۷، ص ۲۸۴؛ المصباح، ص ۳۴۵.

۳. دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۵، ص ۲۹۹.

۴. تفسیر راهنما، ج ۱۰، ص ۳۰۸.

۵. تفسیر موضوعی، ج ۱۱، مراحل اخلاق در قرآن، ص ۱۳۲.



«سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر» و امثال آن محدود کنند، ولی روشن است که، مفهوم این تعبیر آن چنان وسیع و گسترده است که هر فکر و ایده و گفتار و کردار صالح و شایسته‌ای که طبعاً باقی می‌ماند و اثرات و برکاتش در اختیار افراد و جوامع قرار می‌گیرد، شامل می‌شود.^۱ بنابراین می‌توان گفت که وقف از بارزترین مصادیق باقیات الصالحات است؛ زیرا هم خود مال موقوفه مدت‌های زیادی باقی می‌ماند و از آثار و برکاتش دیگران استفاده می‌کنند و هم پاداش آن برای انسان نزد خداوند باقی است.

﴿الْمَالُ وَ النَّفْسُ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمَلًا﴾؛ مال و پسران زیور زندگی دنیایند، و نیکی‌های ماندگار از نظر پاداش نزد پروردگارت بهتر و از نظر امید نیز بهتر است.^۲

﴿وَ يَزِدُّ اللَّهُ الَّذِينَ هَدَىٰ وَ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ مَّرَدًّا﴾؛ و خداوند کسانی را که هدایت یافته‌اند بر هدایتشان می‌افزاید و نیکی‌های ماندگار، نزد پروردگارت از حیث پاداش بهتر و خوش‌فرجام‌تر است.^۳

پنج: آیات ذخیره‌سازی برای آخرت

آیات فراوانی در قرآن کریم وجود دارد که انسان‌ها را تشویق می‌کند تا برخی از اموال خود را برای آخرت خودشان ذخیره‌سازی کنند و قبل از آن‌که خود به عالم آخرت بروند، بخشی از اموالشان را برای استفاده خود در عالم آخرت بفرستند. لذا امام سجاد (ع) به نیازمندانی که از حضرت کمک مالی دریافت می‌کردند می‌فرمود: آفرین به کسی که زاد و توشه مرا به سوی آخرت حمل می‌کند.^۴ از برترین راه‌های پیش‌فرست بخشی از اموال، استفاده از قانون وقف است.

﴿وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ مَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾؛ و نماز را برپا دارید و زکات بپردازید و آن‌چه از کار نیک برای خود پیش‌فرستید آن را نزد خدا خواهید یافت. مسلماً خدا به آن‌چه انجام می‌دهید

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۴۴۶؛ الأصفی فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۷۱۷؛ الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۹، ص ۲۸۳؛ تفسیر الصافی، ج ۳، ص ۲۴۴.

۲. کهف، ۴۶.

۳. مریم، ۷۶.

۴. تسنیم، ج ۱۰، ص ۵۲۷؛ به نقل از: بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۹۸.

بیناست.^۱

﴿وَمَا تَقْدِمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾؛ و آنچه را از عمل خیر برای خود پیش می‌فرستید، آن را نزد خدا به بهترین صورت و بزرگ‌ترین پاداش خواهید یافت و از خدا آمرزش خواهید که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.^۲

﴿يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي﴾؛ می‌گوید: ای کاش برای این زندگی‌ام عبادت خالصانه و کار نیک پیش فرستاده بودم.^۳

﴿وَاتَّبِعْ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾؛ در آنچه خدا به تو عطا کرده است سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن و نیکی کن همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده است و در زمین خواهان فساد مباش، بی‌تردید خدا مفسدان را دوست ندارد.^۴

۱. بقره، ۱۱۰.

۲. مزمل، ۲۰.

۳. فجر، ۲۴.

۴. قصص، ۷۷.



فصل دوم: آثار وقف و ضرورت آن





گفتار اول: هدف خلقت

﴿الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا﴾؛ مال و پسران زیور زندگی دنیایند و نیکی‌های ماندگار از نظر پاداش نزد پروردگارت بهتر و از نظر امید نیز بهتر است.^۱

نکته‌ها

یک: واژه‌شناسی

«باقیات الصالحات»: در فصل اول، معنای آن گذشت و روشن شد که یکی از بارزترین مصادیق آن «وقف» است.

امل: آرزو، امید.^۲

دو: تحلیل

﴿خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ﴾؛ براساس این آیه شریفه، کارهای ماندگار شایسته، نزد خدای سبحان، دارای ارزش برتر است.^۳ «خیر» افعّل تفضیل است و افعّل تفضیل در سنجش بین دو چیز به کار می‌رود. در این آیه شریفه، مال و فرزند به عنوان زینت زندگی دنیا، در یک طرف و «باقیات الصالحات» در طرف دیگر قرار گرفته است و این دو با هم مقایسه شده‌اند و «باقیات الصالحات» در نزد خداوند، بر مال و فرزند ترجیح داده شده است.

با توجه به آن‌چه در معنای «باقیات الصالحات» گذشت، انسان می‌تواند با پرورش فرزندان صالح و هزینه کردن مال در راه خدا آن‌ها را تبدیل به «باقیات الصالحات» کند از بارزترین مصادیق هزینه کردن مال در راه خدا، وقف است. خداوند متعال در تبیین هدف از آفرینش انسان می‌فرماید: من جن وانس را نیافریدم، جز این‌که فقط مرابندگی کنند.^۴ بنابراین فقط باید از خدا اطاعت کرد، به خاطر خدا باید زندگی کرد، به خاطر خدا باید گذشت کرد، به خاطر خدا باید سکوت کرد، به خاطر خدا باید فریاد کشید، به خاطر خدا باید کار کرد، از چیزی باید خوشحال بود که انسان را به خدا نزدیک کند و از چیزی باید آزرده خاطر بود

۱. کهف، ۴۶.

۲. قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۱۳.

۳. تفسیر راهنما، ج ۱۰، ص ۳۰۸.

۴. ذاریات، ۵۶.

که انسان را از خدا دور کند.^۱ و در یک کلام انسان باید برنامه‌های زندگی‌اش را به گونه‌ای تنظیم کند که خشنودی خدا را جلب کند. یکی از اموری که در جلب خشنودی خداوند و رسیدن به هدف زندگی نقش بارزی دارد، وقف است که از مصادیق بارز باقیات الصالحات است و بر اساس آیه شریفه، چنین عملی نزد خداوند نسبت به سایر اعمال پاداش بیشتری دارد. معنای این سخن این است که وقف نزد خداوند متعال نسبت به سایر اعمال از محبوبیت بیشتری برخوردار است. به ویژه اگر وقف، در راستای حل گرفتاری‌های مؤمنین باشد، که در این صورت به فرمایش امام رضا (ع) با فضیلت‌ترین عمل بعد از انجام واجبات، خوشحال کردن مؤمن است^۲ و روشن است که خوشحال کردن مؤمن با برطرف کردن نیازهای مادی و معنوی او صورت می‌گیرد. لذا امام صادق (ع) می‌فرماید: دوست داشتنی‌ترین کارها نزد خداوند، شادمان سازی انسانهای مؤمن است. بدین صورت که گرسنگی را از او دور سازد، یا گرفتاری‌اش را برطرف سازد یا بدهی او را پرداخت کند.^۳ بدیهی است که ذکر این موارد از باب مصادق است و خشنود سازی مؤمن منحصر به این موارد نمی‌شود. بلکه شامل برطرف سازی هرگونه نیاز مادی، معنوی، آموزشی و مانند آن می‌شود. وقتی از محل درآمد موقوفات، به فقرا غذای گرم داده می‌شود یا کمک مالی به او می‌شود یا قرض او پرداخت می‌شود یا کمک هزینه تحصیلی یک طلبه و یا دانشجو پرداخت می‌شود و... او از خوشحالی در پوست خود نمی‌گنجد.

خیّر اَمَلًا: با توجه به هدف خلقت انسان، آرزو و امید انسان باید جلب خشنودی خداوند باشد. بنابراین هنگامی که باقیات الصالحات، که وقف از بارزترین مصادیق آن است نزد خداوند با ارزش‌تر است. امید و آرزوی انسان نیز باید این باشد که مالی را از راه مشروع و حلال بدست آورده و بخشی از آن را در راه خدا و در جهت تأمین نیازمندیهای متنوع مؤمنین وقف کند.

۱. تا ساحل آرامش، ج ۱، ص ۲۹.

۲. الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا (ع)، ص ۳۳۹.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۱۹۱ و ۱۹۰.



گفتار دوم: فلسفه وجودی مال

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَمْ تُبْعَثْ لِجَمْعِ الْمَالِ وَ لَكِنْ بُعِثْنَا لِإِنْفَاقِهِ».

رسول اکرم ﷺ فرمود: ما پیامبران خدا برای جمع کردن مال برانگیخته نشده ایم، بلکه برای هزینه کردن آن (در راه خدا) برانگیخته شده ایم. (یعنی فلسفه وجودی مال به کار انداختن و استفاده کردن از آن است نه انباشته کردن).^۱

نکته ها

یک: واژه شناسی

«بعث» به معنای برانگیختن است.^۲

«انفاق» به معنای خارج ساختن مال از دست خود و هزینه کردن آن است.^۳

دو: تحلیل روایت

بر اساس نظام توحیدی، مالک حقیقی تمام اموال خداوند است. خداوند بخشی از این اموال را به عنوان امانت در اختیار انسان قرار داده است. امام صادق (ع) در این باره می فرماید: اموال، از آن خداست و آن ها را نزد آفریدگان خویش امانت نهاده است و فرمانشان داده که از آن، با میانه روی بخورند و بنوشند و با میانه روی ازدواج کنند و با میانه روی، وسیله سواری بخردند و سوار شوند و بیش از آن را به مؤمنان نیازمند ببخشند. هر که از این حد (اعتدال و میانه روی) فراتر رود، آنچه از آن مال می خورد و می نوشد، حرام است و آنچه می پوشد، حرام و آنچه به وسیله آن مال، ازدواج می کند حرام و آنچه سوار می شود حرام است؛ «الْمَالُ مَالُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَهُ وَ ذَانِعٌ عِنْدَ خَلْقِهِ...»^۴. بنابراین انسان باید این اموال امانتی را زیر نظر خداوند و برابر با دستورالعمل اجرایی او هزینه کند. دستورالعمل خداوند در زمینه اموال این است که مال را برای هزینه کردن در اختیار ما قرار داده است و نه برای انباشته کردن. لذا روی هم انباشته کردن ثروت را تحت عنوان «تکاثُر» به شدت مذمت کرده و می فرماید: کسانی که طلا و نقره را ذخیره می کنند و آن را در

۱. مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۱۸۳.

۲. قاموس، ج ۱، ص ۲۰۳.

۳. قاموس، ج ۷، ص ۹۸.

۴. اصلاح الگوی مصرف از نگاه قرآن و حدیث، ص ۱۳؛ أعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۲۶۹.



راه خدا هزینه نمی‌کنند، به عذابی دردناک خیر ده.^۱

آیت الله جوادی آملی در این باره می‌نویسند: بخیل گمان می‌کند در برابر خداوند هم مالک است. از این رو، می‌تواند به اراده خود عمل کند. غافل از آن که مالکیت انسان نسبت به دیگران است نه نسبت به خدا. انسان در برابر خداوند، مالکیتی ندارد تا بتواند بگوید من مال خود را انفاق نمی‌کنم. خدای سبحان انسان را استخلاف کرده (نه تملیک) و خلیفه خود در مالکیت مال معرفی کرده است و هیچ خلیفه‌ای حق ندارد در محدوده خلافت خویش بخل بورزد. انسان مستخلف و وکیل امین است، نه مالک اصلی. از این رو، به انسان فرمان می‌دهد از مال خدا انفاق کنید. خلاصه، خداوند که این سمت‌ها را به او داده، انفاق‌هایی را نیز بر او واجب کرده است و بخل او در این امور کاملاً بی‌وجه است.^۲

با توجه به این مطلب، یک فرد مسلمان از همان زمانی که شروع به فعالیت‌های اقتصادی و کسب درآمد می‌کند، می‌بایست هدف از آن را هزینه کردن در جایی قرار دهد که خداوند راضی به آن است.

فهرستی مختصر از موارد هزینه کردن اموال برابر با دستور العمل خداوند ارائه می‌شود:

- تأمین نیازمندی‌های خود به دور از اسراف و تبذیر.^۳
- تأمین نیازمندی‌های خانواده در حد تأمین نیازمندی‌های ضروری و رفاهی خانواده، به دور از اسراف و تبذیر.^۴
- پرداخت خمس و زکات و کفارات.^۵
- کمک به طبقات مختلف نیازمند جامعه، در قالب صدقه، هدیه، قرض الحسنه، بخشش و مانند آن.^۶
- ساخت مراکز دینی و مذهبی و عام‌المنفعه؛ مانند مسجد، حسینیه، مراکز بهداشتی - درمانی و آموزشی و...^۷

۱. توبه، ۳۴.

۲. تفسیر ج ۱۶، ص ۴۴۰.

۳. مائده، ۸۸؛ انعام، ۱۴۲؛ اعراف، ۳۱؛ ملک، ۱۵.

۴. رک: تحکیم خانواده، ص ۲۸۸ به بعد.

۵. انفال، ۴۱؛ توبه، ۱۰۳؛ مائده، ۹۵.

۶. نساء، ۳۶؛ بقره، ۸۳؛ مزمل، ۲۰؛ ذاریات، ۱۹؛ معارج، ۲۴.

۷. توبه، ۱۸؛ بقره، ۱۹۵؛ حدید، ۱۰.



- ساخت بنگاه‌های اقتصادی و تولیدی، با هدف رهایی از وابستگی به خارج و رسیدن به خودکفایی و استقلال اقتصادی در بخش‌های مختلف کشاورزی، دامداری، صنعتی، نظامی، درمانی و...^۱

- یکی از مهم‌ترین مواردی که خداوند متعال دوست دارد مؤمنین اموالشان را در آن جهت هزینه کنند، وقف بخشی از اموال است که با هدف تحقق آرمان‌های فوق به صورت پایدار هزینه می‌شود.^۲ وقتی کسی مالی را جهت کمک به نیازمندان یا برپایی مراسم مذهبی و مانند آن وقف می‌کند، تا زمانی که این مال پابرجاست کسی حق تغییر و تبدیل آن را ندارد، لذا آن موردی که این مال برای آن وقف شده است یک پشتوانه دائمی مالی پیدا می‌کند و تا زمانی که این مال باقی است و از آن بهره‌برداری می‌شود، ثوابی به حساب واقف نیز تعلق می‌گیرد. پس وقف، بهترین و مانا‌ترین نوع هزینه کردن مال است.

بدین ترتیب اموال امانتی در جایی به کار برده می‌شود که خداوند؛ یعنی مالک اصلی مال، راضی به آن است.

و از آن مالی که خدا به شما داده است به ایشان بدهید؛ ﴿وَأَتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ﴾^۳.

۱. انفال، ۶۰؛ نساء، ۱۴۱؛ توبه، ۴۱.

۲. کهف، ۴۶؛ مریم، ۷۶؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۲.

۳. نور، ۳۳.

گفتار سوم: پس اندازی برای آینده

قَالَ عَلِيٌّ عليه السلام: «الصَّدَقَةُ وَالْحَبْسُ ذَخِيرَتَانِ فَدَعُوهُمَا لِيَوْمِهِمَا»؛

حضرت علی عليه السلام فرمودند: صدقه و وقف دو ذخیره برای آخرت هستند، پس اموالتان را برای آن روز وانهید.^۱

نکته‌ها

یک: واژه شناسی

تعریف دو واژه «حبس» و «صدقه» در فصل اول گذشت.

دو: تحلیل روایت

هر انسانی سه دوره زمانی در اختیار دارد: گذشته، اکنون و آینده. راستی آیا تا کنون فکر کرده‌اید آینده انسان کجاست؟! آیا مرگ پایان کار انسان است یا آغازی است بر زندگی بی پایان انسان. امام علی عليه السلام سرانجام کار انسان را قیامت دانسته و می‌فرماید قبل از اینکه قیامت فرا برسد خود را برای آن آماده کنید؛ «وَأَمِّهْدُوا لَهُ قَبْلَ حُلُولِهِ وَأَعِدُّوا لَهُ قَبْلَ نَزْوِلِهِ فَإِنَّ الْغَايَةَ الْقِيَامَةُ».^۲

از این سه مقطع، گذشته که از بین رفته است، زمان حال نیز از دست ما می‌گریزد، ولی زمان آینده زمانی است که حتماً به سراغ ما خواهد آمد و نمی‌توان آن را نادیده گرفت. ما در همین دنیا نیز فرداهایی داریم که با اینکه یقین به فرا رسیدن آن نداریم، ولی برای آن برنامه‌ریزی می‌کنیم؛ مثلاً در نظام اداری تمام حقوق کارمند را به او نمی‌دهند، بلکه بخشی از حقوق هر کارمندی را برای دوران بازنشستگی کنار می‌گذارند تا ذخیره‌ای برای دوران بازنشستگی او باشد و چون کارمند چنین آینده‌ای را حداقل احتمال می‌دهد اعتراضی نمی‌کند. همین‌طور در انواع بیمه‌نامه‌ها، بیمه عمر و تأمین اجتماعی و مانند آن، چنین عمل مشابهی از جانب انسان‌های عاقل و دوراندیش انجام می‌پذیرد.

قیامت نیز از فرداهایی است که نمی‌توان نسبت به آن بی تفاوت شد، به ویژه که قیامت از فرداهایی است که بدون شک برای همگان پیش خواهد آمد، پس بر هر انسان عاقل و آینده‌نگری لازم است که بیشتر از فرداهای احتمالی دنیا به آن

۱. دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۳۴۰.

۲. نهج البلاغة، ص ۲۸۱، خطبه ۱۹۰.



بیندیشد و برای آن روز، خودش را آماده کند. به گفته امیرمؤمنان علی (ع) کسی که به یاد رفتن از دنیا به آخرت است با شتاب به سوی خیرات پیش می‌رود.^۱ چون نمی‌داند چه لحظه‌ای مرگ، او را با خود خواهد برد.

برتری سیستم اقتصادی اسلام بر سیستم‌های اقتصادی بشری این است که اسلام، هم نیازمندی‌های دنیوی انسان را در نظر می‌گیرد و هم نیازمندی‌های ابدی انسان را، هم فرد را می‌بیند و هم اجتماع را، هم نسل کنونی را می‌بیند و هم نسل‌های بعدی را، هم توسعه مادی زندگی را و هم توسعه معنوی زندگی را. سیستم پیشنهادی وقف در اسلام تمام این جهات را به زیبایی پیشنهاد می‌دهد.

در این روایت امام علی (ع) صدقه و وقف را دو ذخیره برای آینده دانسته و می‌فرماید این دو را برای آن روز کنار بگذارید.

گفتار چهارم: آنچه برای انسان می ماند

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «سَبْعَةُ أَسْبَابٍ يُكْتَبُ لِلْعَبْدِ ثَوَابُهَا بَعْدَ وَفَاتِهِ: رَجُلٌ غَرَسَ نَخْلًا، أَوْ حَفَرَ بَيْرًا، أَوْ أَجَرَ نَهْرًا، أَوْ بَنَى مَسْجِدًا، أَوْ كَتَبَ مُصْحَفًا، أَوْ وَزَّثَ عِلْمًا، أَوْ خَلَّفَ وَلَدًا صَالِحًا يَسْتَغْفِرُ لَهُ بَعْدَ وَفَاتِهِ»؛

پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: هفت چیز است که بعد از مرگ آدمی، ثواب آن‌ها برایش نوشته می شود: مردی که درخت خرمایی بکارد، یا چاه آبی حفر کند، یا نهری جاری سازد، یا مسجدی بسازد، یا کتابی بنویسد، یا دانشی از خود به ارث گذارد، یا فرزند شایسته‌ای بر جای نهد که بعد از مرگش برای او از خدا آمرزش بخواهد.^۱

نکته‌ها

یک: واژه شناسی

مصحف: آن چیزی است که جمع‌کننده و در برگیرنده - صُحُف و نوشته‌هاست، جمعش مصاحف است. صَحِيفَة - کاغذی یا هر چیزی که بر آن نوشته می شود، جمعش صُحُف و صَحَائِف - است.^۲ بدین ترتیب به تمام کتاب‌ها مصحف گفته می شود. به قرآن نیز از این جهت که بر برگه‌هایی بین دو جلد مانند یک کتاب نوشته شده، «مصحف» گفته شده است.^۳ در این روایت می تواند منظور از مصحف، هرگونه کتاب سودمندی باشد که از یک نویسنده باقی می ماند و مورد استفاده نسل‌های بعدی قرار می گیرد. البته بارزترین مصداق کتاب، قرآن کریم است.

ابن السبیل: به مسافر در راه مانده و نیازمند، ابن السبیل گفته می شود؛ هر چند در شهر خود دارای مال و سرمایه باشد. ابن السبیل به این معنا در قرآن و روایات نیز به کار رفته و در باب‌های زکات و خمس از آن بحث شده است.^۴

دو: تحلیل روایت

انسان موجودی است با حیات پایدار و نیازهای برقرار، و هیچ راهی برای تأمین

۱. حکمت‌نامه پیامبر اعظم، ج ۴، ص ۲۹۳.

۲. ترجمه مفردات راغب، ج ۲، ص ۳۷۸.

۳. آشنایی با علوم قرآنی، ص ۹۶.

۴. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، ج ۱، ص ۲۲۱.



نیازمندی‌های خود جز استفاده از محصول عملش ندارد.^۱ چون بعد از این که مرگ انسان فرارسد رابطه‌اش با خویشان و دوستان و اموالش قطع شده^۲ و انسان می‌ماند و عملکرد گذشته و نیازهای آینده‌اش.^۳ مهم‌ترین منابع انسان برای تأمین نیازمندی‌های حیات اخروی‌اش از این قرار است:

استفاده از ایمان و اعمال صالح گذشته که براساس اینکه دنیا به منزله فصل کشت و آخرت (که با مرگ آغاز می‌شود) به منزله فصل برداشت است،^۴ به کمک انسان آمده و تبدیل به اقلام مورد نیاز انسان می‌شود.^۵

ولی انسان هست و ابدیت و مختصر اعمالی که در گذشته انجام داده، راستی این اعمال دست و پا شکسته ما تا چه مقدار و چه زمان می‌تواند نیازهای ما را تأمین کند؟! لذا انسان نیاز به منابعی دارد که با مرگ انسان برقرار باشد و پشتوانه‌ای برای تأمین نیازمندی‌های بی‌پایان او باشد. وقف یکی از مهم‌ترین آن منابع است؛ زیرا همان‌گونه که گفته شد، وقف درباره اموالی است که اصلش باقی می‌ماند و تا دنیا برقرار است مورد استفاده و بهره‌برداری معنوی و یا علمی و درمانی قرار می‌گیرد و هیچ‌کس حق تغییر کاربری آن را ندارد، لذا برای همیشه و به نسبتی که مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد پاداشی برای واقف نیز منظور می‌شود، همین‌طور شخص واقف برای همیشه مورد عنایت دعای خیر همه کسانی قرار می‌گیرد که از موقوفه در طول تاریخ استفاده می‌کنند و برای واقفین طلب آمرزش کرده و نثار روحشان فاتحه می‌خوانند.

بنابراین آنچه انسان در راه خدا به عنوان احسان و انفاق، خمس و زکات، صدقه جاریه، وقف و مانند آن هزینه می‌کند نه تنها از دست انسان نمی‌رود، بلکه برای انسان باقی می‌ماند و در واقع آن بخشی از اموال، مال واقعی انسان به حساب می‌آید که یا در دنیا برای تأمین نیازمندی‌های خود و خانواده‌اش هزینه کرده است و یا در راه خداوند از طریق وقف و صدقه و مانند آن به مصرف تأمین

۱. نجم، ۳۹.

۲. شعراء، ۸۸.

۳. قصص، ۸۴.

۴. حکمت نامه پیامبر اعظم ﷺ، ج ۵، ص ۵۲۶.

۵. آل عمران.

نیازمندی‌های اجتماعی رسانده است.^۱ لذا رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مال تو همان چیزی است که با انفاق در راه خدا پیش از فرارسیدن مرگت به آخرت می‌فرستی و آنچه نگه می‌داری و از خود بر جای می‌گذاری مال تو نیست، بلکه مال وارث تو می‌باشد.^۲ و با همین نگاه است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله هنگامی که گوسفندی را ذبح کردند و جز سردستش همه‌اش را انفاق کردند، عائشه گفت: جز سردستش چیزی باقی نماند، رسول خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ او فرمودند: جز سردستش همه آن باقی ماند.^۳ یا امام رضا علیه السلام هنگامی که در روز عرفه تمام دارایی‌اش را بین مردم تقسیم کرد، فضل بن سهل به حضرت گفت: این کار شما خسارت است، آن حضرت در پاسخش فرمودند: این کار نه تنها غرامت و خسارت نیست، بلکه غنیمت و بهره بردن است و بعد به او فرمودند: هزینه کردن چیزی را که در عوض آن اجر و پاداش و کرامت‌های الهی را بدست می‌آوری غرامت و خسارت پندار.^۴

و شاید به همین خاطر است که کسانی که اهل انفاق نبوده‌اند در بدو ورود به آخرت به هنگام فرارسیدن مرگشان تقاضای بازگشت به دنیا می‌کنند تا اموالشان را در راه خدا انفاق کرده و اهل صدقه و وقف و مانند آن باشند و از آن در راه تأمین نیازمندی‌های آخرتی خود مدد گیرند. تقاضایی که هرگز برآورده نشده و این افراد حسرت به دل، وارد عالم برزخ می‌شوند و در قیامت نیز افسوس می‌خورند که ای کاش برای آخرت خود چیزی از پیش می‌فرستادند.^۵ بنابراین وقف بهترین پشتوانه و سرمایه برای وقف‌کننده به حساب می‌آید.^۶

۱. مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۵۶.

۲. الگوی مصرف از نگاه قرآن و حدیث، ص ۹۲.

۳. همان، ص ۹۴.

۴. بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۱۰۰.

۵. منافقون، ۱۰.

۶. منافقون، ۱۱.

۷. فجر، ۲۴.

۸. مریم، ۷۶.



گفتار پنجم: جاودانه سازی یاد خود

قَالَ عَلِيٌّ (ع): «إِنَّ خَيْرَ الْمَالِ مَا أَوْزَنْتَكَ ذُخْرًا وَذِكْرًا وَأَكْسَبَكَ حَمْدًا وَأَجْرًا»؛ حضرت علی فرمود: بهترین مال آن است که برایت اندوخته و نام نیک برجای نهد و سپاس و یادش را برای تو بدست آورد.^۱

نکته ها

انسان به گونه ای آفریده شده است که میل به زندگی جاویدان دارد و از نیستی و فنا بیزار است. این میل همواره در طول تاریخ در همگان وجود داشته و وجود دارد، هر چند کیفیت آن از نظر شدت و ضعف متفاوت باشد و از راه تعلیم و تعلم نیز حاصل نشده است، لذا نتیجه می گیریم که از امور فطری است؛ یعنی خداوند متعال انسان را به گونه ای آفریده است که میل به زندگی جاویدان داشته باشد.^۲ از طرفی دیگر می بینیم که عمر انسان محدود است و برای همیشه انسان نمی تواند در دنیا بماند، ولی می تواند یاد و نامش را جاودانه سازد به گونه ای که همواره مردم به یادش باشند و برای او دعا کنند و فاتحه بخوانند و مانند آن. یکی از مهم ترین راهکارها برای حصول این هدف، وقف مقداری از اموال برای مصارف عمومی و یا خاص است. به این ترتیب هرگاه مردم از این اموال بهره برداری می کنند، یادی از بانیان و واقفان می کنند و انسان در همین دنیا عمری جاودانه می کند.

خداوند متعال در قرآن کریم در موارد متعددی به پیامبر اکرم (ص) و همه مؤمنین می فرماید: مریم،^۳ ابراهیم،^۴ موسی،^۵ اسماعیل،^۶ ادریس،^۷ داود^۸ و... را یاد کن. این دست از آیات نشان می دهد که انسان می تواند رفتار خداپسندانه ای داشته باشد که دیگران از او یاد کنند و دیگران نیز برای فرهنگ شدن خوبی هایی مانند

۱. عیون الحکم و المواعظ، ص ۱۵۳.

۲. قیاسات، ش ۴۶، ص ۷۲.

۳. مریم، ۱۶.

۴. مریم، ۴۱.

۵. مریم، ۵۱.

۶. مریم، ۵۴.

۷. مریم، ۵۶.

۸. ص، ۱۷.

فرهنگ وقف، باید از واقفین گذشته یاد کنند. لذا شایسته است کسانی که از موقوفات بهره‌برداری می‌کنند همواره به یاد واقفین باشند و دردهای خود آنان را نام ببرند.

البته منظور از ذکر این نکته این نیست که واقفین محترم هدف نهایی شان جاودانه‌سازی نامشان باشد، بلکه هدف اصلی از وقف، جلب خشنودی خداوند و هزینه کردن مال در راهی است که خداوند می‌پسندد و جاودانه‌سازی نام و یاد واقف، خود به خود در ضمن آن هدف اصلی حاصل می‌شود و خودش می‌تواند یکی از پاداش‌های وقف باشد.





گفتار ششم: سوددهی مداوم

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ عِلْمٍ يُتَمَّعُ بِهِ أَوْ صَدَقَةٍ تَجْرِي لَهُ أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ»؛

رسول اکرم ﷺ فرمود: پرونده اعمال آدمی پس از مرگش بسته خواهد شد، مگر در سه مورد: دانش سودمندی که از خود به یادگار نهاده، صدقه‌ای که آثار خیرش همچنان جاری است و دعای فرزند صالحش که در حق او دعا کند.^۱

قَالَ الصَّادِق (ع): «لَيْسَ يَنْبَغُ الرَّجُلُ بَعْدَ مَوْتِهِ مِنَ الْأَجْرِ إِلَّا ثَلَاثُ خِصَالٍ صَدَقَةٌ أَجْرَاهَا فِي حَيَاتِهِ فَهِيَ تَجْرِي لَهُ بَعْدَ وَفَاتِهِ أَوْ وَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ أَوْ سُنَّةٌ هَدَى اسْتَهَّاهَا فَهِيَ يُعْمَلُ بِهَا بَعْدَهُ»؛

امام صادق (ع) فرمود: بعد از مرگ هیچ اجر و پاداشی بهره انسان نمی‌شود مگر در سه چیز: مالی که در راه خدا وقف کرده و بعد از مرگش باقی است و مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ یا فرزند صالحی که برای او دعا می‌کند؛ یا سنتی هدایت‌گر، پایه‌گذاری کرده است و بعد از حیات او پابرجاست و به آن عمل می‌شود.^۲

قَالَ الصَّادِق (ع): «سِنَّةٌ تَلْحَقُ الْمُؤْمِنَ بَعْدَ وَفَاتِهِ، وَلَدٌ يَسْتَعْفِرُ لَهُ وَ مُصْحَفٌ يَخْلِفُهُ وَ غَرْسٌ يَغْرِسُهُ وَ بَيْتٌ يَخْفِرُهَا وَ صَدَقَةٌ يُجْرِيهَا وَ سُنَّةٌ يُؤَخِّدُ بِهَا مِنْ بَعْدِهِ»؛^۳

امام صادق (ع) فرمود: شش چیز است که بعد از مرگ به مؤمن ملحق می‌شود: فرزند صالحی که به یاد والدین باشد و در حق آنان دعا و استغفار کند. قرآن یا کتابی که از انسان باقی بماند و مورد استفاده دیگران قرار بگیرد. درختی که کاشته و مردم بعد از مرگش از آن استفاده می‌نمایند. چاه یا قنات آبی که ایجاد کرده و مردم از آن بهره‌مند شوند. اموالی را که انسان وقف می‌کند تا مادامی که آن موقوفات مورد بهره‌برداری مردم است، انسان در برزخ نیز استفاده می‌کند. تأسیس یک نظام، کار و راه خیری که بعد از مرگش مردم آن راه و خط و نظام را پذیرفته و در آن سیر می‌کنند.^۴

۱. روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۱۱.

۲. دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۳۴۰.

۳. من لا يحضره الفقيه؛ ج ۴؛ ص ۲۴۶.

۴. اصول عقاید، ص ۵۹۷.

نکته‌ها

یک: واژه‌ها

صدقه: هر چند صدقه بر هر کار خوبی که برای رضای خدا انجام گیرد اطلاق می‌شود، ولی در این روایت به قرینه جمله «تجری له بعد وفاته» ظهور در وقف دارد.

سُنَّة: یعنی هر کسی که روش، سیاست و یا ابتکار جدیدی را پایه‌گذاری کند که بعد از او بماند و دیگران آن را ادامه بدهند. مثل ابتکار امام راحل در تعیین جمعه آخر ماه رمضان برای حمایت از مردم مظلوم فلسطین، تعیین حساب صد برای ساخت مسکن محرومان، برپایی نماز جماعت در ادارات توسط شهید رجائی و مانند آن.

دو: تحلیل روایت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تفاوت بین دنیا و آخرت فرمود: شما امروز در خانه کردارید نه حساب، و فردا در خانه حسابید نه کردار.^۱ بنابراین مهلت انجام عمل بعد از فرا رسیدن مرگ تمام می‌شود و پس از آن انسان باید سر سفره عملش بنشیند. ولی اعمال انسان بر دو گونه است: اول اعمالی که انسان در زندگی‌اش انجام می‌دهد، و پرونده‌اش بعد از عمل بسته شده و فقط ثواب و یا کیفرش برای انسان می‌ماند. مثل اکثر رفتارهای فردی، اجتماعی و سیاسی انسان، چه مثبت و چه منفی. دوم اعمالی که انسان در زندگی‌اش انجام می‌دهد ولی پرونده‌اش همچنان باز بوده و هرگز بسته نمی‌شود.

در این چند روایت به برخی از این امور اشاره شده است. وقف یکی از بارزترین این موارد است. کسی که کتاب، ملک، مسجد، حسینیه، مدرسه، فرش، لوازم مورد نیاز یک مرکز و مانند آن را وقف جایی جهت کمک به اسلام و مسلمین می‌کند تا مادامی که وجود دارد، لحظه به لحظه برای واقف آن پاداش منظور می‌شود. درست مثل اینکه کسی مقداری مال در یک مؤسسه فعال اقتصادی سرمایه‌گذاری کند و لحظه به لحظه از آن مؤسسه سود دریافت کند.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَرَهُمْ وَكُلُّ شَيْءٍ أَخْضَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ﴾؛ به یقین ما مردگان را زنده می‌کنیم و آنچه



را از پیش فرستاده‌اند و تمام آثار آن‌ها را می‌نویسیم و همه چیز را در کتاب آشکار کننده‌ای برشمرده‌ایم.^۱

بر اساس این آیه شریفه نه فقط اعمال، بلکه همه آثار آن نیز ثبت می‌شود و در حساب قیامت لحاظ می‌گردد. خواه آثار خیر نظیر وقف و صدقه جاریه و آموختن علم به مردم و... یا آثار شرّ مثل تأسیس مراکز فحشا.^۲

مرحوم شیخ صدوق در کتاب شریف ثواب الأعمال با نقل روایتی می‌نویسد: هر کس چاهی برای آب حفر کند تا به آب رسد و آن را بر مسلمانان ببخشد و یا وقف آن‌ها کند، برای او همانند هر که از آن آب وضو گیرد و نماز بخواند ثواب باشد و نیز به شماره موی بدن هر انسان یا چهار پا یا درنده و یا پرندۀ ای که از آن استفاده کرده و می‌کند برای او ثواب آزاد نمودن هزار بنده باشد و در روز قیامت به عدد ستارگان آسمان مردمی به شفاعت او بر حوض قدس وارد شوند. عرض کردیم یا رسول الله ﷺ حوض قدس کدام است؟ سه بار فرمود حوضی که مخصوص من است.^۳

۱. یس، ۱۲.

۲. تفسیر نور، ج ۷، ص ۵۲۵.

۳. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال (ترجمه غفاری)، ص ۶۷۸.

گفتار هفتم: از بین برنده عذاب قبر و قیامت

قَالَ عَلِيٌّ عليه السلام: «الصَّدَقَةُ جَنَّةٌ عَظِيمَةٌ وَحِجَابٌ لِلْمُؤْمِنِ مِنَ النَّارِ، وَوَقَايَةٌ لِلكَافِرِ مِنَ تَلَفِ الْمَالِ وَيُعْجِلُ لَهُ الْخَلْفَ وَيُدْفَعُ السُّقْمَ عَنْ بَدَنِهِ، وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ»؛

امام علی علیه السلام فرمود: صدقه مؤمن (که وقف نمونه بارز آن است) سپری بزرگ و حجابی است برای او در برابر آتش، و صدقه کافر، دارایی او را از تلف شدن حفظ می‌کند و عوض آن در همین دنیا به او داده می‌شود و بیماری‌ها را از جسم وی دور می‌گرداند، اما در آخرت نصیبی ندارد.^۱

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «إِنَّ الصَّدَقَةَ لَتُطْفِئَ عَنْ أَهْلِهَا حَرَّ الْقُبُورِ، وَإِنَّمَا يَسْتَظِلُّ الْمُؤْمِنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ظِلِّ صَدَقَتِهِ»؛

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: صدقه (که وقف نمونه بارز آن است)، گرمای قبرها را از صدقه دهنده دور می‌کند و روز قیامت، مؤمن در سایه صدقه خود پناه می‌گیرد.^۲

نکته‌ها

یک: واژه شناسی

صدقه: از بارزترین مصداقی صدقه، وقف است.^۳ لذا می‌توان در تبیین موضوع وقف از آیات و روایات، از عنوان صدقه استفاده کرد.

قبر: جمع قبر و در روایات به دو معنا به کار رفته است: یکی قبر مادی و محل دفن جسد میت؛ دیگری به معنای عالم برزخ؛ یعنی جهان مابین دنیا و آخرت می‌باشد.^۴ منظور از قبر در این روایت مانند بسیاری از روایات دیگر، عالم برزخ است و نه خصوص قبر مادی.

دو: تحلیل روایت

۱. بعد از مرگ، روح انسان از کالبد مادی و دنیوی خود خارج شده و در عالم برزخ، به یک کالبد و بدن مثالی (مانند بدنی که در حال خواب با آن خواب

۱. میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۴۲.

۲. همان، ص ۲۱۶.

۳. سرچشمه اندیشه، ج ۲، ص ۴۵۹.

۴. عالم برزخ، ص ۱۴۴، با تلخیص.



می‌بینیم) تعلق می‌گیرد و به زندگی خود تا قیام قیامت ادامه می‌دهد.^۱ مهم‌ترین ویژگی عالم برزخ این است که تمام انسان‌ها مهمان اعمال و رفتار دنیوی‌شان هستند. لذا برزخ برای برخی‌ها باغی از باغهای بهشت و برای برخی، گودالی از گودال‌های جهنم است.^۲ کسی که در دنیا گرفتار معصیت و نافرمانی خدای متعال شده و با توبه گذشته خود را جبران نکرده است، ممکن است گرفتار عذاب الهی در عالم برزخ شود. در این صورت، انسان نیازمند چیزی است که عذاب الهی را از او بردارد. بر اساس روایت فوق، صدقه، که بارزترین مصداق آن وقف است، می‌تواند حرارت عالم برزخ را خاموش سازد. به ویژه که بر اساس برخی از روایات، در عالم برزخ، شفاعت نیز وجود ندارد.^۳ بنابراین در قیامت، صدقه‌دهنده در سایه صدقه خود پناه می‌گیرد.

حضرت علی علیه السلام در یکی از وقف‌نامه‌های خود می‌نویسند: «هذا ما أوصی به وَقَضی فی مالِهِ عَلِیٌّ عَبْدُ اللَّهِ ابْتِغَاءَ وَجهِ اللَّهِ، لِيُولِجَنِي بِهِ الْجَنَّةَ وَيَصْرِفَنِي بِهِ عَنِ النَّارِ، وَيَصْرِفَ النَّارَ عَنِّي يَوْمَ تَبْيَضُ وُجُوهٌُ وَتَسْوَدُ وُجُوهٌُ»؛ این آن چیزی است که وصیت کرده بنده خدا علی در مال خود برای رضای خدا تا اینکه (به وسیله این وصیت) خدا مرا داخل بهشت نموده و مرا از آتش دوزخ دور سازد در روزی که صورت‌هایی سفید و صورت‌هایی سیاه می‌گردد.^۴

۲. بر اساس روایت اول، حتی اگر واقف کافر باشد برایش سودمند است. نهایت چون کافر اعتقادی به قیامت نداشته است و آن را هدف‌گذاری نکرده، سود اخروی برای او در پی ندارد. ولی در دنیا سبب بیمه مال و بدنش در برابر بیماری‌ها و حوادث می‌شود.

۱. پاسخ به شبهات کلامی، دفتر پنجم، معاد، ص ۱۰۸.

۲. الکافی، ج ۳؛ ص ۲۴۲.

۳. الکافی، ج ۳؛ ص ۲۴۲.

۴. مکاتیب الأئمة علیهم السلام، ج ۴، ص ۴۷۷.

گفتار هشتم: گره‌گشایی از معضلات اجتماعی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً عَمِلَ بِهَا مِنْ بَعْدِهِ كَانَ لَهُ أَجْرُهُ وَمِثْلُ أَجْوَرِهِمْ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجْوَرِهِمْ شَيْئًا...»؛

پیامبر اکرم ﷺ: هر که سنت نیکویی بگذارد که پس از مرگش نیز بدان عمل شود، هم اجر خودش را دارد و هم به اندازه اجر کسانی که به آن عمل می‌کنند؛ بی آن‌که از اجر ایشان چیزی کم شود.^۱

نکته‌ها

یک: واژه‌شناسی

سنة: به معنای طریق و روش است.^۲ شامل هرگونه رفتار و کرداری که شخصی در زمان خودش بنیان‌گذاری کند و بعد از مرگ او مورد تبعیت دیگران قرار گیرد، می‌شود. در این صورت هر کسی که از این سنت پیروی کند و آن را انجام دهد، همزمان به این شخص و بنیان‌گذار این سنت، پاداش داده می‌شود.

دو: تحلیل روایت

در قالب وقف، به زیبایی می‌توان پایه‌گذار سنت‌هایی ماندگار شد. زیرا وقف تنها موردی است که کسی حق تغییر آن را بر خلاف جهتی که واقف برای آن تعیین کرده است، ندارد. لذا با استفاده از ظرفیت وقف، می‌توان برای همیشه بسیاری از معضلات اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی و مانند آن را برطرف کرد. به طور مثال، اگر عوائد ملکی وقف فقرای یک منطقه شود، تا روز قیامت بخشی از مشکلات فقرای آن منطقه حل می‌شود. یا اگر مالی وقف مدرسه‌ای علمیه شود، برای همیشه بخشی از هزینه‌های آن مدرسه تأمین می‌شود.

به چند نمونه اشاره می‌شود:

وقف ورزشگاه، پارک و آموزشگاه‌های ویژه بانوان به ویژه در مقطع دانشگاهی. یکی از مشکلات نظام آموزشی به ویژه در مقطع آموزش عالی که اوج جوانی و بیداری غرائز جنسی و تمایل دختر و پسر به یکدیگر است، دانشگاه‌ها با اختلاط

۱. حکمت نامه پیامبر اعظم، ج ۴، ص ۲۹۲.

۲. مجمع البحرین، ج ۶، ص ۲۶۹.



دختر و پسر برگزار می‌شود. که منشأ مفاسد زیادی می‌شود. مراجع عظام تقلید بارها خواستار تفکیک جنسیتی این مراکز شده‌اند، ولی هنوز گوش شنوایی برای این خواسته مراجع پیدا نشده است. وقف دانشگاه‌های ویژه بانوان، بهترین راهکار حل این معضل است. این کار می‌تواند به سیره‌ای ماندگار برای سایر واقفین برای حل این معضل تبدیل شود.

وقف املاک درآمدزا در راستای حمایت از تولید ملی؛ مانند پرداخت جایزه از محل درآمد موقوفه به کسانی که زمینه انتقال علم و فن‌آوری به داخل کشور را فراهم کنند یا در امر صادرات کالای ایرانی موفق باشند.

وقف در راستای حمایت از حوزه‌های علمیه، مساجد، چاپ و توزیع کتب مذهبی بین اقشار جامعه، تبلیغ اسلام با زبان هنر، تبلیغ اسلام از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی، پرورش و اعزام مبلغ به خارج از کشور و مانند آن. به ویژه با تأکید که مراجع عظام تقلید بر استقلال مالی حوزه‌ها و مساجد و امر تبلیغ دارند و وابستگی مالی این مراکز را به دولت و صاحبان قدرت و ثروت، مصلحت نمی‌دانند؛ زیرا حوزه علمیه اگر وابسته به دولت‌ها باشد، شجاعت و جرأت لازم را برای بیان حقایق، امر به معروف و نهی از منکر، اعتراض به کمبودها و نقص‌ها و تلاش برای پیاده‌سازی احکام الهی نخواهد داشت. و همان بلایی بر سر حوزه علمیه شیعه خواهد آمد که بر سر رهبران و عالمان اهل سنت و مسیحیت و مانند آن درآمده است؛ زیرا آنان به دلیل وابستگی مالی‌ای که به صاحبان قدرت و ثروت دارند، جرأت سخن گفتن برخلاف سیاست‌های دولت‌مردانشان را ندارند و ناچارند همواره در چهارچوب خواسته‌های صاحبان قدرت و ثروت سخن بگویند و در مقابل ظلم و ناعدالتی و جبهه استکبار جهانی سکوت اختیار کنند.

وقف با توجه به نقش چند منظوره‌ای که دارد می‌تواند کارکردهای گوناگون و متفاوتی داشته باشد: توسعه علمی و فرهنگی و پژوهشی، توسعه معنوی، گسترش فرهنگ دینی، توزیع ثروت، شکل‌گیری عدالت اقتصادی، ایجاد اشتغال پایدار، ریشه‌کنی فقر، ارتقای سطح زندگی دهک‌های پایین جامعه و مانند آن بخشی از کارکردهای وسیع وقف است.

گفتار نهم: راحتی جان دادن

قَالَ الصَّادِق (ع): «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُخَفِّفَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَنْهُ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ فَلْيَكُنْ لِقَرَاتِيهِ وَضُولاً وَبِوَالِدَيْهِ بَاراً فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ هَوَّنَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَلَمْ يُصِبهُ فِي حَيَاتِهِ فَقْراً ابداً»؛

امام صادق (ع) فرمود: هرکس دوست دارد که خداوند مرگ و لحظات جان دادن را بر او سبک کند، نسبت به بستگانش صله رحم و نسبت به پدر و مادرش نیکی کند. هرگاه کسی چنین کند، خداوند مرگ را بر او آسان می‌کند و در زندگی به فقر و تهیدستی مبتلایش نمی‌سازد.^۱

قَالَ الصَّادِق (ع): «مَنْ كَسَا أَخَاهُ كِسْوَةَ شَتَاءٍ أَوْ صَبَفَ كَانَ حَقّاً عَلَى اللَّهِ أَنْ يَكْسُوهُ مِنْ ثِيَابِ الْجَنَّةِ وَأَنْ يُهَوِّنَ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَأَنْ يُوسِّعَ عَلَيْهِ فِي قَبْرِهِ وَأَنْ يَلْقَى الْمَلَائِكَةَ إِذَا خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ بِالْبُشْرَى وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي كِتَابِهِ: ﴿وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾»؛

امام صادق (ع) فرمود: هر که لباسی زمستانی یا تابستانی به برادرش بپوشاند، سزاوار است بر خدا که او را از جامه‌های بهشتی پوشاند و سختی‌های مردن را بر او آسان کند و در قبرش بر او گشایش دهد و چون از قبر درآید فرشتگان با مژدگانی از او ملاقات کنند، این است قول خدای عزوجل در کتابش: و فرشتگان به پیشواز آن‌ها روند که امروز است آن روزی که به شما وعده داده شده است.^۲

نکته‌ها

انسان برای گذران زندگی و تأمین نیازمندی‌های خود و خانواده‌اش نیازمند مال و سایر اشیا است و در اثر تعامل و ارتباطی که با مال دارد، نوعی دلبستگی به مال پیدا می‌کند. هرچه این ارتباط بیشتر و بیشتر می‌شود، علاقه و وابستگی انسان نیز به اموالش بیشتر می‌شود: ﴿وَتَجِبُونَ الْمَالَ حُبّاً جَمّاً﴾.^۳ خطر این علاقه شدید هنگام مرگ آشکار می‌شود. با فرا رسیدن مرگ انسان، انسان از اموال مورد علاقه‌اش جدا می‌شود، ولی علاقه و دلبستگی به اموال همراهش هست، به

۱. اخلاق اسلامی، ج ۳، ص ۱۳۶.

۲. الانبیاء، ۱۰۳.

۳. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۶۶؛ الکافی، ج ۲، ص ۲۰۴.

۴. فجر، ۲۰.



همین خاطر این گونه افراد مرگ بسیار دشواری را تجربه می کنند؛ مانند کسی که معتاد به مواد مخدر بوده است که اگر مواد را از او بگیرند، چون وابستگی به مواد در او وجود دارد، این جدایی برای او بسیار دردناک و طاقت فرسا می باشد.

انفاق مال در راه خدا که وقف یکی از مهم ترین مصادیق آن به حساب می آید از دو جهت مرگ را بر انسان آسان می کند: یک: از جهت کم شدن علاقه انسان به مال. هرچه انسان مال بیشتری در راه خدا انفاق کند، وابستگی کمتری نسبت به مال برای او ایجاد می شود در نتیجه هنگام مرگ وابستگی کمتری نسبت به مال دارد و جدا شدن او از مال و ثروت راحت تر صورت می گیرد. دو: کسی که مالی را در راه خدا هزینه می کند بر اساس قانون تجسم عمل که متن عملش را بعد از مرگ می بیند، اموالی را که در راه خدا انفاق کرده است به شکل مناسب آن جا مشاهده می کند. لذا هم علاقه به مال هنگام مرگش وجود دارد و هم اموال مورد علاقه اش.

آیت الله جوادی آملی در این باره می فرماید: مال و سایر اشیای جهان میراث خداست. آنچه چند روز در اختیار انسان قرار داده است، برای بهره برداری صحیح از آن است. تعلق مذموم به چیزی که از انسان جدا می شود عذاب آور است؛ زیرا علاقه می ماند و محبوب جدا می شود و فراق حسرت بار آن تحمل ناپذیر است، ولی اگر بخل نباشد و مال در راه خدا انفاق شود، بر اساس ﴿مَا تَقْدِمُوا لَ أَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾، همان را به بهترین وجه می یابد؛ یعنی همان گونه که تعلق موجود است، مورد علاقه هم به بهترین وضع موجود است و این وصالی نشاط آور، لذت بخش است.^۲

۱. بقره، ۱۱۰.

۲. تسنیم، ج ۱۶، ص ۴۴۴.

گفتار دهم: آسان شدن پیمودن راه کمال

﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى * وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى * فَسَنبَئُهُ لِلْيُسْرَى * وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى * وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى * فَسَنبَئُهُ لِلْعُسْرَى * وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى﴾؛ اما کسی که ثروتش را در راه خدا انفاق کرد و پرهیزکاری پیشه ساخت و وعده نیکوتر را که وعده خدا نسبت به پاداش انفاق و پرهیزکاری است باور کرد، پس به زودی او را برای راه آسانی که انجام همه اعمال نیک به توفیق خداست آماده می‌کنیم و اما کسی که از انفاق ثروت بخل ورزید و خود را بی نیاز نشان داد و وعده نیکوتر را تکذیب کرد، پس او را برای راه سخت و دشواری که سلب هرگونه توفیق از اوست آماده می‌کنیم و هنگامی که به چاه هلاکت و گودال گور سقوط کند، ثروتش چیزی از عذاب خدا را از او دفع نمی‌کند.^۱

نکته‌ها

یک: واژه‌شناسی

«اعطی»: مقصود از این واژه در این آیه انفاق در راه خدا و کمک به نیازمندان است.^۲

«اتقی»: منظور از تقوی در این آیه این است که هدف از انفاق، قرب به خداوند متعال و جلب خشنودی او باشد، مالی را که انفاق می‌کند از راه مشروع بدست آورده باشد و در راه مشروع نیز انفاق کند و انفاق او همراه با منت‌گذاری و اذیت نباشد.^۳

«حسنی»: منظور از این واژه ایمان به پاداش‌های الهی است که خداوند به اهل انفاق وعده داده است و چون این وعده‌ها در قیامت محقق می‌شود، لازمه ایمان به وعده‌های الهی ایمان به قیامت نیز هست و چون این وعده‌ها به وسیله انبیای الهی به ما ابلاغ شده است، لازمه‌اش ایمان به انبیا نیز می‌باشد.^۴

﴿فَسَنبَئُهُ لِلْيُسْرَى﴾: در دنیا پیمودن راه کمال و انجام اعمال صالح را برای او چنان آسان می‌کنیم که با رغبت و خواست قلبی آن‌ها را انجام می‌دهد. نیز به او

۱. لیل، ۵-۱۱.

۲. الأمل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۲۰، ص ۲۵۶.

۳. همان.

۴. همان. ترجمه المیزان، ج ۲۰، ص ۵۰۹.



آرامش و طمأنینه می‌دهیم و تحمل مشکلات را برای او آسان می‌کنیم. در آخرت نیز راه بهشت را به سوی او می‌گشاییم و ملائکه را به استقبال آن‌ها می‌فرستیم و او به آسانی راه بهشت را در پیش می‌گیرد و وارد آن می‌شود.^۱

دو: تحلیل

۱. اعطاء مال در راه خدا که وقف یکی از مصادیق بارز آن است نیازمند پیش‌زمینه‌های کلامی و اعتقادی فراوان است. از مهم‌ترین این پیش‌زمینه‌ها اعتقاد به خدای یگانه به عنوان تنها معبود و کارگردان نظام هستی است. کسی می‌تواند در راستای فقر زدایی و توسعه فرهنگی و معنوی جامعه، اموالش را وقف کند که اعتقاد به خدا و ربوبیت او داشته باشد. همین‌طور کسی می‌تواند دست از اموال خودش به نفع افراد یا امور عام‌المنفعه بردارد که اعتقادی راسخ به وعده‌های الهی داشته باشد و بداند که با وقف کردن بخشی از اموالش نه تنها چیزی از دست نمی‌دهد، بلکه چندین برابر به دست می‌آورد. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: کسی که یقین داشته باشد که آنچه در راه خدا می‌دهد، جایش پر می‌شود اهل جود و عطا می‌شود.^۲

و چون این پاداش‌ها عمدتاً در آخرت به انسان داده می‌شود، شخص واقف باید اعتقاد راسخ به قیامت داشته باشد.

یکی از مهم‌ترین آثار وقف، پاکسازی جان انسانی از رذائل اخلاقی؛ مانند: مال دوستی، خودمحوری، بخل و... و آراسته‌سازی جان انسان به صفات نیک اخلاقی؛ مانند ایثار، سخاوت، نوع‌دوستی، مشارکت اجتماعی، همدردی با فقرا و صله رحم است.

۲. مهم‌ترین پاداشی که خداوند در دنیا به انسان‌هایی که اهل جود و بخشش هستند و بخشی از اموال‌شان را وقف می‌کنند می‌دهد، این است که انجام اعمال صالح؛ مانند اتفاق در راه خدا، نماز خواندن، روزه گرفتن، جهاد در راه خدا، تبلیغ و ترویج دین خدا و مانند آن برای او آسان می‌شود. در واقع کسی که به خاطر خدا حاضر است از بخشی از اموال خودش بگذرد، خداوند قلب او را برای پذیرش مراحل بالاتری از ایمان و انجام عمل صالح می‌گشاید. در نتیجه چنین

۱. الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۲۰، ص ۲۵۶.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۶.



فردی به آسانی معارف الهی را می‌فهمد و آن‌ها را می‌پذیرد و دشواری‌های عمل به آن را تحمل می‌کند و در برابر باید و نبایدهای دین منقاد و تسلیم است^۱ و انجام گناه برای او دشوار است؛ برخلاف کسی که اهل ایمان و عمل صالح برخواسته از روح ایمان نیست که انجام گناه برای او آسان و انجام اعمال صالح از جمله انفاق مال در راه خدا دشوار است؛ زیرا در اثر کفر اعتقادی یا کفر عملی قلبش برای کفر و گناه گشوده شده است: ﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ﴾؛ آن‌کس را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه‌اش را برای (پذیرش) اسلام، گشاده می‌سازد و آن‌کس را که بخاطر اعمال خلافش بخواهد گمراه سازد، سینه‌اش را آن‌چنان تنگ می‌کند که گویا می‌خواهد به آسمان بالا برود، این‌گونه خداوند پلیدی را بر افرادی که ایمان نمی‌آورند قرار می‌دهد!^۲

۱. تفسیر، ج ۲۷، ص ۱۰۸.

۲. انعام، ۱۲۵.



گفتار یازدهم: وقف اموال مازاد بر نیاز

عن مطرف عن أبيه: أتيت النَّبِيَّ ﷺ وَهُوَ يَقْرَأُ الْهَاجِمُ التَّكَاثُرُ، قَالَ: «يَقُولُ ابْنُ آدَمَ: مَالِي مَالِي. قَالَ: وَهَلْ لَكَ يَا بَنَ آدَمَ مِنْ مَالِكَ إِلَّا مَا أَكَلْتَ فَأَفْنَيْتَ، أَوْ لَبَسْتَ فَأَبْلَيْتَ، أَوْ تَصَدَّقْتَ فَأَمْضَيْتَ؟!»؛ مطرف، از پدرش نقل می‌کند که می‌گفت: نزد پیامبر ﷺ رفتم. مشغول تلاوت این آیه بود: شما را افتخار بر یکدیگر به افزونی، سرگرم کرد. فرمود: زاده آدم می‌گوید: مال از آن من است. ای آدمیزاد! آیا از مالت چیزی از آن توست، جز آنچه می‌خوری و فانی می‌سازی یا آنچه می‌پوشی و می‌پوسانی یا آنچه صدقه می‌دهی و جاری می‌سازی؟^۱

نکته‌ها

یک: واژه‌ها

«تکاثر» از ریشه «ك-ث-ر» به معنای هم‌آوردی و تفاخر در بسیاری مال و قوم، مناقب خود را برشمردن، افزون‌بینی و زیاده‌طلبی آمده است. برخی روایات از جمله روایتی از رسول خدا تکاثراً به گردآوری مال از طریق نامشروع و خودداری از ادای حق آن و ذخیره کردن آن تفسیر کرده است.^۲

دو: تحلیل

۱. تلاش اقتصادی با هدف خود محوری، انباشته‌سازی، فخرفرشی بر دیگران، مسابقه برای جلو زدن از رقیبان و امثال آن از مصادیق بارز تکاثر بوده و بسیار ناپسند و عذاب‌آور است. ولی تلاش اقتصادی و کسب درآمد از راه مشروع، چنان‌چه با هدف تأمین نیازهای خود و خانواده و انفاق در راه خدا باشد نه تنها ناپسند نیست، بلکه از برترین مصادیق عبادت می‌باشد.

۲. از مجموعه اموال انسان، آن‌چه واقعاً مال انسان است دو بخش است: یک: آن‌چه در زندگی دنیوی‌اش به مصارف واقعی مورد نیازش رسانده است. دو: آنچه در راه خدا از طریق انفاق و یا وقف پس‌انداز کرده است. «وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تَقْدِمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا»؛ و به خدا «قرض الحسنه» دهید و در راه او انفاق نمایید و (بدانید) آنچه را از کارهای نیک برای

۱. حکمت نامه پیامبر اعظم ﷺ، ج ۱۳، ص ۱۰۴.

۲. دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۸، ص ۴۸۱.

خود از پیش می‌فرستید، نزد خدا به بهترین وجه و بزرگ‌ترین پاداش خواهید یافت و از خدا آموزش بطلبید که خداوند آمرزنده و مهربان است! سایر اموال انسان مال ورثه است: «وَمَا عَدَا ذَلِكَ فَهُوَ مَالُ الْوَارِثِ».^۲

۳. نمونه‌ای از وقف اموال اضافی

استاد شیخ حسین انصاریان می‌نویسند: امیرمؤمنان (ع) خرج خود را به اندازه گرفته بود. او هر روز خانه عوض نمی‌کرد؛ هر روز اسب عوض نمی‌کرد، سه ماه یکبار، لباس عوض نمی‌کرد. سالی یک بار فرش عوض نمی‌کرد؛ نقاشی گران‌قیمت نداشت، گچ‌بری نداشت و آینه‌کاری نداشت، بلکه آن حضرت می‌گفت: آن مقدار درخت خرما که دارد خرج مرا می‌دهد، پس الآن که این صد هزار تا درخت خرما به ثمر نشسته، اضافه بر خرج من در زندگی است. آن حضرت اهل این هم نبود که آن درختان را بفروشد و پولش را بانک بگذارد و بعد هم برود به این طرف و آن طرف که ببیند کدام بانک بیش تر سود می‌دهد. حضرت فرمود: قنبر! یک قلم و یک صفحه برایم بیاور. قنبر می‌گوید: من یک قلم و یک صفحه برای نوشتن آوردم و به امیرمؤمنان (ع) دادم. دیندار می‌گوید، خودم و دیگران، و دیگران هم هر که می‌خواهند باشند. حضرت این‌طور نوشت:

بسم الله الرحمن الرحيم.

این صد هزار درخت خرما را که تمام آن‌ها را به دست خودم نشانده‌ام و اکنون به لطف خدا، به میوه نشسته‌اند، وقف نیازمندان و محتاجان مردم مسلمان کردم و تولیت آن را به حسن و حسینم واگذار نمودم. حسن و حسین خودم هم حق ندارند یک دانه از این خرماها را بخورند، مگر آن‌که آنان هم مثل فقرا، نیازمند بشوند. این رفتار، نمونه یک دیندار واقعی است.^۳

۱. مَزَّزَل، ۲۰.

۲. الأُمَّالِ، طوسی، ص ۵۱۹.

۳. ایمان و آثار آن، ص: ۳۰۹.



گفتار دوازدهم: بی رغبتی نسبت به وقف چرا؟!

جَابِرٌ قَالَ: «سَمِعْتُهُ يَقُولُ: كَيْفَ يَزْهَدُ قَوْمٌ فِي أَنْ يَعْمَلُوا الْخَيْرَ وَقَدْ كَانَ عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَبْدُ اللَّهِ قَدْ أُوجِبَ لَهُ الْجَنَّةُ عَمَدًا إِلَى قُرْبَاتٍ لَهُ، فَجَعَلَهَا صَدَقَةً مَبْتُوَلَةً تَجْرَى مِنْ بَعْدِهِ لِلْفُقَرَاءِ؟! قَالَ: اللَّهُمَّ إِنَّمَا فَعَلْتُ هَذَا لِتَصْرِفَ وَجْهِي عَنِ النَّارِ، وَتَصْرِفَ النَّارَ عَنِّي وَجْهِي»؛ جابر می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که آن حضرت از بی میلی برخی از مردمان نسبت به خودداری از انجام کار خیر گلايه می کرد و می فرمود: چگونه عده ای از مردمان نسبت به انجام کار خیر؛ مانند وقف بخشی از اموال خود در راه خدا بی میل هستند، در حالی که حضرت علی علیه السلام با وجود اینکه بنده (خالص و کامل) خداوند بود و بهشت را خداوند بر او واجب کرده بود، ولی تکیه اش بر انجام کارهایی بود که او را به خداوند نزدیک می کرد. لذا اموال خودش را در راه خدا وقف بر فقرا و نیازمندان می ساخت تا بعد از او جاری باشد. و هنگام وقف کردن اموالش می فرمود: بار خدایا من این مال را در راه تو وقف کردم تا تو چهره ام را از سوختن در آتش جهنم بازداری و آتش را از اینکه چهره مرا بسوزاند نگه داری.^۱

یک: واژه شناسی

«يَزْهَدُ»: از ماده «زهد» به معنای بی میلی و بی اعتنائی.^۲
«قُرْبَاتٍ»: جمع «قُرْبَةٍ» به معنای اموری است که انسان را به خدا نزدیک می کند.^۳
«مَبْتُوَلَةً»: از «بَتَلَ» به معنای چیزی را از چیزی دیگر بریدن و جدا کردن.^۴ این واژه از آن جهت بر اموال وقفی اطلاق می شود که واقف، مال وقفی را از اموالش جدا می کند. در نتیجه این مال از اموالش بریده شده و به دیگران منتقل نمی شود.

دو: تحلیل روایت

«كَيْفَ يَزْهَدُ قَوْمٌ فِي أَنْ يَعْمَلُوا الْخَيْرَ»؛ حضرت امام صادق علیه السلام از بی اعتنائی برخی نسبت به وقف گلايه کرده و می فرمایند: چگونه برخی به خود اجازه می دهند نسبت به انجام کار خیر که از بارزترین مصادیق آن وقف است بی اعتنا باشند.

۱. الأصول الستة عشر، ص ۲۳۲.

۲. لسان العرب، ج ۳، ص ۱۹۶؛ کتاب العين، ج ۲، ص ۱۲۸؛ قاموس قرآن، ج ۳، ص ۱۸۳؛ التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج

۴، ص ۳۵۵.

۳. مجمع البحرين، ج ۲، ص ۱۴۲.

۴. فرهنگ عربی فارسی، ج ۱، ص ۱۷۶.



آن حضرت می‌فرمایند: وقتی حضرت علی علیه السلام که بهشت بر او واجب است، این همه به وقف اهمیت داده و خود را بی‌نیاز از وقف نمی‌داند، چگونه عده‌ای به وقف بی‌توجه هستند. بنابراین امام صادق علیه السلام از دوست‌داران و شیعیان‌شان انتظار دارند که با الگوگیری از حضرت علی علیه السلام تداوم بخش سنت حسنه وقف باشند.

علل بی‌توجهی به وقف

ترس از آینده

برخی نگران هستند که اگر بخشی از اموالشان را وقف کنند، در آینده ممکن است در اثر بیماری یا از کار افتادگی و مانند آن نیاز به آن پیدا کنند و در اثر وقف کردن نتوانند از مالشان استفاده کرده و محتاج فرزندان و دیگران شوند. شیطان نیز بر تنور ترس از آینده می‌دمد و وعده فقر می‌دهد: «السَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»؛ شیطان شما را از تهیدستی بیم می‌دهد و شما را به زشتی و می‌دارد، ولی [خداوند از جانب خود به شما وعده آمرزش و بخشش می‌دهد و خداوند گشایش‌گر دانا است].^۱

به این دسته از افراد باید گفت: اولاً ما می‌گوییم بخشی از اموالتان را وقف کنید و نه تمام آن را. ثانیاً مگر نیازهای ما منحصر به عالم دنیا و فردهای دنیا می‌شود. دنیا خانه موقت انسان است و آخرت خانه همیشگی ما چطور شما به فکر تأمین نیازهای فردهای دنیا هستید ولی به فکر تأمین نیازمندی‌های حیات ابدی‌تان نیستید؟! ثالثاً شما با وقف کردن با خداوند معامله کنید. بگویید خدایا من بخشی از اموالم را به خاطر تو و در راه تو وقف می‌کنم تو هم حامی و پشتیبان من در روزهای گرفتاری من باش. رابعاً شیطان وعده فقر می‌دهد و خدا وعده بخشندگی، کدام وعده اطمینان بخش‌تر است؟ وعده خدا یا وعده شیطان؟! قرآن می‌گوید: شیطان به آنان وعده می‌دهد، و ایشان را در آرزوها می‌افکند و جز فریب به آنان وعده نمی‌دهد.^۲ ولی خدا وعده‌اش را خلاف نمی‌کند، اما بیشتر

۱. بقره، ۲۶۸.

۲. نساء، ۱۲۰.



مردم نمی‌دانند.^۱

عملکرد نامطلوب برخی از متولیان موقوفات

عمل نکردن به نیت واقف، تغییر نام برخی موقوفات، دخالت نابجای دولت در امور و اموال موقوفه و تسلط برخی دستگاه‌ها و نهادها بر برخی از موقوفات، رها شدن برخی از موقوفات به حال خود، اجاره ناچیز برخی از موقوفات نسبت به املاک مشابه، تصرف عدوانی و غصب برخی موقوفات توسط متولیان یا صاحبان قدرت و ثروت و ده‌ها عملکرد نامطلوب دیگر، سبب می‌شود که کسانی که این عملکردها را مشاهده می‌کنند نسبت به وقف کردن بی‌انگیزه شوند.^۲

نداشتن مال و ثروت کافی

برخی واقعاً دلشان می‌خواهد جزء واقفین باشند، ولی به دلیل نداشتن توانمندی مالی موفق به آن نمی‌شوند. چون خیال می‌کنند حتماً انسان باید زمین یا منزل یا مغازه‌ای را وقف کنند، درحالی که می‌توانند با تهیه یک کتاب مفید برای کتابخانه مسجد یا مدرسه علمیه، یا یک ظرف و فرش مورد نیاز آشپزخانه مسجد و مانند آن جزء واقفین باشند. یا می‌توانند با پرداخت مقداری پول در وقف یک مسجد یا حسینیه یا مدرسه علمیه و مانند آن شریک باشند. امام علی علیه السلام می‌فرمایند: از انفاق و بخشش کم در راه خدا خجالت نکشید، بلکه از این که جزء انفاق کنندگان نباشید خجالت بکشید: «لَا تَسْتَحِ مِنْ إِعْطَاءِ الْقَلِيلِ فَإِنَّ الْجَزْمَانَ أَقَلُّ مِنْهُ».^۳

انگیزه‌های حضرت علی علیه السلام در وقف کردن

«عَمَدٌ إِلَى قُرْبَاتٍ لَهُ»: به راستی اگر بهشت رفتن حضرت علی علیه السلام مسلم بود، آن حضرت با چه انگیزه‌ای اموالش را وقف می‌کند؟! امام صادق علیه السلام در تبیین انگیزه حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: تکیه آن حضرت به اعمالی بود که ایشان را به خداوند نزدیک می‌کند. بنابراین حضرت امیرمؤمنان علیه السلام بهشتی شدن را هدف برین زندگی خود نمی‌دانست، بلکه مهم‌ترین هدف برای آن حضرت، رسیدن به عالی‌ترین درجات قرب الی‌الله بود. و این هدف زمانی حاصل می‌شود که انسان

۱. روم، ۶.

۲. اندیشه جاری، ص ۱۴۰، با تلخیص.

۳. نهج البلاغه، ص ۴۷۹.

هر چه دارد را در راه جلب خشنودی خدایش تقدیم کند.

«فَجَعَلَهَا صَدَقَةً مَّبْتُوَلَةً تَجْرِي مِنْ بَعْدِهِ لِلْفُقَرَاءِ»؛ آن حضرت اموالش را وقف برفقرا کرد. این جمله نشان می‌دهد که آن حضرت خود را در مقابل نیازمندان جامعه مسئول می‌دانسته است. در قرآن کریم و سنت معصومین (علیهم‌السلام) آیات و روایات فراوانی وجود دارد که همه توانمندان را در برابر نیازمندان مسئول می‌داند و از آنان می‌خواهد نسبت به نیازمندان بی‌تفاوت نباشند. در آیات قرآن کریم خداوند به شدت کسانی را که در برابر نیازمندان بی‌تفاوت هستند سرزنش کرده و سخت‌ترین عذاب‌ها را در انتظار آنان می‌داند.^۱ اولیای دین نیز، گرسنه ماندن، برهنگی، سوء تغذیه و مرگ نیازمندان را متوجه ثروتمندان جامعه در خودداری از پرداخت حق محرومان می‌دانند و می‌گویند خداوند در روز قیامت آنان را در اثر این بی‌توجهی به عذاب دردناکی گرفتار خواهد کرد.^۲ و این خود نشان می‌دهد که تا مادامی که فقری در جامعه وجود دارد، تمامی توانگران در برابرشان مسئولند.^۳ و وقف بر نیازمندان، معلولان، بیماران، یتیمان و سایر اقشار نیازمند جامعه، یکی از بهترین راه‌های حمایتی از آنان است.

«قَالَ: اللَّهُمَّ إِنَّمَا فَعَلْتُ هَذَا لِتَصْرِفَ وَجْهِي عَنِ النَّارِ وَتَصْرِفَ النَّارَ عَن وَجْهِي»؛ حضرت علی (علیه‌السلام) معصوم است و عملی انجام نداده که سزاوار آتش جهنم باشد. بنابراین دعای حضرت جنبه دفعی دارد و نه جنبه رفعی؛ یعنی حضرت علی (علیه‌السلام) با وقف بخشی از اموال خود برفقرا از خداوند می‌خواهد که او را از خطر آتش جهنم برهاند و او را مستحق عذاب نکند، نه اینکه آن حضرت در اثر گناهانی که انجام داده است مستحق عذاب شده و الآن خواهان بخشش خدا باشد. آری اگر حضرت نسبت به محرومان بی‌توجه می‌بود و به وظیفه اجتماعی خود در برابر فقرا عمل نمی‌کرد گرفتار عذاب خدا می‌شد.

۱. معارج، ۲۴ و ۲۵؛ ذاریات، ۱۹؛ مدثر، ۴۴؛ ماعون، ۱ - ۳.

۲. دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۲۴۵.

۳. زکات باطنی، ص ۴۴ و ۹۱ به بعد.



فصل سوم: پیشگامان وقف





گفتار اول: خداوند اولین واقف

قَالَ الْكَافِمُ عليه السلام: «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ جَعَلَهَا وَقْفًا عَلَى عِبَادِهِ»؛ امام کاظم علیه السلام: زمین از آن خدای متعال است که آن را وقف بر بندگان خود کرده است.^۱

نکته‌ها

یک: واژه شناسی

«وقف»: این واژه به معنای نگه داشتن اصل و رها کردن منفعت یک چیز است.^۲

«عباد»: عباد جمع عبد از ریشه «عَبَدَ» است و به معنای نهایت فروتنی به همراه اطاعت در برابر مولا می باشد.^۳ این واژه در قرآن کریم در مقابل استکبار و گردنکشی به کار رفته است.^۴ بدین ترتیب عبد کسی است که در برابر دستورات خداوند فروتن و مطیع باشد و گردنکشی و استکبار نداشته باشد.

دو: تحلیل روایت

«إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ»؛ زمین مال خداست. این جمله اشاره به توحید در مالکیت دارد. مالکیت به معنای دارایی و صاحب چیزی بودن است و آن یا حقیقی است یا اعتباری؛ مالکیت اعتباری، با معاملات و قراردادهای و بخشش‌ها شکل می‌گیرد؛ مانند مالکیت افراد نسبت به خانه، کفش و لباسشان و... اما مالکیت حقیقی، امری تکوینی و واقعی است که صاحب چیزی و حق تصرف به نحو حقیقی برای اوست. این نوع مالکیت در جهان هستی منحصر به خدای تعالی است و توحید در مالکیت هم به این معناست که در بینش نظری توحیدی، جهان هستی اعم از مجرد و مادی، فرشته و انسان، آسمان و زمین، آب و هوا و هر چیز دیگری که نام موجود بر آن نهاده شود ملک خداست. حتی جسم و جان ما، اعضا و جوارح ما حقیقتاً از آن خداست.^۵

«جَعَلَهَا وَقْفًا عَلَى عِبَادِهِ»؛ خداوند متعال زمین را که مالک آن است وقف

۱. الکافی، ج ۵، ص ۲۹۷.

۲. مجمع البحرین، ج ۵، ص ۱۳۰.

۳. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، ص ۱۳.

۴. انبیاء، ۱۹؛ غافر، ۶۰؛ اعراف، ۲۰۶.

۵. توحید و صفات الهی، ص ۱۸۸.

بندگان کرده است. لذا خداوند نخستین واقفی است که موضوع وقف را کلید زده است. معنای وقف این است که اصل آن را نگه می‌دارند و منافعی را رها می‌کنند. بر این اساس، زمین در ملکیت خداوند باقی است و در مقابل خداوند متعال ما مالک زمین نیستیم (هر چند هر یک از انسان‌ها نسبت به یکدیگر، مالک بخشی از زمین و متعلقات آن هستند)، بلکه فقط حق بهره‌مندی از منافع آن را در راستای بندگی خداوند متعال داریم. اشاره شد که بنده به کسی گفته می‌شود که در مقابل مولایش فروتن و مطیع باشد و سبک زندگی او در زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، همسایه‌داری، و... برخواسته از دستورات وحی و عقل باشد. بنابراین فقط بندگان مطیع و فروتن خداوند حق بهره‌مندی از منافع زمین را دارند و تصرف انسان‌های سرکش و مستکبر، تصرفی غاصبانه است.

نکته دیگری که از این بخش از روایت فهمیده می‌شود این است که جهت وقف باید در راستای گسترش فرهنگ عبادت و حمایت از بندگان خداوند متعال باشد. لذا واقفین محترم خوب است قبل از وقف کردن مال مورد نظرشان با صاحب‌نظران مشورت کنند و جهتی را برای وقف انتخاب کنند که راه بندگی خدا را بیشتر تسهیل می‌کند. در غیر این صورت، چنان‌چه جهت وقف، در راستای کمک به ظلم و گناه یا ترویج فرقه‌های باطل باشد باطل است. ذکر چند مسأله در این مورد ضروری است:

مسأله:

سؤال: رئیس فرقه منحرفی املاک خود را به این فرقه وقف کرده است و با توجه به این که مشروعیت جهت وقف در صحت آن شرط است و از طرفی اهداف و اعتقادات و اعمال این فرقه منحرفه فاسد و گمراه‌کننده و باطل هستند، آیا این وقف صحیح است؟ و آیا استفاده از این اموال به نفع فرقه مذکور جایز است؟

جواب: اگر ثابت شود جهتی که ملک برای آن وقف شده، جهتی حرام و از مصادیق اعانه بر گناه و معصیت است، چنین وقفی باطل بوده و استفاده از آن اموال در جهتی که شرعاً حرام است، صحیح نمی‌باشد.^۱

سؤال: شخصی بهایی منزل خود را جهت مجالس و مراسم بهائیت وقف نموده



و از دنیا می‌رود، فرزندان وی نیز محل سکونت خود را ترك کرده و به شهر دیگری رفته و سپس با دنیا وداع کرده‌اند، یکی از فرزندان واقف زنده و مدعی است که مسلمان شده است، آیا وقف صحیح است؟ یا وقف باطل و تمام اولاد، بالسویه از آن ماترك ارث می‌برند؟ یا فقط آن که مدعی اسلام است ارث می‌برد؟
 جواب: وقف مزبور باطل بوده و اموال نامبرده تنها به وارث مسلمان او می‌رسد، و برای این که از صداقت او در ادعای اسلام آگاه شوید باید در یکی از جراید معروف، اسلام خود را آگهی کند.^۱

گفتار دوم: سیره پیامبر ﷺ

وقف بر حضرت فاطمه علیها السلام

قَالَ الصَّادِقُ (ع): «تَصَدَّقْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِأَمْوَالٍ جَعَلَهَا وَقْفًا وَكَانَ يُنْفِقُ مِنْهَا عَلَى أَضْيَافِهِ وَأَوْقَفَهَا عَلَى فَاطِمَةَ (ع) مِنْهَا الْعَوَافُ وَبُرْقُهُ وَالصَّافِيَةُ وَمَشْرَبَةُ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ وَالْحُسْنَى وَالذَّلَالُ وَالْمَنْتِ [الْمَنْتِ]»؛ امام صادق (ع) نقل می‌کنند: پیامبر خدا ﷺ بخشی از اموالش را در راه خدا صدقه دادند؛ یعنی آن‌ها را وقف کردند، و از درآمد آن، هزینه مهمان‌هایشان را پرداخت می‌کردند. آن حضرت این اموال را وقف بر دخترش فاطمه علیها السلام کرده بودند. بخشی از این موقوفات عبارتند از: عواف، بُرقه، صافیه، مَشْرَبه ام ابراهیم، حُسنی، دلال، مَنبت.^۱

نکته‌ها

یک: واژه‌شناسی

«عواف»: جایگاهی است در نزدیک مدینه که اموال اهل مدینه در آن نگهداری می‌شده است.

«بُرْقَةُ وَمَيْثَب»: این دو مکان از جمله غنائمی بودند که از یهود بنی قریظه به دست آمد. سلمان (ع) آن را درخت‌کاری نمود و جزء صدقات (موقوفات) پیامبر ﷺ قرار گرفت.

«مَشْرَبَةُ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ»: در آذرباب‌العوالی مدینه، بستانی است که چون ام ابراهیم همسر رسول خدا ﷺ را در آن جادرد زایمان عارض شد، دستش را به چوبی گرفته بود که بعد از لحظاتی فرزندش ابراهیم به دنیا آمد. بدین جهت، مشربه ام ابراهیم نام گرفت.

«الصَّافِيَةُ وَالْحُسْنَى وَالذَّلَالُ»: این مناطق از آن «مُخَيَّرِق يَهُودِي» بود که مسلمان شد و در جنگ أُحُد به شهادت رسید. او وصیت کرده بود که چنانچه به شهادت برسد، اموالش در اختیار رسول خدا ﷺ قرار گیرد. آن حضرت نیز اموال او را جزء موقوفات و صدقات ثبت کرد.^۲

دو: تحلیل روایت

«تَصَدَّقْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِأَمْوَالٍ»: پیامبر ﷺ الگوی رفتاری مسلمانان



خداوند متعال در قرآن کریم، پیامبر ﷺ را به عنوان الگوی مسلمانان معرفی کرده و می‌فرماید: بی‌گمان برای شما در رفتار و زندگی پیامبر ﷺ الگوی نیکویی است؛ «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»^۱. بنابراین همان‌گونه که آن حضرت، بخشی از اموال خود را در راه خداوند وقف کردند، بر ما نیز لازم است به پیروی از آن حضرت بخشی از اموال خود را وقف کنیم.

«وَكَانَ يُنْفِقُ مِنْهَا عَلَى أَصْيَافِهِ»^۲: پیامبر ﷺ از محل درآمد همین موقوفه، هزینه‌های مهمانان‌شان را پرداخت می‌کردند. این کار یا به این صورت بوده است که با صلاح‌دید حضرت فاطمه (علیها السلام)، درآمدهای آن را در این جهت هزینه می‌کرده‌اند و یا حضرت رسول ﷺ اصل ملک را وقف حضرت فاطمه (علیها السلام) کرده بودند، ولی منافع آن را تا زمان حیات مبارکشان استثنا کرده بودند.

آیت الله العظمی بهجت: کسی که مالی را وقف می‌کند بنا بر اظهر می‌تواند شرط کند که تا مدتی و یا تا وقتی زنده است خودش و یا متعلقین او از مال موقوفه، استفاده نمایند و منافع آن مال به آن‌ها برسد.^۳

آیت الله فاضل لنکرانی (رحمته الله): اگر شخصی مغازه‌اش را وقف کند و این وقف منجز باشد، ولی استثنا می‌کند منافع آن را که تا در قید حیات است از مغازه استفاده کند یا اینکه در فرض مذکور مدت معینی را تعیین کند؛ مثلاً بگوید ده سال استثنا می‌کنم، و بعد در اختیار موقوف علیه قرار گیرد، چنین وقفی صحیح است.^۴

مقام معظم رهبری نیز در پاسخ سؤالی در این زمینه می‌فرمایند: می‌توانید در حال حاضر وقف و منافع آن را مادام‌الحیات استثنا کنید.^۵

«أَوْقَفَهَا عَلَى فَاطِمَةَ (علیها السلام)»: وقف پیامبر ﷺ از نوع وقف خاص است. وقف خاص وقفی است که موقوف علیه آن، افراد معین و مشخصی بوده و جهات عمومی و عام‌المنفعه در نظر نباشد. مثال: واقف می‌گوید: این منزل را به جهت تقرّب به خداوند متعال و کسب رضایت او، برای اولاد خود و اولاد آن‌ها وقف

۱. احزاب، ۲۱.

۲. توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)، ج ۲، ص ۶۳۳.

۳. جامع المسائل (فارسی - فاضل)، ج ۲، ص ۳۳۴.

۴. استفتانات باب وقف، ص ۵۴، س ۸۵.

کردم.^۱

وقف این باغ‌ها بر دخترشان حضرت فاطمه علیها السلام، شاید به این جهت بوده است که آن حضرت پیش‌بینی می‌کردند، پیروان سقیفه آن حضرت را از فدک و خمس و مانند آن به بهانه‌های واهی و به دلیل کاهش قدرت اقتصادی اهل بیت علیهم السلام محروم می‌کنند، ولی در وقف کسی نمی‌تواند تصرف کند. لذا از امام رضا علیه السلام نقل شده است که عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله پیرامون همین باغ‌ها به مخاصمه با حضرت فاطمه علیها السلام برخواست و ظاهراً قصد داشت که این‌ها را نیز از حضرت فاطمه علیها السلام پس بگیرد، ولی هنگامی که حضرت علی علیه السلام و دیگران شهادت دادند که پیامبر صلی الله علیه و آله آن‌ها را وقف کرده است منصرف شد.^۲



۱. راهنمای تنظیم وقف‌نامه، ص ۹.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۲۹۷.

۱. وقف بر حجاج

قَالَ الصَّادِق (ع): «قَسَمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْفَيْءَ فَأَصَابَ عَلِيٌّ أَرْضًا فَأَحْتَفَرَ فِيهَا عَيْنًا فَخَرَجَ مِنْهَا مَاءٌ يَنْبُعُ فِي السَّمَاءِ كَهَيْئَةِ عُنُقِ الْبَعِيرِ فَجَاءَ إِلَيْهِ بِذَلِكَ الْبَشِيرُ فَقَالَ بَشِّرِ الْوَارِثَ هِيَ صَدَقَةٌ بَنَّا بَنَاءً فِي حَجِيجِ بَيْتِ اللَّهِ وَ عَابِرِي سَبِيلِهِ لَا تُبَاعَ وَلَا تُوهَبَ وَلَا تُورَثُ ... وَ سَمَّاها يَنْبُعُ»؛ حضرت رسول خدا ﷺ غنائم جنگی را بین رزمندگان اسلام تقسیم کرد، زمینی سهم حضرت علی (ع) شد، آن حضرت قناتی در آن احداث کرد که از آن، آب به اندازه گردن شتر به آسمان می‌رفت، شخصی فوران آب را به حضرت بشارت داد، آن حضرت فرمود: به وارثان بشارت بدهید که این زمین صدقه جاریه (وقف) است برای استفاده حجاج بیت‌الله الحرام و مسافرین این راه. این زمین و آب آن نه فروخته می‌شود و نه به کسی بخشیده می‌شود و نه به ارث برده می‌شود ... آن حضرت نام این زمین را «ینبع» نامید.^۱

نکته‌ها

یک: واژه‌شناسی

«فیء»: در لغت به معنای رجوع به حالت پسندیده است، نیز به غنیمتی که بدون زحمت به دست آید «فیء» گفته می‌شود. در اصطلاح فقهی به غنایمی که بدون جنگ و خونریزی از کافران به دست می‌آید و یا مالی که خداوند از کفار به پیامبر ﷺ بازگرداند، اطلاق می‌شود.^۲ چنین مالی، اختیارش در دست رسول خدا ﷺ است. به خلاف غنیمتی که با جنگ به دست می‌آید که یک پنجم آن، در اختیار پیامبر ﷺ قرار می‌گیرد و مابقی آن متعلق به جنگ جویان است.^۳

از امام صادق (ع) نقل شده که پیامبر ﷺ از جبرئیل پرسید: مراد از [ذی القربی] چه کسانی‌اند؟ در جواب گفت: آن‌ها اقارب و نزدیکان شما هستند. سپس حضرت حسن، حسین و فاطمه (علیهم‌السلام) را خواست و به آن‌ها فرمود: که خداوند به



۱. دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۳۴۱

۲. فرهنگ قرآن، ج ۲۲، ص ۳۱۴.

۳. دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۱، ص ۳۹۶.

من دستور داد که آنچه از فیء برای من است به شما بپردازم.^۱
«بَتَّائِلًا»: این واژه به معنای قطع کردن، چیزی را از چیزی بریدن است و جدا کردن.^۲

«يَنْبِعُ»: صحرای پهناوری است در حدود ۳۳۶ کیلومتری غرب مدینه، دارای چشمه‌ها و روستاهای متعدد. بسیاری از صدقات و موقوفات حضرت علی (ع) در «ینبع» واقع بوده است.^۳

دو: تحلیل روایت

«فَأَصَابَ عَلِيٌّ أَزْضًا»: پیامبر گرامی اسلام (ص) زمین‌هایی را که بدون جنگ از کفار گرفته بودند، بین مسلمین تقسیم کردند، یک قطعه سهم حضرت علی (ع) شد. آن حضرت تصمیم گرفتند آن را آباد کنند، لذا چشمه‌ای در آن احداث کرده و بلافاصله آن را وقف کردند.

«فَجَاءَ إِلَيْهِ بِذَلِكَ الْبَشِيرُ فَقَالَ بَشِّرِ الْوَارِثَ هِيَ صَدَقَةٌ»: همین که به حضرت بشارت دادند که چاه به آب خورده است، بلافاصله حضرت صیغه وقف را جاری کردند. این نشان می‌دهد که انسان در انجام کار خیر باید شتاب کند و گرنه یکی از کارهای شیطان پشیمان کردن انسان است. خداوند متعال می‌فرماید: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ»؛ در کارهای نیک بر یکدیگر سبقت گیرید.^۴ حضرت علی (ع) نیز می‌فرمایند: از امروز و فردا کردن در انجام عمل خیر بپرهیزید و همین که امکان انجام کار خیر برای شما فراهم شد آن را انجام دهید.^۵ زیرا خیلی از افراد گاهی تصمیم می‌گیرند که مالی را در راه خداوند وقف کنند، ولی در اثر امروز و فردا کردن، شیاطین جن و انس آنان را به دلایل واهی؛ مانند ترس از آینده منصرف می‌کنند.

«فِي حَجِيجِ بَيْتِ اللَّهِ وَ عَابِرِي سَبِيلِهِ»: حضرت علی (ع) این املاک را وقف حاجیان بیت‌الله الحرام و رهگذران و مسافران کردند. لذا این وقف، از نوع وقف عام است. وقف عام وقفی است که موقوف‌علیه معینی ندارد و بر جهات یا

۱. فرهنگ قرآن، ج ۱۱، ص ۴۹۵، به نقل از تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۷، ح ۴۶/۱۵۹.

۲. فرهنگ ابجدی، ص ۱۷۶.

۳. حقایق بنهان، ص ۱۲۷.

۴. مانده، ۴۸.

۵. تحف العقول، ص ۱۲۲.



عناوین عام‌المنفعه؛ مانند وقف بر مدارس، معابر، مساجد، بیمارستان‌ها و هر جهت عام‌المنفعه دیگری و یا بر عناوین عامی؛ مانند فقرا و ایام وقف شده است.^۱ و چون جهت وقف در این موقوفه مشخص شده است باید در همین جهت هزینه شود. به چند مسأله در این باره توجه کنید.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: به طور کلی در چگونگی اداره امور موقوفه و در نحوه استفاده از درآمد موقوفه و توزیع آن بین موقوف‌علیه‌م و صرف آن در جهت وقف باید دقیقاً بر طبق آنچه که واقف تعیین کرده و مقرر داشته است و با مراعات غبطه وقف و در جهت وقف و زیر نظر خصوص متولی شرعی موقوفه عمل شود... کما اینکه با وجود متولی شرعی، هیچ سازمان یا اداره‌ای حق دخالت در امور موقوفه ندارد. مگر حق نظارت و حسن اجرای اداره امور موقوفه از سوی متولی شرعی در محدوده‌ای که قانون حق نظارت برای آن سازمان را تجویز کرده است و اگر در این باره اختلاف دارند باید جهت رسیدگی به محاکم قضایی مراجعه کنند.^۲

واقف و غیر او حق تبدیل حسینیه‌ای را که به عنوان حسینیه وقف شده به مسجد ندارند و با این کار، تبدیل به مسجد نمی‌شود و احکام و آثار مسجد هم بر آن مترتب نمی‌گردد، ولی برپایی نماز جماعت در آن اشکال ندارد.^۳ تخریب مساجد جهت احداث و توسعه خیابان شرعاً جایز نیست، مگر آنکه ضرورت اجتماعی غیر قابل تبدیل و یا چشم‌پوشی بر حسب نظر کارشناسان امین ایجاب نماید.^۴

«لَا تَبَاعُ وَلَا تُوهَبُ وَلَا تُورَثُ»: این جمله تأکیدی است بر مهم‌ترین مشخصه وقف، زیرا همین مشخصه است که وقف را ماندگار کرده و جلوی هر نوع نقل و انتقال موقوفه را می‌گیرد. لذا اموال وقفی هرگز مورد خرید و فروش قرار نمی‌گیرد، از طریق ارث به وارثین منتقل نمی‌شود و قابل بخشش و واگذاری به هر شکلی به دیگران نیست و در صورتی که چنین اتفاقی افتاده باشد به ملکیت کسی در نمی‌آید و بروقف بودنش باقی است.

۱. احکام اقتصادی، ج ۲، ص ۵۲؛ راهنمای تنظیم وقف‌نامه، ص ۹.

۲. استفتانات باب وقف، ص ۲۳۲، س ۴۴۲.

۳. همان، ص ۲۱۹، س ۴۱۹.

۴. همان، ص ۲۳۱، س ۴۴۱.

در ماده واحده قانون ابطال اسناد فروش رقبات و آب و اراضی موقوفه مصوب سال ۱۳۷۵ می‌گوید: از تاریخ تصویب این قانون، کلیه موقوفات عام که بدون مجوز شرعی به فروش رسیده یا به صورتی به ملکیت درآمده باشد به وقفیت خود برمی‌گردد و اسناد مالکیت صادر شده باطل و از درجه اعتبار ساقط است.^۱

تبدیل قرآن و کتب وقف شده در مساجد به احسن، تا موقعی که قابل استفاده است فروش و تبدیل آن جایز نیست.^۲

خراب کردن مسجد محقری که تکافوی اهالی محل را نمی‌نماید به منظور توسعه در صورت احتیاج مردم اشکال ندارد.^۳

سؤال: برخی از موقوفات به دلائل مختلف در زمان طاغوت به فروش رسیده، و ادارات اوقاف یا متولیان وقف از محل ثمن آن‌ها اقدام به خرید سهام بانک‌ها کرده‌اند، این بانک‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی ملی شده‌اند. آیا سهام وقف نیز مانند سهام اشخاص ملی می‌شود یا باید در جهت اجرای نظر واقف به مصرف برسد؟

جواب: آنچه املاک موقوفه است به وقفیت باقی و ملی نمی‌شود.^۴

سؤال: غسالخانه‌ای در روستایی وجود دارد که هم کوچک است و هم در محل بسیار بدی قرار گرفته، آیا می‌شود آنجا را فروخت و یک غسالخانه بهتر و بزرگ‌تر در جای مناسب‌تر ساخت یا نه؟

جواب: غسالخانه قابل فروش نیست.^۵

سؤال: بعضی از شهرداری‌ها- به خصوص شهرداری تهران- قسمتهایی از اراضی موقوفات را بدون کسب نظر و اخذ موافقت متولیان به عنوان طرح فضای سبز و غیره سال‌ها معطل نموده و عملاً موقوفات را مسلوب‌المنفعه می‌نمایند. با عنایت به اینکه متولیان و ادارات اوقاف موظف هستند رقبات موقوفات را با رعایت غبطه وقف به اجاره و اگزار و مورد بهره‌برداری قرار دهند. آیا این عمل شهرداری مجوز شرعی دارد یا خیر؟ و در صورتی که لازم باشد این قبیل اراضی

۱. وقف از دیدگاه حقوق و قوانین، ص ۱۹۶.

۲. استفتاءات امام خمینی، ج ۲، ص ۳۷۰.

۳. استفتاءات امام خمینی، ج ۲، ص ۳۶۹.

۴. همان، ج ۳، ص ۳۱.

۵. همان، ج ۲، ص ۳۷۰.



مورد استفاده طرح‌ها قرار گیرد آیا شهرداری‌ها موظف به پرداخت اجرة المثل و مال الإجارة اراضی مزبور از تاریخی که طرح را اعلام می‌دارند هستند یا خیر؟
جواب: همان گونه که قبلاً پاسخ داده شده وقف از وقفیت خارج نمی‌شود و تصرف در آن منوط به اجازه متولی شرعی با مراعات مصلحت وقف است. و در مورد سؤال دوم نیز چنانچه خواستند، استفاده کنند باید اجرة المثل بپردازند.^۱

۲. وقف بر فقرا و نیازمندان

قال علی علیه السلام: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا تَصَدَّقَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ تَصَدَّقَ بِالضَّيْعَتَيْنِ الْمَعْرُوفَتَيْنِ بَعَيْنِ أَبِي نِزَرٍ وَ الْبُعْيَغَةِ عَلَى فُقَرَاءِ أَهْلِ الْمَدِينَةِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ لِيَقْبَى اللَّهُ بِهِمَا وَجْهَهُ حَزَّ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا تَبَاعَا وَلَا تُوهَبَا حَتَّى يَرِثَهُمَا اللَّهُ وَ هُوَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ إِلَّا أَنْ يَحْتَاجَ إِلَيْهِمَا الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ فَهُمَا طَلَقَ لَهُمَا وَلَيْسَ لِأَحَدٍ غَيْرِهِمَا»؛ امام علی علیه السلام مشغول حفاری چاه شد، اما چاه به آب نمی‌رسید، دوباره حضرت به درون چاه برگشت و شروع به کندن چاه کرد، آب مانند گردن شتر فوران کرد، حضرت به سرعت خود را به بیرون چاه رسانید و در حالی که بدن او خیس عرق بود فرمود: گواهی می‌دهم که این چاه وقف است، قلم و کاغذ بیاورید تا وقف نامه‌اش را بنویسم. قلم و کاغذ آوردند. آن حضرت نوشت:

به نام خداوند بخشنده مهربان؛ بنده خدا، علی، امیرمؤمنان، وقف کرد دو زمین معروف به چاه «ابی نِزَر» و «بُعْيَغَةِ» بر فقرا و در راه ماندگان مدینه، به این امید که خداوند به وسیله وقف این دو چاه، چهره او را در روز قیامت از آتش جهنم نکه دارد. فروش و بخشش این دو ملک تا مادامی که خداوند که بهترین ارث برندگان است آن را ارث ببرد جایز نیست، مگر اینکه حسن و حسین به آن دو نیازمند شوند، در این صورت برای آن دو آزاد است، ولی برای غیر آن دو چنین کاری روا نیست.^۲

نکته‌ها

یک: واژه شناسی

«بَعَيْنِ أَبِي نِزَرٍ»: نام چشمه‌ای در اطراف مدینه، ابی نیزر نام غلام حضرت

۱. همان، ج ۳، ص ۳۱.

۲. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۶۲.

است که حبشی بوده و آن جا مشغول کار بوده است. حضرت آن را وقف کردند.^۱ «الْبَغْيِغَةُ»: زمین حاصل خیزی در مدینه بوده است.^۲ آیت الله احمدی میانجی می نویسد: «علی علیه السلام از عبد الرحمن بن سعد انصاری يك قطعه زمین به سیصد هزار درهم خرید و اوّل مزرعه‌ای که در آن احداث کرد «بغیغه» بود و سپس آن را وقف بر مساکین و این سبیل و نیازمندان کرد. واقدی گوید: میوه‌های «بغیغه» در زمان علیه السلام به هزار وسق (بارشتر) رسید.^۳ ابن السبیل: به مسافر در راه مانده و نیازمند، ابن السبیل گفته می‌شود؛ هر چند در شهر خود دارای مال و سرمایه باشد.^۴

دو: تحلیل روایت

«هَذَا مَا تَصَدَّقَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ»: این زمین را بنده خدا علی علیه السلام وقف کرد. از اینکه حضرت خود را به عنوان بنده خدا معرفی می‌کند اقراری است بر بندگی خود و ربوبیت و معبود بودن خداوند متعال. در واقع این سخن حضرت، تبیین مبانی خداشناسی و انسان شناسی حضرت است. آن حضرت معتقد است که عالم و آدم آفریده خداوند هستند و خدا آفریننده، پرورش دهنده و معبود حقیقی تمامی موجودات نظام هستی است. لذا انسان باید همگام با کل موجودات که به بندگی خدا مشغول هستند،^۵ بندگی خدا را که هدف از خلقت انسان است،^۶ مبنای زندگی خود قرار دهد. بندگی خداوند با اطاعت از خواسته‌های او و جلب رضایت او حاصل می‌شود. و وقف یکی از خواسته‌های خداوند و جلب کننده خشنودی خدای متعال است. لذا حضرت علی علیه السلام با این پشتوانه اعتقادی، بخش زیادی از اموالشان را وقف می‌کنند.

«عَلَيْهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ»: وصف امیرالمؤمنین را برای اولین بار پیامبر صلی الله علیه و آله در عید غدیر خم به آن حضرت دادند و به مسلمانان دستور دادند که به عنوان امیرالمؤمنین بر آن حضرت سلام کرده و بیعت کنند. مرحوم شیخ مفید در کتاب

۱. التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۳۵۵.

۲. لسان العرب، ج ۸، ص ۴۱۹.

۳. مالکیت خصوصی در اسلام، ص ۲۰۴.

۴. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۱، ص ۲۲۱.

۵. «إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا»؛ هیچ چیز در آسمان‌ها و زمین نیست، مگر آنکه به بندگی سوی خدای

رحمان بیاید. مریم، ۹۳.

۶. ذاریات، ۵۶.



ارشاد می‌فرماید:

بعد از معرفی حضرت علی علیه السلام به عنوان ولی مسلمین، حضرت از منبر پایین آمدند و نماز ظهر را به جماعت با مسلمین خواندند و بعد از نماز به حضرت علی علیه السلام امر فرمودند تا در خیمه‌اش بنشینند، سپس به همه مسلمین فرمان دادند تا گروه گروه بر آن حضرت وارد شده و به عنوان امیرالمؤمنین بر آن حضرت سلام کردند. بعد از اتمام بیعت مردان، آن حضرت به همسران خود و همه زنان نیز دستور دادند که بر آن حضرت وارد شوند و به عنوان امیرالمؤمنین به آن حضرت سلام کنند و آنان نیز این کار را انجام دادند؛ «أَمَرَ عَلِيًّا أَنْ يَجْلِسَ فِي خَيْمَةِ لَهُ بِإِزَائِهِ ثُمَّ أَمَرَ الْمُسْلِمِينَ أَنْ يَدْخُلُوا عَلَيْهِ فَوْجًا فَوْجًا فَيَهْتِئُوهُ بِالْمَقَامِ وَيُسَلِّمُوا عَلَيْهِ بِأَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ فَفَعَلَ النَّاسُ ذَلِكَ كُلُّهُمْ، ثُمَّ أَمَرَ أَزْوَاجَهُ وَجَمِيعَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ مَعَهُ أَنْ يَدْخُلْنَ عَلَيْهِ وَيُسَلِّمْنَ عَلَيْهِ بِأَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ فَفَعَلْنَ»^۱.

علت اینکه حضرت علی علیه السلام خود را با وصف امیرالمؤمنین یاد می‌کنند از سنخ خودستایی مذموم نیست، بلکه از باب معرفی کردن خود به جامعه بشری است. یعنی همان‌گونه که پزشکان برای معرفی کردن خود به جامعه با نصب تابلو و ذکر تخصص خود، در صدد معرفی خود به بیماران و مراجعه کنندگان هستند. انبیا و اهل بیت علیهم السلام نیز با بیان وصف نبوت، رسالت، امامت و مانند آن در صدد معرفی خود به جامعه بشری هستند تا انسان‌ها با شناخت آنان به آنان مراجعه کرده و با رهنمودهایشان راه سعادت دنیا و آخرت را بیمایند.

نکته سومی که در بیان این وصف وجود دارد این است که آن حضرت چون امیرمؤمنان است، نسبت به افراد زیر مجموعه خود به ویژه طبقه مستضعف و نسبت به فرهنگ‌سازی ارزش‌های دینی احساس مسئولیت می‌کنند، لذا برای حل پاره‌ای از معضلات نیازمندان و برای ایجاد پشتوانه‌ای دایمی برای ترویج ارزش‌های الهی که حج یکی از مصادیق آنان است، املاکی را وقف می‌کنند.

نکته چهارم این است که آن حضرت، به عنوان امیرمؤمنان خود را موظف به تبلیغ و تبیین و انتقال آموزه‌های دینی به مردم می‌دانند و این تبیین را هم در بیان و هم رفتارشان صورت می‌دهند تا تأثیر عمیق‌تری بر دلها بگذارد. بر همین اساس است که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: با رفتار تان دعوت کننده دیگران به

سبک زندگی دینی باشید.^۱ وقتی مردم رفتاری زیبا و ایثارگرانه‌ای مانند وقف را ببینند، انگیزه بیشتری برای عمل به آموزه‌های دینی برایشان به وجود می‌آید تا این‌که صرفاً دعوت به این آموزه‌ها را از زبان کسی بشنوند. لذا پیشنهاد می‌شود خود علما که به نیابت از ائمه علیهم‌السلام رسالت ترویج سبک زندگی دینی را بر عهده دارند، خود با عمل کردن به آموزه وقف، ترویج کننده این سنت الهی، نبوی و علوی به جامعه اسلامی باشند.

«عَلَىٰ فُقَرَاءِ أَهْلِ الْمَدِينَةِ وَابْنِ السَّبِيلِ»: حضرت علی علیه‌السلام این مزارع را وقف نیازمندان مدینه و مسافران در راه مانده کردند. و این وقف از نوع وقف عام است و احکامش در فصل چهارم، وقف بر نیازمندان خواهد آمد.

۳. گستره موقوفات حضرت علی علیه‌السلام

«أَنَّ عَلِيًّا علیه‌السلام قَالَ: «تَزَوَّجْتُ فَاطِمَةَ علیها‌السلام وَ مَا كَانَ لِي فِرَاشٌ وَ صَدَقَتِي الْيَوْمَ لَوْ قُسِمَتْ عَلَى بَنِي هَاشِمٍ لَوَسِعَتْهُمْ»؛ حضرت علی علیه‌السلام فرمودند: من در حالی با حضرت فاطمه علیها‌السلام ازدواج کردم که حتی رختخواب درستی نداشتم، ولی الآن وضع اقتصادی من به گونه‌ای است که اگر درآمد موقوفاتم بین طایفه بنی‌هاشم تقسیم شود همه آن‌ها را کفایت می‌کند.^۲

نکته‌ها

یک: واژه شناسی

«فِرَاش»: بستر، رختخواب.^۳

«صَدَقَتِي»: منظور از «صدقه» در این جا وقف می‌باشد که از بارزترین مصادیق وقف است. و حضرت در تمامی وقف‌نامه‌ها از کلمه صدقه که نشانه دهنده صداقت آن حضرت در ایمان به خداوند و محبت به خداوند است استفاده کرده است.

«بَنِي هَاشِمٍ»: سادات از نسل هاشم، جدّ اعلای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم. هاشمی یا بنی‌هاشم بنابر مشهور به افرادی گفته می‌شود که از طریق پدر به هاشم بن عبد

۱. الکافی، ج ۲، ص ۷۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۴۱، ص ۴۳.

۳. فرهنگ معاصر عربی- فارسی، ص ۵۰۲.



مناف (جد اعلای رسول خدا ﷺ) منتسب هستند.^۱

دو: تحلیل

«تَزَوَّجْتُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا وَ مَا كَانَ لِي فِرَاشٌ». در قسمت اول روایت، حضرت علی (ع) از موقعیت اقتصادی گذشته خود یاد می‌فرماید: من در حالی با حضرت فاطمه (ع) ازدواج کردم که حتی رختخواب مناسبی برای خوابیدن نداشتم. آن حضرت در نقل دیگری می‌فرماید: شبی که دختر پیامبر (ﷺ) را به خانه آوردم، بسترمان پوست قوچی بود که شب روی آن می‌خوابیدیم و روز، شتر خود را روی آن علوفه می‌دادیم و هرگاه می‌خواستیم خمیر کنیم بر روی گوشه همان پوست، خمیر می‌کردیم.^۲ ولی آیا تا کنون فکر کردید که چرا حضرت علی (ع) فقیر بود؟

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد با این‌که ابوطالب پدر حضرت علی (ع) از موقعیت اجتماعی ممتازی برخوردار بود، اما به دلیل خشکسالی و کثرت عیال‌واری وضعیت اقتصادی مطلوبی نداشت، به همین دلیل، هر یک از برادران حضرت ابوطالب به پیشنهاد حضرت پیامبر (ﷺ) سرپرستی یکی از فرزندان حضرت ابوطالب را برعهده گرفتند. به تقدیر الهی سرپرستی حضرت علی (ع) بر عهده پیامبر (ﷺ) قرار گرفت. دوره سه ساله محاصره اقتصادی در شعب ابیطالب به همراه منع هر نوع دادوستدی با مسلمانان^۳ و هجرت به مدینه و ازدواج آن حضرت در سال دوم هجری سبب شد که حضرت با دستانی خالی، زندگی مشترک خود را با حضرت فاطمه (ع) آغاز کنند. بنابراین، از تحلیل موقعیت زندگی حضرت علی (ع) درمی‌یابیم که فقر حضرت، فقری تحمیلی بوده که شرایط اجتماعی و محیط پیرامونی بر آن حضرت تحمیل کرده بود.

«صَدَقْتَنِي الْيَوْمَ لَوْ قُسِمَتْ عَلَيَّ بَنِي هَاشِمٍ لَوْسَعْتُهُمْ». بعد از این‌که حضرت موقعیت اقتصادی گذشته خود را بیان می‌فرماید به وضعیت فعلی اقتصادی خود پرداخته و می‌فرماید: اما امروز وضعیت اقتصادی من به گونه‌ای است که اگر درآمد موقوفاتم را بین کل طایفه بنی‌هاشم تقسیم کنند، همه آن‌ها را کفایت

۱. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، ج ۲، ص ۱۴۴.

۲. تحکیم خانواده محمد محمدی ری‌شهری، ص ۱۶۷.

۳. دانشنامه امام علی (ع)، ج ۷، ص ۲۴۲، با تلخیص.

می‌کند. به راستی این ثروت هنگفت از چه راهی و با چه هدفی فراهم آمد؟ حضرت علی (ع) با ورود به مدینه فعالیت‌های اقتصادی خود را با کارگری آغاز کرد. تا این‌که با واگذاری زمین‌های موات به مسلمین، چند قطعه از این زمین‌ها سهم حضرت علی (ع) شد^۱ و حضرت به ویژه در دوران بعد از رحلت پیامبر (ص) به فعالیت‌های کشاورزی و احداث چاه و چشمه رو آوردند و با کاشت هزاران درخت، ثروت عظیمی را کسب کردند. البته همان‌گونه که در ادامه خواهید خواند، هدف حضرت از فعالیت‌های اقتصادی، روی هم انباشته کردن ثروت نبود، بلکه هدف حضرت جلب خشنودی خداوند و گره‌گشایی از معضلات اجتماعی مسلمین با استفاده از ظرفیت وقف بود.

آیت الله احمدی میانجی بعد از ذکر تلاش‌های اقتصادی حضرت علی (ع) و وقف کردن اموالشان، مطالب ذکر شده را در ضمن چند نکته جمع‌آوری می‌کنند که ما جمع‌بندی ایشان را با اندکی تصرف ذکر می‌کنیم.

۱. علی (ع) زیاد کار می‌کرد و با آن زهد و پارسایی کوچک‌ترین سستی به خود راه نمی‌داد.

۲. علی (ع) در طول ۲۵ سال املاک زیادی از نخلستان‌ها و مزارع در ینبع و اطراف مدینه و فدک و خیبر و وادی القری در دست کرده بود.

۳. غلات و درآمد یا صدقات همه املاک حضرت به چهل هزار دینار (معادل تقریبی ۱۲ میلیارد ریال) می‌رسید.

۴. همه را در راه خدا انفاق و خود و عائله‌اش به یک زندگی ساده قناعت می‌کردند.

۵. علی (ع) برای مخارج خود و خانواده‌اش حتی در زمان خلافت نیز از بیت المال استفاده نمی‌کرد، بلکه از درآمد املاک شخصی خود در مدینه روزگار می‌گذراند. (راجع به این مطلب مدارک زیاد است).

۶. علی (ع) هرچه ثروت داشت از آباد کردن زمین و درخت‌کاری و زراعت حاصل کرده بود که اصل املاک را حفظ و عایدات آن را در راه خدا انفاق می‌کرد.

۷. هرچه غنایم جنگی یا خمس به دست آن حضرت می‌آمد همه را به مصرف می‌رسانید و برای خود نگه نمی‌داشت.



۸. در آخر عمر هرچه املاک داشت همه را وقف کرد. ابن ابی الحدید می‌گوید، علی (ع) برای فرزندان خود ارثی باقی نگذاشت، مگر چند نفر برده و غلام و کنیز و هفتصد درهم پول که ذخیره کرده بود تا خادمه‌ای بخرد و در خطبه امام حسن (ع) بعد از مرگ پدر به این معنا تصریح شده است.^۱

علی (ع) درینبع صد چشمه درآورد و برای حاجیان خانه خدا وقف کرد.^۲

علی (ع) زمین و خانه خود را در مصر با اموالی که در مدینه داشت وقف به اولاد کرد.^۳

۴. وقف اینارگونه

وَقَالَ فِيهِ «إِنَّهُ (ع) وَقَفَ أَمْوَالَهُ وَكَانَتْ غَلَّتُهُ أَرْبَعِينَ أَلْفَ دِينَارٍ وَبَاعَ سَيْفَهُ وَقَالَ مَنْ يَشْتَرِي سَيْفِي فَلَوْ كَانَ عِنْدِي عِشَاءٌ مَا بَعْتُهُ وَقَالَ فِيهِ إِنَّهُ (ع) قَالَ مَرَّةً مَنْ يَشْتَرِي سَيْفِي الْفُلَانِيَّ وَلَوْ كَانَ عِنْدِي ثَمَنٌ إِزَارٍ مَا بَعْتُهُ قَالَ وَكَانَ يَفْعَلُ هَذَا وَغَلَّتُهُ أَرْبَعُونَ أَلْفَ دِينَارٍ مِنْ صَدَقَتِهِ»؛ درباره موقوفات حضرت علی (ع) نقل شده است که آن حضرت تمام اموالشان را وقف نمودند، ارزش محصولات کشاورزی آن حضرت بالغ بر چهل هزار دینار بود. هم‌چنین درباره آن حضرت نقل کرده‌اند که آن حضرت در حالی که محصولات کشاورزی موقوفات آن حضرت بالغ بر چهل هزار دینار می‌شد، یکی از شمشیرهایشان را به فروش گذاشتند و فرمودند چه کسی فلان شمشیرم را می‌خرد، سپس توضیح دادند که اگر پول لباسی را می‌داشتم آن را نمی‌فروختم، در بیان دیگری فرمودند: اگر پول شام را می‌داشتم آن را نمی‌فروختم.^۴

نکته‌ها

یک: واژه شناسی

«دینار»: دینار، واحد پول فلزی از جنس طلا است که از صدر اسلام، بلکه دوران جاهلی تا اوایل سده چهاردهم هجری قمری میان مسلمانان رایج بود. وزن دینار شرعی که به تصریح بسیاری، همواره ثابت بوده و هیچ‌گونه تغییری در آن

۱. شرح نهج البلاغة ابن ابی الحدید، ج ۱۵، ص ۱۴۶.

۲. مالکیت خصوصی در اسلام، ص ۲۰۳.

۳. همان، ص ۲۰۴.

۴. بحار الأنوار، ج ۴۱، ص ۴۳.

ایجاد نشده، يك مثقال شرعی و سه چهارم مثقال صیرفی است که معادل ۲۶۵/۴ گرم است. برخی برای این مطلب ادعای اجماع کرده‌اند.^۱

«الْعَلَّةُ»: به هر نوع درآمدی که از راه فروش محصولات باغی یا زراعی زمین یا از راه اجاره دادن زمین بدست می‌آید غله گفته می‌شود.^۲

«صَدَقَتِهِ»: نووی در تهذیب الأسماء و ابن حجر آورده‌اند: مراد از صدقه در اینجا زکات نیست، بلکه وقف‌هایی می‌باشد (که آن حضرت وقف کرده بود و) صدقه جاریه قرار داده بود و حاصل غله آن‌ها این مقدار می‌شد.^۳

دو: تحلیل

«وَقَفَّ أَمْوَالُهُ»: حضرت علی (ع) تمام اموالش را وقف کردند. ابن ابی الحدید از علمای بزرگ اهل سنت و یکی از شارحان نهج البلاغه می‌نویسد: طرفداران عثمان به حضرت علی (ع) خُرده می‌گرفتند که ابوبکر از دنیا رفت و هیچ درهم و دیناری از خود برجای نگذاشت، ولی حضرت علی (ع) درحالی از دنیا رفتند که املاک و درختان فراوانی از خود باقی گذاشتند. شیعیان و حامیان حضرت علی (ع) در پاسخ شبهه افکنان می‌گفتند: همه می‌دانند که حضرت علی (ع) چشمه و قنات‌های فراوانی را با دست خود احداث کرد، همین‌طور زمین‌های موات زیادی را با تلاش و کوشش فراوان احیا کردند. ولی همه این اراضی و چشمه‌ها و قنات‌ها را از ملکیت خود خارج ساخته و وقف مسلمین کردند و در حالی از دنیا رفتند که چیزی از این املاک و اراضی در ملکیت ایشان نبود. و جز چند برده و کنیز و هفتصد درهم پول نقد برای وارثین چیزی باقی نگذاشته بودند.^۴

«وَكَانَتْ عَلَتْهُ أَرْبَعِينَ أَلْفَ دِينَارٍ»: مجموع درآمد مزارع کشاورزی و باغستان‌های حضرت چهل هزار دینار بود. هر دیناری معادل حدود چهار گرم طلاست و به پول امروز بالغ بر چندین میلیارد تومان می‌شود.

«وَلَوْ كَانَ عِنْدِي عِشَاءٌ مَا بَعِثْتُهُ»: با این که آن حضرت درآمدی میلیاردی داشتند، ولی برای تهیه لباس و خوراک شام‌شان، شمشیرشان را به فروش می‌گذازند و

۱. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام)، ج ۳، ص ۶۸۶، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۳۶۰.

۲. المصباح المنیر، ج ۲، ص ۴۵۲.

۳. مالکیت خصوصی در اسلام، ص ۲۰۱.

۴. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۵، ص ۱۴۶.



می‌فرمایند: اگر پول لباس و یا شامم را می‌داشتم شمشیرم را نمی‌فروختم. این نشان می‌دهد که وقف حضرت یک نوع وقف ایثارگونه بوده است.

ایثار عبارت است از مقدم داشتن دیگری بر خود در رساندن منفعت و دفع زیان، نسبت به چیزی که خود بدان نیازمند است.^۱ در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که مؤمنین را تشویق به ایثار می‌کند و ایثارگران را می‌ستاید.^۲

ابان بن تغلب از امام صادق (ع) درباره حق مؤمن بر مؤمن پرسید. امام صادق (ع) به او فرمودند: حق مؤمن این است که نیمی از داراییات را با او تقسیم کنی. ابان از این سخن امام شگفت زده شد. امام صادق (ع) با مشاهده شگفتی ابان فرمودند: ای ابان! آیا نمی‌دانی که خداوند از ایثارگران به نیکی یاد کرده است؟... هرگاه داراییات را با او تقسیم کنی، هنوز ایثار نکرده‌ای، ایثار تو زمانی است که نیمه دیگر مالت را هم به او بدهی. امام حسن (ع) نیز می‌فرماید: شیعیان علی (ع) کسانی‌اند که در عین نیازمندی، برادران دینی خود را بر خود مقدم می‌دارند.^۳ بنابراین از شیعیان حضرت علی (ع) انتظار می‌رود حداقل اگر وقف ایثارگونه نمی‌توانند داشته باشند، با وقف مقداری از اموالشان، سنت حسنه وقف را با تاسی به مولای متقیان حضرت علی (ع) تداوم ببخشند.

۵. وقف منزل بر خاله‌ها

قَالَ الصَّادِقُ (ع): «قَالَ تَصَدَّقَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (ع) بِدَارِهِ الَّتِي فِي الْمَدِينَةِ فِي بَنِي زُرَيْقٍ فَكَتَبَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا تَصَدَّقَ بِهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَهُوَ حَتَّى سَوِيَّ تَصَدَّقَ بِدَارِهِ الَّتِي فِي بَنِي زُرَيْقٍ صَدَقَةً لَا تَبَاعُ وَلَا تُوهَبُ وَلَا تُورَثُ حَتَّى يَرِثَهَا اللَّهُ الَّذِي يَرِثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَسْكَنَ هَذِهِ الصَّدَقَةَ خَالَاتِهِ مَا عَشْنَ وَعَاشَ عَقِبَهُنَّ فَإِذَا انْقَرَضُوا فَهِيَ لِذَوِي الْحَاجَةِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ شَهِدَ اللَّهُ»؛

امام صادق (ع) فرمود: حضرت علی (ع) منزلی در منطقه بنی زریق مدینه داشت و تصمیم گرفت آن را وقف کند. نوشت: به نام خداوند بخشنده مهربان؛ این ملکی است که علی بن ابیطالب آن را وقف می‌کند، در حالی که زنده و سالم

۱. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، ج ۱، ص ۷۴۲.

۲. حشر، ۹؛ انسان، ۵ - ۲۲.

۳. اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، ص ۱۴۷.

است. لذا کسی حق فروش و یا بخشش آن را ندارد، نیز کسی آن را به ارث نخواهد برد تا اینکه خدایی که وارث آسمان‌ها و زمین است آن را به ارث برد، این خانه وقف بر خاله‌های من و نسل‌های بعدشان است، لذا تا مادامی که کسی از آن‌ها وجود دارد، ساکن آن خواهند بود، ولی هرگاه منقرض شدند و کسی از آنان باقی نماند، وقف نیازمندان خواهد بود. خداوند بر این وقف شاهد است.^۱

نکته‌ها

«تَصَدَّقْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام بِدَارِهِ»: حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام خانه خود در مدینه را وقف کردند. افراد زیادی هستند که دارای چندین منزل یا دارای چندین واحد آپارتمانی هستند که می‌توانند برخی از منزل‌ها و یا برخی از واحدهای آپارتمانی اضافی خود را در راه خدا وقف بر نیازمندان، خانه عالم، مرکز پژوهشی و... کنند یا منافع آن را وقف مخارج مسجد، حسینیه، حوزه علمیه و مانند آن کنند.

همان‌گونه که برخی از عالمان دینی این کار را کردند که از باب نمونه به یک مورد اشاره می‌شود: آیت‌الله جوادی آملی حفظه‌الله تعالی از برجسته‌ترین اساتید علمی و عملی جهان اسلام منزل مسکونی خود در قم را وقف کردند و در وقف‌نامه آن نوشته‌اند: وقف صحیح شرعی نمودم جامع همه شرایط واقف، موقوف علیه، موقوف و وقف، خانه ابتیاعی، ملکی و متصرفی خودم را که واقع است در قم، خیابان ارم (آیه الله نجفی مرعشی) پشت مسجد آیه الله گلپایگانی، جنب مدرسه علمیه سعادت (جنوب و جنوب شرقی) برای مدرّسان، محققان، مؤلفان، پژوهشگران علوم و معارف الهی مانند، تفسیر، فلسفه اسلامی، کلام، فقه، اصول و سایر دانش‌های دینی، اِلَى أَنْ يَرِثَ اللَّهُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا.^۲

فَكَتَبَ: حضرت برای این موقوفه خود سند رسمی تنظیم کردند. امروزه لزوم نوشتن سند رسمی برای موقوفات بر هیچ کس پوشیده نیست و نباید به سندهای خانگی اکتفا کرد، بلکه چه خوب است افراد واقف، برای موقوفات خود سند رسمی محضری تنظیم کنند و در اداره اوقاف نیز آن را به عنوان موقوفه به ثبت برسانند. تا به مرور زمان، مورد سوء استفاده موقوفه‌خواران قرار نگیرد.

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۴۸.

۲. سرچشمه اندیشه، ج ۲، ص ۴۶۴.



«صَدَقَةَ لَا تَبَاغُ وَلَا تُوهَبُ وَلَا تُورَثُ حَتَّى يَرِثَهَا اللَّهُ الَّذِي يَرِثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ»؛ ویژگی مهم وقف این است که مال موقوفه تا پایان تاریخ این جهان، تحت هیچ عنوانی قابل نقل و انتقال نیست. لذا نه می‌توان آن را فروخت و نه به کسی هدیه داد و نه قابل ارث بردن از میت است.

مقام معظم رهبری در پاسخ استفتایی در این زمینه می‌نویسند: تا زمانی که وقف، قابلیت انتفاع و استفاده در جهت وقف را دارد، هر چند با اجاره دادن آن به بعضی از موقوف علیهم یا به شخص دیگر و مصرف اجاره آن در جهت وقف باشد و یا نوع استفاده از آن تغییر کند، فروش و تبدیل آن جایز نیست و در صورتی که به هیچ وجه قابل انتفاع نباشد، فروش آن جایز است، ولی در این صورت واجب است با پول آن ملک دیگری خریده شود تا منافع آن در جهت وقف به مصرف برسد.^۱

گفتار چهارم: سیره حضرت فاطمه (علیها السلام)

وقف بر بنی هاشم و بنی عبدالمطلب

«عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ تَصَدَّقَتْ بِمَالِهَا عَلَى بَنِي هَاشِمٍ وَبَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ»؛ زید بن علی نقل می‌کند: حضرت فاطمه دختر پیامبر ﷺ اموالش را بر فرزندان حضرت هاشم و فرزندان حضرت عبدالمطلب (علیهم السلام) وقف کرد.^۱

نکته‌ها

یک: واژه شناسی

«تَصَدَّقَتْ»: منظور از صدقه در این روایت به قرینه جملات بعد، وقف است. «بنی هاشم»: فرزندان هاشم بن عبد مناف جدّ رسول خدا ﷺ و از شریف‌ترین تیره‌های قریش بودند. برخی مفسران، مقصود از «ذی القربی» در آیات ۴۱ انفال و ۷ حشر را بنی هاشم دانسته‌اند که خداوند، بخشی از غنایم و فیه را به آنان اختصاص داد. نیز مقصود از «أقربین» در آیه ۲۱۴ شعراء، بنی عبدالمطلب و بنی هاشم دانسته شده است. همچنین آیه ۲۳ شوری درباره دوستی و محبت به آنان نازل شده است.^۲ «بنی عبدالمطلب»: برای هاشم چهار پسر به نام‌های شیبه (عبدالمطلب)، عمرو (ابوصیفی)، اسد و نضله، و پنج دختر به نام‌های شفاء، رقیه، ضعیفه، خالده و حنه ذکر کرده‌اند که در این میان ماندگارترین و مؤثرترین نسل شیبه (عبدالمطلب) است. منابع برای عبدالمطلب به اختلاف ده یا دوازده پسر و چهار یا شش دختر ذکر کرده‌اند که در این میان نسل عبدالمطلب به جز عبدالله از چهار پسرش؛ یعنی حارث (فرزند بزرگ عبدالمطلب)، ابوطالب، عباس و ابولهب (عبدالعزی) ادامه یافت. برخی نسل عبدالمطلب را تنها نسل باقی‌مانده از فرزندان هاشم دانسته، بنی هاشم را با بنی عبدالمطلب مساوی می‌دانند، در حالی که با وجود فرزندان از نضله و عمرو بن هاشم چنین ادعایی صحیح نیست.^۳

دو: تحلیل

«فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ»: در این روایت از حضرت فاطمه (علیها السلام) به عنوان



۱. دلائل الإمامة، ص ۱۳۱.

۲. فرهنگ و معارف قرآن، برگزیده فرهنگ قرآن، ج ۱، ص ۳۹۸.

۳. اعلام القرآن، ج ۳، ص ۴۹۳.



دختر رسول خدا ﷺ یاد شده و این نشان می‌دهد که آن حضرت علاوه بر این که از نظر نسبی با پیامبر ﷺ انتساب داشته، فرزند آن حضرت است، از نظر معنوی نیز به دنبال پیروی از سیره و سنت پیامبر ﷺ بوده است.

«تَصَدَّقْتُ بِمَالِهَا»: این جمله اشاره دارد که آن حضرت بخشی از اموال خودشان را وقف کردند. اما این که آن حضرت چه مالی را وقف کردند در این روایت اشاره نشده است، ولی برخی از تاریخ‌نگاران بیان کرده‌اند که یکی از موقوفات حضرت «ام‌العیال» بوده است. «ام‌العیال» در ۱۷۰ کیلومتری جنوب مدینه بوده که نام چشمه‌ای است که به برکت آن، روستایی بزرگ در کنارش ساخته شده است و بیش از بیست هزار درخت خرما داشته است و امروز هم میوه‌های مختلفی هم چون لیمو، انگور و موز به عمل می‌آید و فرزندان حضرت زهرا (علیها السلام) از آن بهره می‌گیرند. «ام‌العیال» از سوی آن حضرت، بر سادات حسینی وقف گردیده است.^۱ قطعاً آن حضرت موقوفات دیگری نیز داشته‌اند که پی بردن به آن‌ها نیازمند تحقیق بیشتری است.

«بِمَالِهَا»: یکی از مهم‌ترین شرایط تحقق وقف این است که انسان مالک اموالی باشد که می‌خواهد وقف کند. بنابراین وقف اموال دیگران یا اموال عمومی صحیح نیست. به چند مسأله در این زمینه توجه کنید:

مجرد ثبت ملک به نام کسی، ملاک مالکیت شرعی فردی که ملک به نام او به ثبت رسیده، نیست. در نتیجه اگر پدر بعد از خرید زمین و ثبت آن به نام پسرش، آن را به او هبه کرده و قبض آن نیز به‌طور صحیح محقق شده باشد، در این صورت حق ندارد آن را وقف کند؛ زیرا ملک آن نیست، ولی اگر فقط سند زمین را به نام او کرده و زمین در مالکیت خودش باقی مانده باشد، او از نظر شرعی مالک آن است و حق دارد آن را وقف کند.

اگر (عده‌ای) از طرف افراد خیر وکیل باشند تا خانه را بعد از خرید، به عنوان حسینه وقف کنند، وقف آنان به وکالت از مالکین صحیح است.

در صحت وقف، سابقه مالکیت شرعی خاص واقف شرط است و چون جنگل‌ها و مراتع طبیعی که از انفال و اموال عمومی هستند، ملک خاص کسی

نیستند، در نتیجه وقف آن‌ها توسط هیچ فردی صحیح نیست.^۱
 (زمین‌هایی که در اختیار برخی سازمان‌ها مثل شرکت نفت و یا سازمان زمین شهری است) اگر این زمین‌ها از اموال عمومی دولت باشند و مصرف خاصی برای آن‌ها تعیین شده باشد، قابل وقف نیستند. ولی اگر از اراضی مواتی باشند که ملک کسی نیستند و در اختیار دولت یا شرکت نفت و یا سازمان زمین شهری باشند، احیاء آن‌ها با اجازه مسئولین مربوطه به عنوان مسجد یا مدرسه و مانند آن اشکال ندارد.^۲

(اموالی که در اختیار شهرداری است) اگر از املاکی باشد که شهرداری از نظر قانونی حق دارد آن‌ها را به مصالح عمومی شهر، از قبیل درمانگاه یا بیمارستان یا مسجد و یا امور دیگر اختصاص بدهد، در این صورت (وقف آن‌ها در جهت مصالح عمومی) اشکال ندارد، ولی اگر از املاکی باشد که مخصوص استفاده برای امور مربوط به شهرداری است، حق ندارد آن‌ها را وقف کند.^۳

زمین‌های وقفی، قابل وقف مجدد به عنوان مسجد یا حسینیه و غیره نیستند و واگذاری آن‌ها به طور مجانی برای ساخت مصلی یا یکی از مؤسسات عمومی مورد نیاز مردم برای هیچ کس جایز نیست، ولی اجازه دادن آن‌ها توسط متولی شرعی برای ساختن مصلی یا مدرسه یا حسینیه در آن‌ها اشکال ندارد و مبلغ اجازه زمین‌های مزبور باید در جهاتی که برای وقف معین شده است، مصرف شود.^۴

اراضی موات که تا کنون کسی آن‌ها را احیاء نکرده و ملک کسی نبوده است، قابل وقف کردن نیستند، مگر این که کسی یا کسانی آن‌ها را احیاء کنند و سپس وقف کنند.^۵

«عَلَى بَنِي هَاشِمٍ وَبَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ»: آن حضرت اموالش را بر فرزندان هاشم و فرزندان عبدالمطلب وقف کرد. شاید علت وقف بر این دو گروه، همان فشارهای اقتصادی دشمنان اهل بیت (علیهم‌السلام) باشد. آن حضرت شاهد بود که دشمنان

۱. أجوبة الاستفتاءات (فارسی)، ص ۴۹۸.

۲. همان.

۳. همان، ص ۴۹۹.

۴. همان، ص ۵۰۳.

۵. مجمع المسائل (گلیاگانی)، ج ۳، ص ۸۳؛ استفتاءات (بهجت)، ج ۴، ص ۳۰۶؛ استفتاءات جدید (تبریزی)، ج ۱، ص ۲۹۶.



اهل بیت علیهم السلام برای منزوی سازی و کاهش اقتدار اقتصادی و سیاسی اهل بیت علیهم السلام و شیعیان، سیاست تحریم اقتصادی را در پیش خواهند گرفت. روی این جهت، آن حضرت مانند حضرت علی علیه السلام، در قالب وقف اموالشان، پشتیبانان ای ماندگار برای بنی هاشم و بنی عبدالمطلب باقی می‌گذارند و به حمایت مالی آنان در طول تاریخ اختناق و استبداد می‌پردازند.

استاد پیشوایی در این زمینه می‌نویسند: شیعه پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله همواره از نظر اقتصادی در فشار و مضیقه قرار داشت. در این زمینه، علاوه بر گرفتن فدک از فاطمه زهرا علیها السلام که انگیزه سیاسی داشت و هدف از آن تضعیف بنیه اقتصادی جناح امیرمؤمنان علیه السلام و بنی هاشم بود. یکی از تاکتیک‌های معاویه برای وادار کردن امام حسین علیه السلام به بیعت با یزید، خودداری از هرگونه عطیه از بیت‌المال به بنی هاشم بود.

«ابوجعفر منصور دوانیقی» دومین خلیفه عباسی، برنامه‌ی وسیعی برای فلج‌سازی اقتصادی عموم مردم، به ویژه علیه بنی هاشم که در خط مقدم مبارزه با خلفای ستمگر بودند، به اجرا درآورد. او تمام اموال عمومی مسلمین را به صورت گنج درآورد و از مصرف کردن آن در راه عمران و کمک به مردم خودداری می‌ورزید. همین‌طور اموال مردم را به زور از آن‌ها می‌گرفت و برای احادی مالی باقی نگذاشت. هدف او از این برنامه شوم این بود که مردم، همواره نیازمند و گرسنه و متکی به او باشند و در نتیجه همیشه در فکر سیر کردن شکم خود بوده مجالی در مسائل بزرگ اجتماعی را نداشته باشند.^۱

فشار اقتصادی علیه شیعیان در دوران متوکل عباسی به اوج خود رسید. او از نظر اقتصادی به قدری بر شیعیان سخت گرفت که می‌گویند: در آن زمان گروهی از بانوان علوی در مدینه حتی یک دست لباس درست نداشتند که در آن نماز بگذارند و فقط یک پیراهن مندرس برایشان مانده بود که به هنگام نماز به نوبت از آن استفاده می‌کردند. او به فرمانروای مکه و مدینه دستور داده بود که مردم را از هرگونه کمک و احسان به آل‌ابی طالب، منع کند. لذا مردم از بیم جان‌شان، دست از حمایت علویان برداشتند و زندگی بر خاندان حضرت امیر مؤمنان علیه السلام سخت شده بود. هم‌چنین به حاکم خود در مصر دستور داده بود که به هیچ یک

از علویان ملکی داده نشود و به هیچ‌یک از آنان اجازه اسب‌سواری و حرکت از
«فسطاط» به شهرهای دیگر داده نشود. نیز به هیچ‌یک از علویان جواز داشتن
بیش از یک برده داده نشود.^۱





عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَبَّاجِ قَالَ: «أَوْصَى أَبُو الْحَسَنِ (ع) بِهَذِهِ الصَّدَقَةِ هَذَا مَا تَصَدَّقُ بِهِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ- تَصَدَّقْ بِأَرْضِهِ فِي مَكَانٍ كَذَا وَ كَذَا كُلِّهَا وَ حَدَّ الْأَرْضِ كَذَا وَ كَذَا تَصَدَّقْ بِهَا كُلِّهَا وَ نَخْلِهَا وَ أَرْضِهَا وَ قَنَاتِهَا وَ مَائِهَا وَ أَرْجَائِهَا وَ حُقُوقِهَا ... تَصَدَّقْ بِجَمِيعِ حُقُوقِهِ مِنْ ذَلِكَ عَلَى وَلَدٍ صُلْبِهِ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ ...»؛

عبد الرحمان بن حجاج می گوید: امام کاظم (ع) وقف نامه ای را این گونه نوشتند: این وصیت نامه ای است که بر اساس آن موسی بن جعفر زمینش را که در فلان محل وجود دارد با تمام حدودش، وقف می کند تا درختان، زمین، قنات، آب، و تمامی اطراف و حقوقش، وقف بر فرزندان او از مردان و زنان باشد.^۱

نکته ها

«أَوْصَى أَبُو الْحَسَنِ (ع) بِهَذِهِ الصَّدَقَةِ»: امام کاظم (ع) در قالب سندی رسمی موقوفه خود را به ثبت رساندند و این نشان می دهد که باید افراد واقف، موقوفات را رسماً به ثبت برسانند تا در آینده، مورد سوء استفاده و تصرف عدوانی افراد سودجو قرار نگیرد.

«تَصَدَّقْ بِأَرْضِهِ فِي مَكَانٍ كَذَا...»: امام کاظم (ع) تمامی حدود زمین وقفی را به دقت با ذکر جزئیات به صورت شفاف بیان کردند تا به مرور زمان حد و حدود آن مورد تردید و اختلاف قرار نگیرد.

۱. موقعیت جغرافیایی موقوفه را به دقت بیان کردند. «فِي مَكَانٍ كَذَا وَ كَذَا».

۲. حد و حدود موقوفه را به دقت تعیین کردند. این که این زمین از جوانب چهارگانه شرق و غرب و شمال و جنوب به کجا منتهی می شود. «حَدَّ الْأَرْضِ كَذَا وَ كَذَا».

۳. تمام محصولات و امور متعلق به زمین را به دقت بیان فرمودند. اصل زمین، درختان، قنات، آب، نواحی و تمام حقوق آن را به دقت ذکر کرده و همه را جزء موقوفه قرار دادند. «وَ كَذَا تَصَدَّقْ بِهَا كُلِّهَا وَ نَخْلِهَا وَ أَرْضِهَا وَ قَنَاتِهَا وَ مَائِهَا وَ أَرْجَائِهَا وَ حُقُوقِهَا».

«عَلَى وَلَدٍ صُلْبِهِ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ»: امام کاظم (ع) این زمین را وقف بر اولاد

صُلبی خود قرار دادند؛ زیرا سیاست عباسیان این بود که علویان را در تنگنای شدید اقتصادی نگه دارند، لذا سهم‌شان را از بیت‌المال قطع کرده بودند و به آنان هیچ سمت دولتی نمی‌دادند. لذا ائمه علیهم‌السلام بخش زیادی از موقوفات خود را وقف بر بنی‌هاشم و علویان می‌کردند.

درسی که می‌توانیم از این بخش از سیره امام کاظم علیه‌السلام ببریم این است که واقفین باید موقعیت شناس باشند. نیازهای روز جامعه و اولویت‌های وقف را رصد کنند و اموالشان را وقف بر آن کنند.





گفتار ششم: موقوفات سایر ائمه علیهم السلام

۱. طبق نقل مشهور باغ‌هایی که هم‌اکنون در محله نخواستله مدینه (محل شیعه نشین) به نام باغ صبا و باغ مرجان وجود دارد، از موقوفات امام حسن مجتبی علیه السلام یا بنا بر نقلی از موقوفات امام سجاد علیه السلام است.
۲. شیخ بهایی از جدش روایت می‌کند که امام حسین علیه السلام نیز زمین‌ها و چیزهای دیگری که ارث برده بود، وقف کرد و حتی اطراف قبر مطهر خویش را از اهل نینوا و غاضریه به شصت هزار درهم خرید و وقف آنان کرد، بدین شرط که زائرانش را به سوی قبرش راهنمایی کنند و آنان را به مدت سه روز به عنوان میهمان پذیرایی کنند. نیز یکی دیگر از موقوفات امام حسین علیه السلام خانه‌ای است که آن حضرت وقف کرد و امام حسین علیه السلام [به کسی که ساکن خانه بود] فرمود: باید خانه را تخلیه کنی،^۱ زیرا باید به تصرف موقوف علیهم درآید.

گفتار هفتم: سنت مسلمین صدر اسلام

عن جابرین عبدالله: «لَمْ يَكُنْ مِنَ الصَّحَابَةِ ذُو مَقْدَرَةٍ إِلَّا وَقَفَ وَقْفًا»؛ جابر می‌گوید: هیچ توانگری از صحابه نبود، مگر اینکه چیزی وقف کرده بود.^۱

یک: واژه شناسی

«الصَّحَابَةُ»: جامع‌ترین تعریفی که از مفهوم «صحابه» ارائه شده این است که صحابی کسی است که در زمان حیات پیامبر ﷺ در حالی که به ایشان ایمان آورده، پیامبر را ملاقات کرده و مسلمان نیز از دنیا رفته باشد.^۲

دو: تحلیل روایت

«لَمْ يَكُنْ مِنَ الصَّحَابَةِ...»: در صدر اسلام وقف به سنتی عمومی تبدیل شد. پیامبر اسلام ﷺ پیشگام همگان در پایه‌گذاری وقف بود و به تأسی از سیره ایشان، تمامی صحابه حضرت که اندک تمکن مالی پیدا می‌کرد، مالی را در راه خدا وقف می‌نمود.

این قدامه در ذیل این حدیث می‌نویسد: این سخن ادعای اجماع عملی صحابه از جابر است و از وی مشهور شده و کسی هم وی را انکار نکرده است، لذا جنبه اجماع دارد. و آن‌گاه گروهی از صحابه، چون ابوبکر، عمر، عثمان، علی رضی الله عنهم، زبیر، سعد بن ابی وقاص، عمرو بن عاص و حکیم بن حزام را نام می‌برد که هر کدام مقداری از املاک خویش را صدقه و وقف قرار دادند.^۳

از باب نمونه ابوطلحه انصاری نخلستانی در مدینه داشت که شهره عام و خاص بود. بعد از نزول آیه نود و دو سوره آل عمران که خداوند به مؤمنین می‌فرماید: «هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید، مگر آن‌که از آن‌چه دوست می‌دارید انفاق کنید» به پیامبر ﷺ مراجعه کرد و گفت: محبوب‌ترین اموال من همین باغ است، می‌خواهم آن را در راه خدا انفاق کنم. با مشورت آن حضرت آن را وقف خویشان نیازمندش کرد.^۴

۱. میزان الحکمة، ج ۱۳، ص ۳۶۳.

۲. دانشنامه سیره نبوی، ج ۱، ص ۳.

۳. وقف در فقه اسلامی، ص ۶۵، به نقل از المغنی، ج ۵، ص ۳۵۷.

۴. اندیشه جاری، ص ۲۹۸.



فصل چهارم: احکام و آداب وقف



گفتار اول: دوام داشته باشد

عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: «حَبَسَ الْأَصْلَ وَ سَبَلَ الثَّمَرَةَ»؛ پیامبر اعظم ﷺ به کسی که قصد داشت مالی را وقف کند فرمودند: اصل مالت را حبس کن (تا کسی آن را از طریق خرید و فروش و بخشش و وراثت به دیگری منتقل نکند) و استفاده از منافعی را (برای استفاده در راه‌های خیر و یا کمک به نیازمندان) مباح قرار بده.^۱

نکته‌ها

۱. اگر کسی می‌خواهد برای همیشه ملکی را برای مصارف خاصی در نظر گیرد باید آن را وقف کند. ولی چنانچه به طور موقت می‌خواهد منافع ملکی را برای مصرف خاصی در نظر گیرد که بعد از آن به خود او یا وارثش برگردد، می‌تواند از قاعده «حبس» استفاده کند.

۲. بر اساس جمله فوق، یکی از شرایط وقف این است که موقوفه مالی باشد که با انتفاع از آن از بین نرود. مثل زمین، ساختمان، کتاب، ظروف غذا، لوازم کار، خودرو و مانند آن.

۳. همین‌طور از این جمله فهمیده می‌شود که یکی دیگر از شرایط وقف این است که مدت وقف نامحدود باشد. لذا اگر واقف مدتی مشخص برای وقف قرار دهد، یا وقف را مشروط به شرطی کند که عادتاً زایل شدنی است، وقف باطل است. ولی اگر آن را بر افرادی خاص که غالباً و عادتاً منقرض نمی‌شوند؛ مثل نسل خود؛ نسل به نسل وقف کند و موقوف علیهم بعد از مدتی اتفاقاً منقرض شوند، وقف صحیح است و بعد از انقراض نسل او، موقوف به فقرا و مساکین یا به متعلمین یا مساجد و مشاهد خواهد رسید.^۲

۴. چند مسأله

مسأله - در وقف، دوام - به معنای اینکه به مدتی موقت نباشد - شرط است، پس اگر بگویید: «وقف کردم این باغ را بر فقرا تا یک سال» از حیث وقف باطل است. و در صحت آن از حیث حبس یا بطلان آن از این حیث حبس هم دو وجه



۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۴۷.

۲. راهنمای تنظیم وقف‌نامه، ص ۱۹.

است. ولی اگر به آن قصد حبس نماید صحیح است.^۱
سؤال: آیا جایز است مکانی برای مدّت موقتی مثلاً ده سال به عنوان مسجد وقف شود و بعد از انقضای این مدّت دوباره به ملکیت واقف یا ورثه او برگردد؟
جواب: این کار به عنوان وقف موقت صحیح نیست و عنوان مسجدیت هم با آن محقق نمی‌شود، ولی حبس آن مکان برای نمازگزاران به مدّت معین اشکال ندارد.^۲



۱. تحریر الوسيلة، ج ۳، ص ۱۱۵.
۲. أجوبة الاستفتاءات (فارسی)، ص ۵۰۱.



گفتار دوم: خواندن صیغه وقف

عَنْ عَجَلَانَ أَبِي صَالِحٍ قَالَ: «أَمَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. هَذَا مَا تَصَدَّقَ اللَّهُ بِهِ فَلَانٌ بَنُ فُلَانٍ وَهُوَ حَيٌّ سَوَى بَدَارِهِ الَّتِي فِي بَنِي فُلَانٍ بِحُدُودِهَا صَدَقَةٌ لَا تُبَاعَ وَلَا تُوهَبَ وَلَا تُورَثُ حَتَّى يَرِثَهَا وَارِثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِنَّهُ قَدْ أَشْكَنَ صَدَقَتَهُ هَذِهِ فُلَانًا وَعَقِبَهُ فَإِذَا انْقَرَضُوا فَهِيَ عَلَى ذِي الْحَاجَةِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ»؛ عجلان ابی صالح می گوید: امام صادق علیه السلام وقف نامه ای را بدین صورت به من فرمودند تا بنویسم: به نام خداوند بخشنده مهربان. این وقف نامه ای است که بر اساس آن فلانی پسر فلانی در حالی که زنده و سالم است به خاطر خدا، خانه اش را که در فلان محله است وقف می کند.^۱

نکته ها

۱. در این روایت و سایر روایاتی که در بخش سابق به آن اشاره شد، معصومین علیهم السلام به صراحت مقصود خود را از وقف، در قالب الفاظی که حاکی از اراده آنان مبنی بروقف است بیان کرده اند. لذا واقف باید با استفاده از الفاظ گفتاری یا نوشتاری و یا با عملی که حاکی از نیت او مبنی بروقف باشد، منظور خود را ابراز کند.

۲. منظور از صیغه وقف، هر چیزی است که واقف با آن از اراده خویش در وقف پرده برمی دارد.^۲ چه با لفظ و چه با نوشتن باشد و یا به قصد وقف، زمین یا ساختمانی را واگذار می کند تا در جهت وقف از آن استفاده شود. به برخی از فتاوی مراجع عظام تقلید در این زمینه اشاره می شود.

یک: از مشهور فقها نقل شده که فرموده اند: زمینی که می خواهند مسجد شود، باید برای آن صیغه وقف خوانده شود، مثل آنکه بگوید: «وقف کردم آن را به عنوان مسجد، قربه الی الله» لیکن بنابر اقوی همین که قربه الی الله به قصد مسجد آن را بسازد و یک نفر هم به اذن بانی آن، در آن نماز بخواند کفایت می کند و مسجد می شود.^۳

۱. گزیده کافی، ج ۶، ص ۹۳.

۲. وقف در فقه اسلامی، ص ۷۶.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۷۷.

دو: لازم نیست صیغه وقف را به عربی بخوانند، بلکه اگر مثلاً بگوید خانه خود را وقف کردم، وقف صحیح است و محتاج به قبول هم نیست حتی در وقف خاص.

زنجانی: در وقف انشاء صیغه لازم است، ولی لازم نیست صیغه را به زبان بیاورد یا به عربی بخواند، بلکه اگر صیغه را به فارسی بخواند یا به وسیله‌ای همچون نوشتن یا کار دیگری وقف را انشاء کند، کفایت می‌کند.

سیستانی: لازم نیست صیغه وقف را به عربی بخوانند، بلکه اگر مثلاً بگوید این کتاب را بر طلاب علم وقف کردم، وقف صحیح است؛ بلکه وقف به عمل نیز محقق می‌شود؛ مثلاً چنانچه حصیری را به قصد وقف بودن در مسجد بیندازد و یا ساختمانی را به طوری که مساجد را به آن طور می‌سازند به قصد مسجد بودن بسازد، وقفیت محقق می‌شود. ولی به قصد تنها وقفیت محقق نمی‌شود؛ و قبول در وقف لازم نیست چه وقف عام باشد و چه وقف خاص و همچنین قصد قربت لازم نیست.^۱

سه: زمینی را برای مسجد در نظر گرفته بودم و ساختن آن را به اهالی محل واگذار کرده بودم، چندین سال می‌گذرد و هیچ اقدامی برای ساختن آن از طرف اهالی به عمل نیامده و صیغه وقف هم خوانده نشده و نماز هم در آن خوانده نشده است، آیا می‌توان از نیت خود برگشته و زمین را صرف امور خیریه دیگر بکنم؟

جواب: می‌توانید صرف امور دیگری کنید.^۲

چهار: آیا اجرای صیغه وقف در صحت آن شرط است؟ و بر فرض شرط بودن، آیا عربی بودن صیغه، شرط است؟

جواب: انشاء لفظی در وقف، شرط نیست؛ زیرا تحقق آن به معاطات هم ممکن است و هم چنین در انشاء وقف به لفظ، عربی بودن صیغه آن هم شرط نیست.^۳ پنج: مجزئ ساختن ساختمان به نیت مسجد، بدون انشاء صیغه وقف و یا بدون تحویل آن به نمازگزاران برای خواندن نماز، برای تحقق وقف و تمامیت

۱. توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)، ج ۲، ص ۶۳۱.

۲. جامع المسائل (فارسی - فاضل)، ج ۱، ص ۳۱۹.

۳. أحوية الاستفتاءات (فارسی)، ص ۴۸۹.



آن کافی نیست، بلکه در ملك مالك باقی می ماند و او حق دارد هر تصرفی که می خواهد در آن بکند، در نتیجه تحویل آن ساختمان به اداره آموزش و پرورش اشکال ندارد.^۱

شش: آیا مالی که برای خرید لوازم به حسینیّه ها بخشیده می شود، حکم وقف را دارد یا آن که لوازمی که با آن مال خریداری می گردند احتیاج به اجرای صیغه وقف دارند؟

جواب: مجزّد جمع آوری مال، وقف محسوب نمی شود، ولی بعد از خریدن لوازم حسینیّه با آن اموال و قرار دادن آن ها در حسینیّه برای استفاده، وقف معاطاتی محقق می شود و نیازی به اجرای صیغه وقف ندارد.^۲

۱. همان، ص ۴۹۰.

۲. همان، ص ۴۹۰.

گفتار سوم: قصد قربت

قَالَ الصَّادِق (ع): «لَا صَدَقَةً وَلَا عَتَقَ إِلَّا مَا أُريدَ بِهِ وَجْهُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»؛

امام صادق (ع) فرمود: هیچ صدقه و آزادسازی بنده‌ای از انسان قبول نمی‌شود، مگر آنکه به جهت نزدیک شدن به خداوند و کسب خشنودی و رحمت او انجام گیرد.^۱

عن علی (ع) «هَذَا مَا أَوْصَى بِهِ وَقَضَى بِهِ فِي مَالِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيُّ ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ لِيُؤَلِّجَنِي بِهِ الْجَنَّةَ وَيَصْرِفَنِي بِهِ عَنِ النَّارِ وَيَصْرِفَ النَّارَ عَنِّي يَوْمَ تَبْيَضُ وُجُوهُ وَتَسْوَدُ وُجُوهُ»؛ این وصیت و تصمیمی است که بنده خدا علی (ع) درباره اموالش گرفته است. من این اموال را در راه خدا با هدف جلب خشنودی خداوند وقف کرده‌ام تا بدین وسیله خداوند مرا به بهشت داخل کرده و از آتش جهنم باز دارد در روزی که برخی از چهره‌ها سیاه و برخی از چهره‌ها سفید محشور می‌شوند.^۲

نکته‌ها

۱. در فرهنگ اسلامی، تقرّب به معنای طلب نزدیک شدن به خداوند با انجام دادن عملی است.^۳

۲. براساس این وقف‌نامه که از حضرت علی (ع) رسیده است آن حضرت ابتدا خود را به عنوان بنده خدا معرفی کرده و هدف خود از وقف را جلب خشنودی خدا دانسته تا خداوند ایشان را در پرتو رحمت و اسعه خود از بهشتیان قرار داده و از آتش جهنم دور گرداند. بنابراین یکی از آداب وقف، قصد قربت می‌باشد.

۳. برخی از فقها قصد قربت را شرط صحت وقف دانسته و برخی از فقها شرط کمال آن می‌دانند. حضرت امام (ع) در این باره می‌فرمایند: بنابر اقوی قصد قربت حتی در وقف عام معتبر نیست، اگر چه احتیاط، اعتبار آن است در هر وقفی باشد.^۴

ولی در هر حال شکی نیست که شرط پاداش بردن از وقف در گرو قصد قربت است؛ زیرا راهیابی به بهشت و درجات عالی آن در گرو انجام عمل صالح

۱. الکافی، ط - الإسلامية، ج ۷، ص ۳۰.

۲. الکافی، ج ۷، ص ۴۹.

۳. دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۸، ص ۳۹۵.

۴. تحریر الوسیلة، ج ۳، ص ۱۱۱.



(حسن فعلی) به همراه ایمان و قصد قربت (حسن فاعلی) می باشد. بنابراین اگر هدف واقف این است که وقف برای او به عنوان باقیات الصالحاتی باقی بماند تا در طول بقا موقوفه از ناحیه آن پاداش دریافت کند و در پرتو سنت حسنه وقف به خدا نزدیک تر شود و بر مقام او در بهشت به خاطر وقف افزوده شود، باید وقف را با قصد قربت انجام دهد. بنابراین اگر کسی به خاطر کسب شهرت، جلب توجه مردم، جلب توجه سازمان ها و مؤسسات دولتی و خصوصی برای پیشبرد اهداف خود و مانند آن وقف کند از پاداش های الهی محروم خواهد بود.

۴. در قرآن کریم نیز انفاقی که برای جلب خشنودی خدا انجام شود، ارزشمند است و برای انفاق کننده اجر دو چندان به دنبال دارد: ﴿وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضَعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ...﴾ و مثل [صدقات] کسانی که اموال خویش را برای طلب خشنودی خدا و استواری روحشان انفاق می کنند، همچون مثل باغی است که بر فراز پشته ای قرار دارد [که اگر] رگباری بر آن برسد، دو چندان محصول برآورد، و اگر رگباری هم بر آن نرسد، باران ریزی [برای آن بس است]، و خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست.^۱

۵. امام صادق علیه السلام نیز ملاک ارزشمندی صدقات را قصد قربت دانسته و می فرماید: «لَا صَدَقَةً وَلَا عَتَقَ إِلَّا مَا أُرِيدَ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»: هیچ صدقه و آزادسازی بنده ای صحیح یا ارزشمند نیست، مگر اینکه هدف از آن جلب رحمت و خشنودی خداوند باشد.^۲

۱. بقره، ۲۴۶.

۲. الکافی، ج ۷، ص ۳۰.

گفتار چهارم: نوشتن وقف نامه

عَنْ عَجَلَانَ أَبِي صَالِحٍ، قَالَ: أَمَلَى عَلَيَّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، هَذَا مَا تَصَدَّقَ بِهِ فَلَانُ بْنُ فَلَانٍ - وَهُوَ حَيٌّ سَوِيٌّ - بِدَارِهِ الَّتِي فِي بَنِي فَلَانٍ بِحُدُودِهَا صَدَقَةً، لَا تَبَاعُ وَلَا تُوهَبُ وَلَا تُورَثُ حَتَّى يَرْتَهَا وَارِثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَإِنَّهُ قَدْ أَشْكَنَ صَدَقَتَهُ هَذِهِ فَلَانًا وَعَقِبَهُ، فَإِذَا انْقَرَضُوا فَهِيَ عَلَى ذِي الْحَاجَةِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ»؛ عجلان ابی صالح از امام صادق علیه السلام تقاضا کرد که وقف نامه ای را برایش بنویسند: آن حضرت فرمودند بنویس: به نام خداوند بخشنده مهربان، این وقف نامه ای است که بر اساس آن فلانی پسر فلانی در حالی که زنده و سالم است، خانه اش را در فلان منطقه، با حدودش در راه خدا وقف می کند. لذا نه فروخته می شود و نه بخشیده می شود و نه به ارث برده می شود تا اینکه وارث آسمان ها و زمین آن را به ارث ببرد. این منزل وقف بر فلانی و نسلش می باشد تا در آن ساکن شوند، و هنگامی که آنان منقرض شدند، وقف بر نیازمندان مسلمان خواهد بود.^۱

نکته ها

۱. عجلان ابی صالح می خواست منزلش را وقف کند، به امام صادق علیه السلام مراجعه کرد و آن حضرت فرمودند برای این موقوفات سندی این گونه بنویس. سپس امام صادق علیه السلام سند موقوفه او را بیان کردند که بنویسد.
۲. در احادیث گذشته نیز مکرر اشاره شد که ائمه علیهم السلام برای موقوفات خود سند مکتوب تنظیم می کردند. در قرآن کریم نیز بر تنظیم اسناد مالی و تجاری تأکید شده است؛ مثلاً خداوند در بزرگ ترین آیه قرآن که مربوط به مسائل مالی و تجاری است، می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید هنگامی که بدهی مدت داری (به خاطر وام دادن یا معامله) به یکدیگر پیدا کنید آن را بنویسید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ﴾؛ وقتی خداوند درباره قرض گرفتن که مدتش اندک است تأکید بر نوشتن سند دارد، تنظیم سند برای موقوفات که همیشگی است قطعاً مورد تأکید بیشتری است. لازم است تنظیم



سند به صورت رسمی باشد و در سازمان اوقاف نیز به ثبت برسد تا در طول تاریخ ماندگار باشد و کسی نتواند آن را از بین ببرد.

۳. لازم است در تنظیم سند وقف نامه به چند جهت توجه شود:^۱

یک: مشخصات واقف مثل: نام و نام خانوادگی، نام پدر، شماره ملی، سال تولد، محل تولد و... .

دو: مشخصات مالی که می‌خواهد وقف کند. مثل تعداد آن، متراژ، حدود مشخص کننده جغرافیایی، امکانات و هر آنچه متعلق به آن است.

سه: مشخصات موقوف‌علیه؛ یعنی کسانی که مال برای آنان وقف شده است؛ مثل: فرزندان و نوادگان اعم از مرد و زن و کوچک و بزرگ، عموم شیعیان اعم از زن و مرد، عموم مسلمین اعم از زن و مرد و مانند آن.

چهار: تعیین جهت مصرف: مثل ازدواج جوانان بی بضاعت، ادامه تحصیل کودکان بی سرپرست، هزینه حج فقرا و اگر روزی این جهات وجود نداشته باشد در جهات دیگری که ذکر می‌شود مصرف شود.

پنج: تعیین نوع وقف؛ مثل اینکه خود مال موقوفه به عنوان سکونت یا زراعت یا تجارت و مانند آن در اختیار موقوف‌علیه قرار گیرد و یا مال موقوفه به اجاره داده شود و درآمدش صرف موقوف‌علیه شود.

شش: تعیین متولی وقف؛ یعنی کسی که قرار است متصدی امور موقوفه بشود. لازم است متولی وقف با مشخصات کامل مثل نام و نام خانوادگی، نام پدر، شماره ملی و... مسئولیت‌های او و حق الزحمه او مشخص شود. همین‌طور مشخص شود که در صورت فوت یا ناتوانی او چه کسی بعد از او متولی وقف خواهد بود.

۱. برگرفته از کتاب راهنمای تنظیم وقف‌نامه، با تلخیص.

گفتار پنجم: شاهد بر وقف گرفتن

هَذَا مَا أُوصِتُ بِهِ فَاطِمَةُ ابْنَةُ مُحَمَّدٍ ﷺ أُوصِتُ بِحَوَائِطِهَا السَّبْعَةِ... شَهِدَ اللَّهُ عَلَى ذَٰلِكَ وَالْمُقَدَّادُ بْنُ الْأَسْوَدَ وَالزُّبَيْرُ بْنُ الْعَوَّامِ وَكَتَبَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام ^۱.

نکته‌ها

۱. سیره معصومین علیهم السلام بر این بوده است که برای موقوفات خود، شاهد می‌گرفتند تا بعداً مورد انکار و یا ادعای دیگران قرار نگیرد. در قرآن کریم نیز تأکید شده است که در مبادلات مالی مدت دار، شاهد گرفته شود. خداوند در این زمینه می‌فرماید: و دو نفر از مردان (عادل) خود را (بر این حق) شاهد بگیرید! و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن، از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند، انتخاب کنید! (و این دو زن، باید با هم شاهد قرار گیرند)، تا اگر یکی انحرافی یافت، دیگری به او یادآوری کند و شهود نباید به هنگامی که آن‌ها را (برای شهادت) دعوت می‌کنند، خودداری نمایند! ﴿وَ اسْتَشْهِدُوا شَهِدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَ امْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشَّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى وَلَا يَأْبَ الشَّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا﴾ ^۲.

۲. ثمره شاهد گرفتن آن است که در صورت تردید در موقوفه بودن یک ملک یا در صورتی که دیگران ادعایی در آن ملک داشته باشند، با اقامه شهود وقف بودن آن ثابت می‌شود. همان‌گونه که بعد از رحلت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله در باغ‌های هفت‌گانه که پیامبر صلی الله علیه و آله وقف بر حضرت فاطمه کرده بودند به مخاصمه برخواست. ولی با شهادت حضرت علی علیه السلام و سایر شهود دست از ادعاهای خود برداشت: «فَلَمَّا قُبِضَ جَاءَ الْعَبَّاسُ يُخَاصِمُ فَاطِمَةَ عليها السلام فِيهَا فَشَهِدَ عَلِيٌّ عليه السلام وَ غَيْرُهُ أَنَّهَا وَقَفَّ عَلَى فَاطِمَةَ» ^۳.

۳. در فقه نیز یکی از راه‌های اثبات وقف، اقامه شهود است.

سؤال: وقف از چه راه‌هایی ثابت می‌شود؟

جواب: اثبات وقف بودن یا از طریق علم و شهرت در محل است و یا بینه

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۲۴۴.

۲. بقره، ۲۸۲.

۳. الکافی، ج ۷، ص ۴۷.



شرعیّه (دو شاهد عادل) و تنها با ادّعا و حتّی وقف نامه‌های مشکوک چیزی ثابت نمی‌شود، مگر آن‌که وقف نامه مورد اعتماد باشد.^۱

سؤال: از چه راه‌هایی وقف بودن موقوفه ثابت می‌شود و آیا ادّعای اختلال فکری واقف، مسموع است و آیا صیغه وقف باید به عربی خوانده شود؟

جواب: چنانچه شهود بر وقف شهادت دهند و یا شیاع وقف در محل باشد، حکم وقف بر آن جاری خواهد بود و در وقف، صیغه عربی شرط نیست، بلکه به هر زبانی جایز است حتّی اگر صیغه نخواند. اما به موقوف علیهم تحویل دهد باز کفایت می‌کند و ادّعای اختلال فکری بدون دلیل و شاهد پذیرفته نیست.^۲

۱. استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص ۲۹۶.

۲. استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص ۲۹۷.

گفتار ششم: تسلیم وقف

قَالَ الْمَهْدِيُّ رحمته الله: «أَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ مِنْ أَمْرِ الْوَقْفِ عَلَى نَاحِيَّتِنَا وَمَا يُجْعَلُ لَنَا ثُمَّ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ صَاحِبُهُ فَكُلُّ مَا لَمْ يُسَلِّمْ فَصَاحِبُهُ فِيهِ بِالْخِيَارِ وَكُلُّ مَا سَلَّمَ فَلَا خِيَارَ فِيهِ لِصَاحِبِهِ احْتِاجُ إِلَيْهِ صَاحِبُهُ أَوْ لَمْ يَحْتَاجْ افْتَقَرَ إِلَيْهِ أَوْ اسْتَعْنَى عَنْهُ»؛ امام زمان عجل الله فرجه در پاسخ به سؤالات «محمد بن عثمان بن سعید عمری» دومین نائب خاص خود فرمودند: اما آنچه پرسیدی که اگر کسی مالی را وقف ناحیه ما کند یا برای ما قرار دهد آن گاه به آن نیازمند شود، پس هر چه را که تسلیم (متولی و یا حاکم شرع) نکرده باشد صاحبش مختار است و هر چه را که تسلیم کرده است اختیاری برای او نیست، چه بدان محتاج باشد و یا محتاج آن نباشد و چه بدان نیازمند باشد و یا از آن مستغنی و بی نیاز باشد.^۱

نکته‌ها

۱. مشهور فقهای امامیه، در تمامی انواع وقف، قبض را شرط می‌دانند؛^۲ یعنی واقف باید موقوفه را تحویل موقوف‌علیهم یا متولی وقف و یا حاکم شرع دهد.
۲. در قانون مدنی در «ماده ۵۹» قبض، شرط صحت عقد وقف دانسته شده است؛ چنانکه می‌گوید: اگر واقف عین موقوفه را به تصرف وقف ندهد، وقف محقق نمی‌شود و هر وقت به قبض داد وقف تحقق پیدا می‌کند.^۳
۳. حضرت امام رحمته الله می‌فرمایند: تحویل گرفتن وقف، شرط صحت آن است و باید به اذن واقف صورت گیرد؛ بدین ترتیب که: در وقف خاص باید موقوف‌علیهم آن را تحویل بگیرند و قبض طبقه اول آنان از دیگر طبقات، بلکه قبض افراد موجود از طبقه اول از غیر موجودین کفایت می‌کند. اما در وقف بر جهات عامه؛ مانند مساجد اگر واقف برای وقف قیم یا متولی معین کرده باشد قیم و یا حاکم باید آن را تحویل بگیرد و در صورتی که قیم معین نکرده باشد حاکم به طور متعین باید آن را تحویل بگیرد. در مورد وقف بر عناوین کلی؛ مانند فقرا و طالبان علم نیز چنین است.^۴

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۲۱.

۲. وقف در فقه اسلامی، ص ۱۱۹.

۳. حقوق مدنی (طاهری)، ج ۱، ص ۲۳۶.

۴. تحریر الوسیلة، ج ۲، ص ۵۶، م ۸؛ احکام اقتصادی، ج ۲، ص ۵۲.



وقف در صورتی صحیح است، که مال وقف را به تصرف و استفاده کسی که برای او وقف شده یا به وکیل یا به ولی او بدهند.

اگر چیزی را بر اولاد صغیر خود وقف کند و به قصد این که آن چیز ملك آنان شود، از طرف آنان نگه داری نماید وقف صحیح است.^۱

۴. اگر مسجد یا قبرستانی را وقف نماید یک نماز و دفن یک میت در آن ها به اذن واقف و به عنوان تسلیم و قبض، در قبض آن کفایت می کند.^۲

۵. زمینی به اداره بهداشت هدیه شده تا بیمارستان یا مرکز بهداشتی در آن ساخته شود، ولی مسئولین اداره بهداشت تا کنون اقدام به ساخت بیمارستان یا مرکز بهداشتی در آن نکرده اند، آیا جایز است واقف زمین را پس بگیرد؟ و آیا مجزّد تسلیم زمین به مسئولین اداره بهداشت برای تحقق وقفیت، کافی است یا آن که ساخت ساختمان در آن هم شرط است؟

جواب: اگر تحویل زمین توسط مالک به مسئولین اداره بهداشت بعد از انشاء وقف به وجه شرعی، به عنوان تسلیم به متولیان شرعی وقف باشد، حق رجوع و پس گرفتن آن را ندارد، ولی اگر یکی از دو امر مذکور تحقق پیدا نکند، حق دارد زمین خود را از آنان پس بگیرد.^۳

۶. زمینی بیست سال پیش وقف اهالی منطقه ای شده تا اموات خود را در آن دفن کنند و واقف تولیت آن را برای خودش و سپس برای یکی از علمای شهر که در وقف نامه ذکر کرده قرار داده و کیفیت انتخاب متولی بعد از عالم مزبور را هم معین نموده است، آیا متولی کنونی حق تغییر وقف یا تغییر بعضی از شرایط آن و یا اضافه کردن شرایط دیگر به آن را دارد؟ و اگر این تغییر بر جهتی که زمین برای آن وقف شده تأثیر بگذارد، مثل این که آن را ایستگاه ماشین نماید، آیا موضوع وقف به حال خود باقی می ماند؟

جواب: با این فرض که وقف از نظر شرعی با تحقق قبض، محقق و نافذ شده است، دیگر تغییر و تبدیل آن و هم چنین تغییر بعضی از شرایط و یا اضافه کردن شرایط جدید به آن توسط واقف یا متولی جایز نیست و با تغییر وقف از حالت

۱. توضیح المسائل (امام خمینی)، ص ۵۷۰.

۲. تحریر الوسیلة - ترجمه؛ ج ۳، ص ۱۱۳.

۳. أجوبة الاستفتاءات (فارسی)، ص ۵۱۰.



قبلی اش، وقفیت آن زایل نمی شود.^۱

۷. تا هنگامی که موقوفه تسلیم موقوف علیهم نشده است، واقف حق به هم زدن (فسخ) و یا تغییر و تبدیل وقف را دارد و اگر واقف پیش از تسلیم موقوفه بمیرد، وقف باطل است و جزء اموال ارثی او قرار می گیرد.^۲

۸. حضرت امام علیه السلام در پاسخ استفتائی در این زمینه می فرمایند: تنها خواندن صیغه وقف و ثبت در دفتر کافی برای تمامیت وقف نیست و تا عین موقوفه تسلیم جهت وقف نشده، واقف می تواند برگردد.^۳

۱. همان، ص ۵۰۳.

۲. وصیت و وقف، ص ۱۲۸.

۳. استفتاءات (امام خمینی)، ج ۲، ص ۳۴۰.

گفتار هفتم: عدم جواز بازگشت

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَتَصَدَّقُ بِالصَّدَقَةِ ثُمَّ يَعُودُ فِي صَدَقَتِهِ فَقَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم - إِنَّمَا مَثَلُ الَّذِي يَتَصَدَّقُ بِالصَّدَقَةِ ثُمَّ يَعُودُ فِيهَا مَثَلُ الَّذِي يَقِيءُ ثُمَّ يَعُودُ فِي قَيْئِهِ»؛ عبدالله بن سنان می گوید از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی صدقه ای داده، ولی بعد پشیمان شده و تصمیم دارد آن را به خودش برگرداند آیا این کار جایز است؟ حضرت فرمودند: مثل چنین کسی مثل کسی است که غذایی را پس می آورد و سپس آن را دوباره می خورد.^۱

امام باقر عليه السلام: «أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الصَّدَقَةِ يَجْعَلُهَا الرَّجُلُ لِلَّهِ مَبْتُولَةً هَلْ لَهُ أَنْ يَرْجِعَ فِيهَا قَالَ إِذَا جَعَلَهَا لِلَّهِ فَهِيَ لِلْمَسَاكِينِ وَأَبْنَاءِ السَّبِيلِ وَلَيْسَ لَهُ أَنْ يَرْجِعَ فِيهَا»؛ از امام باقر عليه السلام پرسیده شد که شخصی مالی را در راه خداوند وقف کرده است آیا حق بازگشت دارد؟! امام عليه السلام فرمودند: اگر آن را برای خدا وقف کرده است، متعلق به نیازمندان و در راه ماندگان می باشد و واقف حق بازگشت ندارد.^۲

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ: «مَنْ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ ثُمَّ رُدَّتْ عَلَيْهِ فَلْيُعِدْهَا وَلَا يَأْكُلْهَا لِأَنَّهُ لَا شَرِيكَ لِلَّهِ فِي شَيْءٍ مِمَّا يَجْعَلُ لَهُ إِنَّمَا هِيَ بِمَنْزِلَةِ الْعَتَاقَةِ لَا يَصْلُحُ رَدُّهَا بَعْدَ مَا تُعْتَقُ»؛ امام صادق عليه السلام از امام باقر عليه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند: کسی که صدقه ای بدهد، سپس به او بازگردانده شود، نباید آن را بپذیرد و باید آن را به مورد صدقه برگرداند. زیرا صدقه مال خداست و هیچ کس در آن چه به خاطر خدا قرار داده شده است شریک خدا نیست. صدقه دادن مثل آزاد کردن برده است. همان گونه که برگرداندن برده بعد از آزادسازی او روا نیست، برگرداندن صدقه به ملک خود نیز بعد از صدقه دادن روا نیست.^۳

نکته ها

۱. بر اساس این روایت، واقف بعد از وقف نمی تواند از وقف برگردد.
۲. تمامی فقها وقف را از عقود لازم می دانند. لذا همین که واقف، با وجود شرایط وقف، مالی را وقف کند حق بازگشت به آن را ندارد.



۱. وسائل الشیعة، ج ۱۹، ص ۲۰۵.

۲. دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۳۳۹.

۳. المحاسن، ج ۱، ص ۲۵۲.

۳. زشتی این عمل مثل زشتی شخصی است که آن چه را پس آورده دوباره بخورد. چطور این عمل چندش آور و مورد انزجار هر شخصی است. برگرداندن موقوفه به خود نیز باید مورد انزجار شخص باشد.

۴. همان گونه که قبلاً بیان شد وقف از مصادیق بارز صدقه است، لذا روایت اول و سوم شامل مطلق صدقه ها از جمله وقف می شود.

۵. ذکر چند فتوا

سؤال: شخصی به علت ناراحتی از فرزندان خود و به جهت محروم کردن آن ها بدون رضایت قلبی، خانه مسکونی خود را وقف کرده است و در محضر هم ثبت کرده است و بعد از مدتی پشیمان شده و مدت ده سال به مقتضای وقف عمل نکرده است و اکنون فوت کرده و وراثت هم به این خانه احتیاج دارند، آیا چنین وقفی صحیح است و عمل به آن لازم است؟

جواب: چنانچه شرایط صحت وقف وجود داشته، صحیح است. و وراثت نمی توانند به صرف احتیاج آن را به هم بزنند و رضایت قلبی چیزی نیست که مشاهده شود. همین طور که پشیمانی نقشی ندارد.^۱

سؤال: شخصی از فرزند خود عصبانی شده و منزل خود را وقف کرده و تولیت آن را مادام العمر با خودش قرار داده است مشروط بر این که تا زنده است خودش در منزل سکونت داشته باشد و بعد از فوت وی درآمد منزل به مصرف روضه خوانی برسد و فعلاً که مدتی گذشته، پشیمان شده است، آیا می تواند وقف را به هم بزند؟

جواب: در فرض سؤال که منزل را وقف کرده و خود او متولی است، وقف محقق شده و نمی تواند آن را به هم بزند و عصبانیت اگر به حدی نباشد که از شخص سلب اختیار کند مضّر نیست و نیز استثناء منافع وقف تا مدت معین یا مادام العمر واقف، موجب بطلان وقف نمی شود.^۲

سؤال: چنانچه شخصی به علت نافرمانی فرزندان، زمین خانه مسکونی خویش را بدون اجرای صیغه و رضایت قلبی وقف نموده باشد تا ایشان را از ارث محروم نماید، سپس محضری نموده و تولیت آن را مادام العمر به خود اختصاص داده و بعد از مدتی پشیمان گشته است و به مدت ده سال عمل به مقتضای

۱. جامع المسائل (فارسی - فاضل)، ج ۱، ص ۳۱۹.

۲. همان، ج ۲، ص ۳۳۳.



وقف هم نکرده است و اکنون فوت نموده است، وراثت هم احتیاج میرمی به این ملک دارند، آیا چنین وقفی صحیح است؟

جواب: وقف مزبور ظاهراً صحیح است و باید به آن عمل شود و پشیمانی مزبور فایده‌ای ندارد.^۱

سؤال: این جانب در حالت عصبانیت ناشی از درگیری فرزندانم، خانه‌ی مسکونی‌ام را با اجرای صیغه وقف و صدور سند به نام اوقاف وقف نمودم و بعد از مدتی پشیمان شدم، آیا این وقف صحیح است؟

جواب: اگر قبض معتبر در وقف حاصل شده است، وقف تمام است و به ملک شما باقی نیست.^۲

۱. استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص ۳۰۶.

۲. استفتاءات (بهجت)، ج ۴، ص ۲۶۴.

گفتار هشتم: تعیین متولی

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا أَوْصَتْ بِهِ فَاطِمَةُ ابْنَةُ مُحَمَّدٍ ﷺ أَوْصَتْ بِحَوَائِطِهَا السَّبْعَةِ ... إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ فَإِنْ مَضَى عَلِيٌّ فَإِلَى الْحَسَنِ فَإِنْ مَضَى الْحَسَنُ فَإِلَى الْحُسَيْنِ فَإِنْ مَضَى الْحُسَيْنُ فَإِلَى الْأَكْبَرِ مِنْ وَلَدِهِ. شَهِدَ اللَّهُ عَلَى ذَٰلِكَ وَالْمَقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدَ وَالزُّبَيْرُ بْنُ الْعَوَّامِ وَكَتَبَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ؛»
امام باقر ﷺ به ابوبصیر فرمودند: می‌خواهی وصیت‌نامه حضرت فاطمه ﷺ را برای تو بخوانم؟ ابوبصیر گفت: بله، جانم فدایتان باد. امام باقر ﷺ نامه‌ای درآورد که در آن نوشته شده بود: به نام خداوند بخشنده مهربان، این وصیتی است که فاطمه دختر محمد ﷺ راجع به باغ‌های هفت‌گانه (که وقفی‌اند)، به علی ﷺ دارد تا مادامی که علی ﷺ زنده است، متولی این باغ‌ها او خواهد بود، بعد از ایشان حسن ﷺ و بعد از حسن، حسین ﷺ و بعد از ایشان بزرگ‌ترین فرزند از فرزندان حسین ﷺ متولی آن خواهد بود. بر این وصیت‌نامه خداوند شاهد است. همین‌طور مقداد و زبیر شاهد بر آن هستند. و نویسنده آن علی ابن ابیطالب ﷺ می‌باشد.^۱

نکته‌ها

۱. تعیین متولی وقف در سیره معصومین ﷺ

اموال مذکور از اوقاف و صدقات رسول خدا ﷺ بر فاطمه ﷺ بوده است. از این‌رو، وقف دوباره آن توسط حضرت زهرا ﷺ معنا نمی‌دهد. بلکه آن حضرت در صدد تعیین متولی این موقوفه برای بعد از خود بوده‌اند.^۲ نیز در روایات مربوط به سیره معصومین ﷺ اشاره شد که معصومین ﷺ برای موقوفات خود متولی تعیین می‌کردند.

۲. حق تعیین متولی

یک: جمهور فقه‌های شیعه تصریح کرده‌اند که واقف می‌تواند ولایت و نظارت بروقف را برای خود قرار دهد.^۳ لذا ممکن است واقف خودش را به عنوان متولی

۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۵۴.

۲. وقف در فقه اسلامی، ص ۶۳.

۳. همان، ص ۲۶۵.



وقف تعیین کند که باید در وقف نامه به آن اشاره کند، ولی اگر بخواهد کسی دیگر را متولی وقف قرار دهد باید مشخصات دقیق متولی وقف را ذکر کند. دو: چون وقف همیشگی است باید واقف برای همیشه متولی وقف را مشخص کند. لذا می‌بینیم که حضرت فاطمه علیها السلام به ترتیب حضرت علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام و سپس امام حسین علیه السلام را به عنوان متولی وقف تعیین فرمودند و بعد فرمودند: بعد از امام حسین علیه السلام بزرگ‌ترین فرزند ایشان متولی موقوفات خواهد بود. لذا لازم است واقفین محترم، با دقت متولی موقوفات خود را برای همیشه مشخص کنند.

سه: این حق که واقف می‌تواند برای خود یا دیگری جعل تولیت کند، در صورتی است که در ضمن عقد وقف، چنین شرطی کرده باشد و گرنه بعد از تمامیت وقف، حتی خود واقف حق جعل و عزل متولی وقف را ندارد. مگر در ضمن عقد وقف، چنین شرطی را برای خود قرار داده باشد.^۱

۳. متولی موقوفات فاقد متولی

یک: در صورتی که واقف هنگام عقد وقف، متولی موقوفه را تعیین نکند، یا وقف نامه از بین رفته باشد و یا متولی موقوفه شرایطش را از دست بدهد و مانند آن، بر اساس ماده ۸۱ قانون مدنی در موقوفات عامه، اداره آن طبق نظر ولی فقیه و حاکم شرع و در وقف خاص، موقوف علیه، متولی خواهند بود.^۲ دو: اگر ملکی را مثلاً بر فقرا یا سادات وقف کند یا وقف کند که منافع آن به مصرف خیرات برسد، در صورتی که برای آن ملک متولی معین نکرده باشد، اختیار آن با حاکم شرع است.^۳

سه: مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: تولیت بقاع مبارکه و اوقاف عام که متولی خاصی ندارند با حاکم و ولی امر مسلمین است و این تولیت در حال حاضر به نماینده ولی فقیه در اداره اوقاف و امور خیریه واگذار شده است.^۴

۴. شرایط متولی وقف

متولی وقف باید شرایطی را داشته باشد که عبارتند از: بلوغ، عقل، رشید و امین

۱. وقف در فقه اسلامی، ص ۲۶۷.

۲. وقف از دیدگاه حقوق و قوانین، ص ۱۲۷.

۳. توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)، ج ۲، ص ۶۳۷.

۴. أجوبة الاستفتاءات (فارسی)، ص ۴۹۶.

بودن و هر شرط دیگری که واقف تعیین کند.^۱

۵. حقوق متولی وقف

متولی وقف اعم از این که از طرف واقف نصب شده باشد و یا از طرف حاکم، در صورتی که اجرت خاصی از طرف واقف برای او در برابر اداره امور وقف معین نشده باشد، می تواند اجرت المثل را از درآمدهای وقف برای خودش بردارد.^۲



۱. راهنمای تنظیم وقف نامه، ص ۲۱.

۲. أجویة الاستفتاءات (فارسی)، ص ۴۹۱.



گفتار نهم: تعیین موقوف علیهم

۱. وقف بر فرزندان

قَالَ الصَّادِق (ع): «نَصَدَّقَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِأَمْوَالٍ جَعَلَهَا وَقْفًا... وَ أَوْقَفَهَا عَلَى فَاطِمَةَ (ع)»؛ امام صادق (ع) فرمود: پیامبر خدا ﷺ بخشی از اموالشان را در راه خدا وقف بر دخترشان فاطمه (ع) کردند.^۱

حضرت علی (ع): «وَإِنَّ الَّذِي لِيَنِي فَاطِمَةُ مِنْ صَدَقَةِ عَلِيٍّ (ع) مِثْلُ الَّذِي لِيَنِي عَلِيٌّ»؛ حضرت علی (ع) در وقف نامه خود که مقداری از اموالشان را وقف بر فرزندانشان کردند نوشتند: بهره فرزندان من از حضرت فاطمه (ع)؛ مانند بهره سایر فرزندان من (از سایر همسرانم) می باشد.^۲

نکته ها:

۱. پیامبر اکرم ﷺ بخشی از اموال خود را وقف بر دخترشان فاطمه (ع) کردند و این نشان می دهد که یکی از جهات وقف، وقف بر اولاد است.

۲. بهتر است واقف بین فرزندان خود تبعیض قائل نشود و همه فرزندان را (چه از یک همسر باشند یا از چند همسر) جزء موقوف علیهم قرار دهد، همان گونه که حضرت علی (ع) بین فرزندان فرقی قائل نشدند و بهره همه فرزندان را از موقوفات یکسان قرار دادند.

۳. وقف بر اولاد از نوع وقف خاص است و احکام و شروطی دارد که به برخی از این موارد اشاره می شود:

موقوف علیه، موجود باشد؛ یعنی تمام افراد موقوف علیه یا بعضی از آنها باید در زمان وقف موجود بوده و وقف متصل به آنها شود. لذا اگر واقف مالی را تحت عنوان مثلاً خادمین قدس رضوی وقف کند، چون افرادی الآن با این عنوان وجود دارند، وقف صحیح است و کسانی که بعداً به لباس خادمی حرم ملبس شوند نیز جزء موقوف علیهم به حساب می آیند.

موقوف علیه، معین باشد. بنابراین اگر موقوف علیه را اصلاً مشخص نکند یا بگوید من این مال را وقف یکی از اولادم کردم، او را معین نکند، وقف باطل است.

۱. دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۳۴۱.

۲. همان، ص ۳۴۲.

اگر مسلمانی اموال خود را وقف فقرا به صورت مطلق کند، موقوف فقط به مسلمان می‌رسد و شامل فقیر غیر مسلمان نمی‌شود.

اگر واقف، موقوف علیه را با عنوان مسلمین ذکر کند، تمام مذاهب اهل سنت و تشیع (غیر از فرقی که در حکم کافرند) در موقوف شریک‌اند. ولی اگر با عنوان مؤمنین ذکر کند، فقط شیعیان اثنی عشری، موقوف علیه آن خواهند بود.^۱

۴. وقف بر اولاد احکامی دارد که به برخی از آنان اشاره می‌شود:

به قول مشهور، اگر شخصی مالی را بر کسانی که به طور غالب منقرض می‌شوند، وقف کند و چگونگی مصرف آن را مشخص نکند - مانند وقف بر یک یا چند طبقه از فرزندان - وقف صحیح است، لیکن پس از انقراض موقوف علیهم، در این که مال وقف شده به وارثان واقف بر می‌گردد یا به وارثان موقوف علیهم و یا در امور خیریه صرف می‌شود، اختلاف است. قول نخست، به مشهور نسبت داده شده است.^۲ یعنی مال وقف شده به وارثان وقف بر می‌گردد.

ولی اگر آن را بر افرادی خاص که غالباً و عادتاً منقرض نمی‌شوند؛ مثل نسل خود، نسل به نسل وقف کند و موقوف علیهم بعد از مدتی اتفاقاً منقرض شوند، وقف صحیح است و بعد از انقراض نسل او، موقوف به فقرا و مساکین یا به متعلمین یا مساجد و مشاهد خواهد رسید.^۳

اگر ملکی را بر اولاد ذکورش نسلأ بعد نسل وقف کرده است، فقط اولاد ذکور حق استفاده دارند و اولاد دختر حقی در آن ندارند.^۴

اگر واقف، مالی را برای منسوبین به شخصی وقف نمود، تمام افرادی که از طریق پدر به آن شخص می‌رسند، موقوف علیه خواهند بود؛ خواه مذکر، یا مؤنث. لذا اگر وقف بر سادات کرده است، سید کسی است که از طرف پدر منتسب باشد و انتساب از طرف مادر کافی نیست.^۵

وقف در صورتی صحیح است که مال وقف را به تصرف کسی که برای او وقف شده یا وکیل، یا ولی او بدهند ولی اگر چیزی را بر اولاد صغیر خود وقف کند و به

۱. راهنمای تنظیم وقف‌نامه، ص ۱۷.

۲. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام)، ج ۱، ص ۷۰۷.

۳. راهنمای تنظیم وقف‌نامه، ص ۱۹.

۴. استفتائات باب وقف، ص ۲۱۲، س ۴۱۱.

۵. همان، ص ۱۹، استفتائات باب وقف، ص ۲۱۲، س ۴۱۲.



قصد این که آن چیز ملك آنان شود، از طرف آنان نگهداری نماید وقف صحیح است.^۱

سؤال: زمینی وقف بر اولاد ذکور است، آیا موقوف علیهم می‌توانند آن زمین موقوفه را با زمین دیگری که ملکی است معاوضه نمایند، چون که این زمین نافع‌تر و امکان استفاده و بهره‌برداری از آن برای موقوف علیهم بیشتر است؟

جواب: در فرض بالا تبدیل جایز نیست و اگر معامله کنند معامله باطل خواهد بود، مگر در مواردی که موقوفه از انتفاع ساقط شود و به درد موقوف علیهم نخورد و یا مایه اختلاف و نزاع شدید گردد و ناچار شویم برای رفع اختلاف آن را تبدیل یا تقسیم کنیم.^۲

سؤال: نظر مبارك شما در مورد موقوفه اولاد چیست؟ آیا اولاد می‌توانند آن ملك را مجدداً برای بعضی امور خیریه وقف کنند؟

جواب: وقف مجدد جایز نیست.^۳

اگر ملکی را بر افراد معینی؛ مثلاً بر اولاد خود وقف نماید، چنانچه در آن ملك زراعت و درختکاری کنند و از آن چیزی به دست آورند و از مخارج سال آنان زیاد بیایند، باید خمس آن را بدهند.^۴

متولی وقف همان کسی است که در وقف‌نامه ذکر شده است و اگر متولی خاصی برای آن تعیین نشده است، تولیت اوقاف بدون متولی با حاکم شرع است.^۵

۲. وقف بر خویشاوندان

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ «صَدَقَتُكَ عَلَى الْفَقِيرِ صَدَقَةٌ وَعَلَى الْأَقْرَبَاءِ صَدَقَتَانِ لِأَنَّهَا صَدَقَةٌ وَصِلَةُ الرَّحِمِ»؛ پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: صدقه دادن برای نیازمندان غیر خویشاوند فقط پاداش صدقه را دارد، ولی صدقه دادن برای نیازمندان از اقوام و خویشان دو پاداش دارد: پاداش صدقه، پاداش صله رحم. (چون وقف مصداق

۱. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۶۳۳.

۲. استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص ۳۰۵.

۳. همان، ج ۲، ص ۴۳۸.

۴. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۱۰.

۵. استفتاءات باب وقف، ص ۲۱۲، س ۴۱۱ و ۴۱۳.



کامل صدقه است، همین حکم را دارد).^۱

قَالَ الصَّادِق (ع): «قَالَ تَصَدَّقْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (ع) بِدَارِهِ الَّتِي فِي الْمَدِينَةِ فِي بَنِي زُرَيْقٍ فَكَتَبَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا تَصَدَّقَ بِهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَهُوَ حَيٌّ سِوَى تَصَدَّقَ بِدَارِهِ الَّتِي فِي بَنِي زُرَيْقٍ صَدَقَةٌ لَا تَبَاعُ وَلَا تُوَهَّبُ وَلَا تُورَثُ حَتَّى يَرِثَهَا اللَّهُ الَّذِي يَرِثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَسْكَنْ هَذِهِ الصَّدَقَةَ خَالَاتِهِ مَا عِشْنَ وَعَاشَ عَقِيبُهُنَّ فَإِذَا انْقَرَضُوا فَهِيَ لِدَوَى الْحَاجَةِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ شَهَدَ اللَّهُ»؛ امام صادق (ع) فرمود: حضرت علی (ع) منزلی در منطقه بنی زریق مدینه داشت و تصمیم گرفت آن را وقف کند. نوشت: به نام خداوند بخشنده مهربان؛ این ملکی است که علی بن ابیطالب آن را وقف می‌کند، در حالی که زنده و سالم است. لذا کسی حق فروش و یا بخشش آن را ندارد، نیز کسی آن را به ارث نخواهد برد، تا اینکه خدایی که وارث آسمان‌ها و زمین است آن را به ارث برد، این خانه وقف بر خاله‌های من و نسل‌های بعدشان است، لذا تا مادامی که کسی از آن‌ها وجود دارد، ساکن آن خواهند بود، ولی هرگاه منقرض شدند و کسی از آنان باقی نماند، وقف نیازمندان خواهد بود. خداوند بر این وقف شاهد است.^۲

نکته‌ها

پیوند با خویشاوندان و نیکی به آنان به ویژه پدر و مادر، از راه‌های مهم رشد و تعالی در همه زمینه‌ها و تقرب به خدای سبحان است که پس از ایمان به خدا از بافضیلت‌ترین اعمال دینی به شمار می‌آید و اجرو پاداش مادی و معنوی فراوانی دارد. قطع رابطه با خویشاوندان هم نوعی پیمان شکنی با خدای سبحان به شمار می‌آید و آن چنان نزد خدا منفور است که از مصاحبت و همراهی با قاطع رحم (کسی که ارتباط با خویشاوندان را قطع کند) نهی شده و خدای سبحان در سه جای قرآن او را لعن و نفرین کرده است.^۳ یکی از بهترین شکل‌ها و قالب‌های پیوند با خویشاوندان حمایت مالی از خویشاوندان به صورت وقف است. حضرت علی (ع) بخشی از موقوفات خود را به خویشاوندان نیازمند خود مثل خاله‌های خود اختصاص دادند.

۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۷، ص ۱۹۵.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۴۸.

۳. مفاتیح الحیاء، ص ۲۱۱، با اندکی تلخیص.



۳. وقف بر نیازمندان

قَالَ الْبَاقِرُ (ع): «مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِرَجُلٍ يَغْرِسُ غَرْسًا فِي حَائِطٍ لَهُ فَوَقَفَ لَهُ وَقَالَ أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى غَرْسٍ أَثْبَتَ أَصْلًا وَأَسْرَعَ إِنْبَاعًا وَأَطْيَبَ ثَمَرًا وَأَبْقَى، قَالَ: بَلَى فَدَلَّنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ: إِذَا أَضْبَحْتَ وَأَمْسَيْتَ فَقُلْ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ فَإِنَّ لَكَ إِنْ قُلْتَهُ بِكُلِّ تَسْبِيحَةٍ عَشْرَ شَجَرَاتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ أَنْوَاعِ الْفَاكِهَةِ وَهُنَّ مِنَ الْبَاقِيَّاتِ الصَّالِحَاتِ، قَالَ: فَقَالَ الرَّجُلُ فَإِنِّي أَشْهَدُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنَّ حَائِطِي هَذَا صَدَقَةٌ مَقْبُوضَةٌ عَلَى فَقَرَاءِ الْمُسْلِمِينَ أَهْلِ الصَّدَقَةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ آيَاتٍ مِنَ الْقُرْآنِ «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى! وَصَدَّقَ بِالْخُسْنِ! فَسَنَسِيرُهُ لِلْيُسْرَى»؛

حضرت باقر (ع) فرمود: رسول خدا ﷺ به مردی گذر کرد که در باغش درخت می‌کاشت. پس آن حضرت ﷺ نزدش ایستاد و فرمود: تو را راهنمایی نکنم بر کشت درختی که ریشه‌اش پا برجاست و میوه‌هایش زود رس‌تر و بهتر و پابنده‌تر باشد؟ عرض کرد: چرا مرا راهنمایی فرما ای رسول خدا، حضرت فرمودند: صبح‌گاهان و شام‌گاهان بگو: «سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله أكبر». در این صورت خداوند به تعداد هر تسبیحی که بگویی ده درخت از انواع درختان برای تومی‌کارد. و این تسبیحات جزء کارهای نیک ماندگار می‌باشد.

امام محمد باقر (ع) فرمود: پس آن مرد گفت: پس من شما را گواه گرفتم که این باغ من صدقه قبض شده و وقف باشد بر فقرای از مسلمانان که مستحق صدقه باشند. پس خدای عزوجل آیاتی از قرآن را نازل کرد: اما آن کس که (در راه خدا) انفاق کند و پرهیزگاری پیش گیرد، و جزای نیک (الهی) را تصدیق کند، ما او را در مسیر آسانی قرار می‌دهیم!^۱

عن علی (ع): «صَدَقَةُ اللَّهِ تَعَالَى يَوْمَ تَبْيَضُ وُجُوهٌُ وَتَسْوَدُ وُجُوهٌُ، لِيَصْرِفَ اللَّهُ بِهَا وَجْهِي عَنِ النَّارِ، صَدَقَةٌ بَتَّةً بَتْلَةً فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى، لِلْقَرِيبِ وَالْبُعِيدِ»؛ حضرت علی (ع) در وقف‌نامه یکی از موقوفاتشان نوشتند: این، صدقه‌ای است برای خداوند متعال به خاطر روزی که در آن، عده‌ای روسپید و عده‌ای روسیاه می‌شوند، تا خداوند به واسطه آن [صدقه]، چهره مرا از آتش، دور گرداند. صدقه‌ای است قطعی و مسلم در راه

خداوند متعال برای خویش و بیگانه، در زمان صلح و جنگ و برای یتیمان و مستمندان و آزادی بردگان^۱.

حضرت علی علیه السلام: «هِيَ صَدَقَةٌ عَلَى الْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَذَوَى الْحَاجَةِ الْأَقْرَبِ»؛ حضرت علی علیه السلام زمینی را که دارای چشمه های فراوان بود وقف نیازمندان، در راه ماندگان و نیازمندان نزدیک خود کردند.^۲

نکته ها

توجه و رسیدگی به امور تهیدستان (اعم از معلولان، یتیمان، از کارافتادگان، بیماران و مانند آن) به قدری مهم است که خدا در قرآن به آن سفارش اکید فرموده^۳ و برای رسیدگی به کار آنان، پاداش های دنیوی و اخروی فراوانی قرار داده که بخشش گناهان آدمی یکی از آن هاست.^۴ دین مبین اسلام برای فقرزدایی از جامعه راهکارهای فراوانی پیشنهاد کرده است که اگر به آن ها عمل شود، فقر از جامعه برچیده می شود. یکی از اساسی ترین این راهکارها وقف بر فقرا است. زیرا با وقف پستوانه ای همیشگی برای فقرا برقرار می شود و فاصله طبقاتی بین ثروتمندان و فقرا کاسته می شود.

به همین علت است که می بینیم حجم زیادی از موقوفات صدر اسلام به فقرا اختصاص داده شده است. علتش شرایط حاد اقتصادی است که در صدر اسلام بر مسلمانان، به ویژه مسلمانان مهاجر به مدینه حاکم بود. همین طور شرایط دشوار اقتصادی بنی هاشم و خاندان اهل بیت علیهم السلام سبب شده بود تا اهل بیت علیهم السلام بیشترین موقوفات خود را به بنی هاشم و نیازمندان اختصاص دهند. سؤال: این جانب ملکی را وقف کرده ام که درآمدش به مصرف فقرا برسد، ولی تعیین نشده که به نسبت افراد تقسیم شود یا به نسبت خانوار، تکلیف چیست؟ جواب: در فرض مرقوم به هر نحو خواستید زیر نظر متولی شرعی تقسیم نمایید، مانع ندارد.^۵

اگر مثلاً مالی را بر فقرا وقف کند و خودش فقیر شود، می تواند از منافع وقف

۱. حکمت نامه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، ج ۱۳، ص ۱۱۰.

۲. مکاتیب الأئمة علیهم السلام، ج ۲، ص ۳۶۶.

۳. بقره، ۸۳ و ۱۷۷، نساء، ۳۶، کهف، ۷۹، حج، ۲۷ و ۲۸ و ۳۶.

۴. بقره، ۲۷۱.

۵. استفتاءات (امام خمینی)، ج ۲، ص ۳۵۱.



استفاده نماید. یا اگر مثلاً مدرسه یا مزرعه‌ای را وقف بر طلاب کند و خودش طلبه باشد، می‌تواند مانند سایرین از منافع وقف استفاده نماید.^۱

مسئله ۲۶۸۶: اگر ملکی را مثلاً بر فقرا یا سادات وقف کند یا وقف کند که منافع آن به مصرف خیرات برسد، در صورتی که برای آن ملك متولی معین نکرده باشد، اختیار آن با حاکم شرع است.^۲

اگر ثابت شود که واقف در ضمن عقد وقف شرط کرده که اگر یکی از موقوف علیهم فقیر و نیازمند شد، بتواند سهم خود را به یکی دیگر از موقوف علیهم بفروشد، بیع کسی که سهم خود از وقف را بر اثر فقر و احتیاج فروخته اشکال ندارد و بیع او در این صورت محکوم به صحت است.^۳

مسئله ۲۶۸۴: اگر چیزی را بر خودش وقف کند؛ مثل آن که دکانی را وقف کند که عایدی آن را بعد از مرگ او خرج مقبره‌اش نمایند، صحیح نیست. ولی اگر مثلاً مالی را بر فقرا وقف کند و خودش فقیر شود، می‌تواند از منافع وقف استفاده نماید.^۴

۴. آزادسازی بردگان

ابو الحسن محمد بن ابی عبد الله هروی نقل می‌کند: مردی از بلخ با غلام خود، به زیارت حضرت رضا علیه السلام آمد. پس از زیارت، آقا طرف سر مبارک و غلام سمت پای مبارک امام علیه السلام به نماز ایستادند، پس از نماز هر دو به سجده رفته، سجده‌ای طولانی کردند. صاحب غلام قبل از غلام خود سر از سجده برداشت. او را صدا زده غلام سر برداشته، گفت: چه می‌فرمایید.

صاحبش گفت: میل داری تو را آزاد کنم. گفت: آری. گفت تو در راه خدا آزادی و کنیزم فلانه کس در بلخ نیز در راه خدا آزاد است او را به ازدواج تو در آوردم و مهر این عقد را فلان مبلغ خودم متعهد پرداخت هستم و باغ فلان جا که ملك من است وقف بر شما دونفرو اولاد و اولاد اولاد شما کردم تا وقتی که نسلی از شما باشد و این امام علیه السلام را گواه و شاهد می‌گیرم.

۱. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۶۳۶.

۲. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۶۳۷.

۳. أجوبة الاستفتاءات (فارسی)، ص ۵۱۹.

۴. توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)، ج ۲، ص ۶۳۶.

غلام شروع به گریه کرده گفت: به خدا قسم و به همین امام سوگند که در سجده جز همین حاجت‌ها چیزی نخواستم اکنون مستجاب شدن آن دعاها و نیازها را به این سرعت می‌بینم.^۱

نکته‌ها

۱. هر چند علی‌الظاهر این روایت ارتباطی به فعل معصوم ندارد، ولی نقل این داستان به روشنی دلالت دارد که استجابت دعای این برده و آزادسازی او توسط مالکش به همراه وقف باغ بر اولاد او جز با تصرف ولایی حضرت علی بن موسی الرضا (ع) صورت نگرفته است.

۲. شاید امروزه برده رسمی مانند گذشته وجود نداشته باشد. اما شاید بتوان با الغاء خصوصیت از این روایت و روایات مشابه آن، محبوبیت آزادسازی زندانیان مالی‌ای که بدون تقصیر در زندان به سر می‌برند را استفاده کرد. مثل زندانیان دیه و مانند آن. لذا واقفین محترم می‌توانند موقوفاتی را به آزادسازی این‌گونه زندانیان اختصاص دهند.

۵. وقف بر مسجد

﴿إِنَّمَا يَعْزُمُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ﴾؛ مساجد خدا را تنها کسی آباد می‌کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده، و نماز را برپا دارد، و زکات را بپردازد، و جز از خدا نترسد؛ امید است چنین گروهی از هدایت یافتگان باشند.^۲

پیامبر اعظم (ص): ﴿إِنَّ مِمَّا يَلْحَقُ الْمُؤْمِنَ مِنْ عَمَلِهِ وَحَسَنَاتِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ عِلْمًا عَلَيْهِ وَنَشْرُهُ، وَوَلَدًا صَالِحًا تَرْكُهُ، أَوْ مَصْحَفًا وَرَثَتُهُ، أَوْ مَسْجِدًا بَنَاهُ، أَوْ بَيْتًا لِابْنِ السَّبِيلِ بَنَاهُ، أَوْ نَهْرًا أَجْرَاهُ، أَوْ صَدَقَةً أَخْرَجَهَا مِنْ مَالِهِ فِي صَحَّتِهِ وَحَيَاتِهِ يَلْحَقَهُ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهِ﴾؛ از اعمال و حسنات مؤمن، آنچه پس از مرگش [ثوابش] به او می‌رسد، دانشی است که تعلیم می‌دهد و منتشر می‌کند، یا فرزند صالحی است که از خود بر جای می‌گذارد، یا مصحفی است که به ارث می‌گذارد، یا مسجدی است که می‌سازد، یا خانه‌ای است که برای مسافران می‌سازد، یا نهری است که حفر می‌کند، یا صدقه‌ای است

۱. زندگانی حضرت امام رضا (ع)، ص ۲۹۶.

۲. توبه، ۱۸.



که در زمان تندرستی و حیات از دارایی خود برقرار می‌سازد. [ثواب اینها] بعد از مرگش به او می‌رسد.^۱

عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَذَّاءِ قَالَ: «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ مَنْ بَنَى مَسْجِدًا بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ قَالَ أَبُو عُبَيْدَةَ فَمَرَّ بِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ فِي طَرِيقِ مَكَّةَ وَقَدْ سَوَّيْتُ بِأَحْجَارٍ مَسْجِدًا فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ تَرْجُو أَنْ يَكُونَ هَذَا مِنْ ذَلِكَ فَقَالَ نَعَمْ»؛ شنیدم ابو عبد الله صادق علیه السلام می‌گوید: هر که در دنیا مسجدی بنا کند، خداوند در بهشت برایش خانه‌ای بنا می‌کند. من در راه مکه با چیدن سنگ‌ها مسجدی می‌ساختم که ابو عبد الله صادق بر من گذشت، به آن حضرت گفتم: قربانت شوم. امیدوارم که این مسجد از همان مساجد باشد. ابو عبد الله گفت: بلی.^۲

نکته‌ها

۱. اسلام به ساخت مراکز دینی و فرهنگی به خصوص مسجد عنایت خاص دارد و برای ساخت آن ثواب‌های زیادی قرار داده است. به فرموده امام باقر علیه السلام هر کسی به اندازه‌ی لانه کبوتری مسجدی بسازد، خداوند در بهشت برای او خانه‌ای می‌سازد.^۳ اندازه‌ی لانه کبوتر می‌تواند کنایه از ساخت مسجد به طور مشارکتی باشد؛ یعنی همه مسلمانان در ساخت و توسعه مسجد مشارکت داشته باشند هرچند سهمشان به اندازه‌ی لانه کبوتری باشد. بنابراین باید هر مسلمانی حداقل یک سهم موقوفه به نام وقف داشته باشد.

۲. بر اساس آیه‌ی شریفه، ساخت مسجد جزء محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند است. تعبیر خداوند به «یعمر» که فعل مضارع و دال بر استمرار است. نشان می‌دهد که خداوند از مؤمنین می‌خواهد همراه با توسعه شهرها و احداث مجموعه‌های مسکونی، ساخت شهرک‌ها و شهرهای جدید و در کنار بزرگراه‌ها و جاده‌های کشور از ساخت مسجد غفلت نکنند. همان‌گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در جریان هجرت از مکه به مدینه، چهار روز در محل قبا توقف کرد و در همان ایام نخستین مسجد را بنا کرد^۴ و پس از ورود به مدینه نیز اولین اقدام ایشان ساختن مسجد النبی در آن شهر بود. حتی خود، معماری آن را به عهده گرفت

۱. حکمت نامه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم، ج ۴، ص ۲۹۱

۲. گزیده کافی، ج ۲، ص ۲۷۸.

۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۵.

۴. سیره اخلاقی معصومین علیهم السلام، ص ۱۰۲، به نقل از: السیره النبویه، ج ۲، ص ۱۳۹.

و امیرمؤمنان (علیه السلام) عمار، یاسر و سایر مسلمانان در ساختمان مسجد شرکت داشتند.^۱ بنابراین در تاریخ اسلام پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) اولین واقف و مسجد قبا و مسجد النبی (صلی الله علیه و آله) اولین موقوفات می باشد.^۲

۳. سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) نشان می دهد که قبل از ساخت منازل مسکونی و شهرها و شهرک ها باید به فکر ساخت مسجد بود، چه قدر به این سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) عمل می کنیم؟

۴. جای بسی تأسف و شرمندگی است که امروزه بسیاری از شهرها و شهرک های جدید و مجموعه های مسکونی و بسیاری از راه های کشور یا به کلی فاقد مسجد هستند و یا با کمبود شدید مسجد مواجه هستند. در حالی که در محله های قدیمی شهرها شاهد فراوانی مسجد هستیم. آیا قدرت مالی مردمان امروز، از مردان دیروز کمتر است یا دلبستگی مردمان امروز به دنیا و انباشته سازی اموال، بیشتر شده است؟! آیا ما فقط در دنیا نیاز داریم یا بعد از مرگ که با زندگی ابدی و بی پایانی که جای عمل و جبران هم نیست نیاز بیشتری داریم؟! راستی برای زندگی ابدی خود چه اندوخته ای تدارک دیده ایم؟! و اگر قرار است چیزی برای آخرت خود تدارک ببینیم چه چیزی از ساخت مسجد - چه به صورت انفرادی و یا اشتراکی - بهتر و ماندگارتر؟!

سؤال: آیا جایز است لوازم مسجد از قبیل کولر، بلندگو و فرش جهت استفاده شخصی فاتحه و عروسی و یا استفاده ی پیشنهاد مسجد از مسجد خارج شود؟
جواب: تابع کیفیت وقف است، اگر برای استفاده در مسجد وقف شده، بیرون بردن از مسجد جایز نیست.^۳

۶. وقف برای کمک به تأمین مخارج مساجد

عَنْ أَبِي الصَّخَاكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ: «قُلْتُ لَهُ رَجُلٌ اشْتَرَى دَاراً فَبَنَاهَا فَتَقَيَّتْ عَرَصَةً فَبَنَاهَا بَيْتَ غَلَةٍ أُيُوقَفُ عَلَى الْمَسْجِدِ قَالَ: إِنَّ الْمَجُوسَ وَقَفُوا عَلَى بَيْتِ النَّارِ؛ ابي ضحاک می گوید: از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم: شخصی خانه ای

۱. همان، ص - ۱۴۱ ۱۴۲.

۲. وقف در فقه اسلامی، ص ۴۲۲.

۳. استفتاءات (امام خمینی)، ج ۲، ص ۳۴۵.



خریده است و آن را ساخته است، مقداری از زمین آن باقی مانده بود که در آن انبار غله‌ای ساخت، آیا جایز است (درآمد) آن را وقف مسجد کند؟ آن حضرت در پاسخ فرمود: مجوسیان برای آتشکده خود وقف می‌کنند، چگونه جایز نباشد که شما برای مسجد وقف کنید.^۱

امروزه مساجد برای تداوم حیات خود، به ویژه در شهرها و ایفای نقشی که از آن انتظار می‌رود، نیازمند پشتوانه‌های مالی مستقل هستند و دولتی شدن مساجد در تأمین بودجه‌های مورد نیاز به مصلحت نیست. زیرا ممکن است گاهی دولت‌هایی بر سر کار بیایند که با دین و مراکز دینی میانه خوبی نداشته باشند، یا ممکن است گاهی دولت‌ها با بحران اقتصادی و کمبود اعتبار و بودجه مواجه شوند، یا ممکن است از مساجد استفاده ابزاری در راستای منافع حزبی و شخصی خود ببرند.

از طرفی مساجد برای تأمین هزینه‌های مربوط به آب، برق، گاز، تعمیرات، خادم، امام جماعت، برگزاری مراسم‌های مذهبی، وعظ و سخنرانی، اطعام فقرا و مؤمنین در مسجد، تعلیم علوم و معارف دینی به جوانان و مانند آن، نیاز به منابع درآمدی پایدار دارد. بهترین منبع درآمد پایدار، برای تأمین هزینه‌های مساجد، وقف می‌باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود در ساخت مساجد جدید التأسیس، چند واحد تجاری در نظر گرفته شود و مساجد در مکان‌هایی ساخته شوند که امکان استفاده تجاری از مغازه‌های آن وجود داشته باشد. همین‌طور پیشنهاد می‌شود مردم متدین با وقف کردن منزل و یا مغازه تجاری برای تأمین هزینه‌های مساجد، مساجد را در این زمینه یاری کنند.

پویایی و ایفای نقش مساجد در گرو استقلال مالی و اقتصادی مساجد است. سؤال: در نزدیکی يك مسجد خانه‌ای وجود دارد که صاحبش آن را برای سکونت امام جماعت مسجد وقف کرده است، ولی در حال حاضر به علت کثرت عایله و مراجعه کنندگان و دلایل دیگر مناسب سکونت او نیست و خود امام جماعت هم منزلی دارد که در آن زندگی می‌کند و احتیاج به تعمیرات دارد و برای ساخت آن مقداری وام گرفته است، آیا جایز است خانه موقوفه را اجاره دهد و پول اجاره آن را برای پرداخت بدهی‌های خانه‌ای که در آن ساکن است و انجام تعمیرات آن، مصرف نماید؟

جواب: اگر خانه به صورت وقف انتفاع، برای سکونت امام جماعت مسجد وقف شده باشد، شرعاً او حق اجاره دادن آن را ندارد هر چند به قصد استفاده از اجاره آن برای پرداخت دیون و تعمیر منزل مسکونی اش باشد و اگر آن خانه به خاطر کوچکی، نیاز او را برای سکونت خانواده اش و آمدن مهمان و پاسخگویی به مراجعه کنندگان برطرف نمی‌کند، می‌تواند از آن در بعضی از ساعات روز یا شب مثلاً برای پاسخگویی به مراجعه کنندگان استفاده کند و یا آن که خانه مزبور را به امام جماعت دیگری بدهد تا در آن سکونت کند.^۱

سؤال: خانه‌ای توسط شخص خیری در زمینی که ملک مسجد است احداث شده است. خانه مذکور وقف شرعی گردیده مقتداً به اینکه امام جماعت همان مسجد در آن سکونت نماید. آیا شارع مقدس اسلام اجازه می‌دهد دیگری در آن خانه سکنا گزیند و در صورت عدم سکونت امام راتب مسجد آیا شرعاً اجازه دادن آن جایز است؟

جواب: تا ممکن است باید امام مسجد از آن استفاده کند و اگر ممکن نشد اجاره دهند و مال الاجاره آن برای امام مسجد استفاده شود و اگر امام مسجد نیاز ندارد در سایر حواجج مسجد مصرف گردد.^۲

سؤال: آیا جایز است همسایگان مسجد از برق آن برای جوشکاری آهن ساختمان‌های خود استفاده کنند و پول مصرف برق و حتی بیشتر از آن را به مسئولین اداره امور مسجد بپردازند؟ و آیا جایز است مسئولین مسجد، اجازه استفاده از برق آن را بدهند؟

جواب: استفاده از برق مسجد برای کارهای شخصی جایز نیست و مسئولین مسجد هم جایز نیست چنین اجازه‌ای را بدهند.^۳

سؤال: منبری برای مسجد وقف شده است، ولی به علت ارتفاع زیاد عملاً قابل استفاده نیست، آیا تبدیل آن به منبر مناسب دیگری جایز است؟

جواب: اگر با شکل خاص فعلی آن در این مسجد و یا مساجد دیگر قابل استفاده نیست، تغییر شکل آن اشکال ندارد.^۴

۱. أوجوبة الاستفتاءات (فارسی)، ص ۵۰۶.

۲. استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص ۲۹۸.

۳. أوجوبة الاستفتاءات (فارسی)، ص ۵۰۵.

۴. همان، ص ۵۲۰.



۷. وقف برای بارگاه و حرم اولیای خدا

«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّرِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ»؛ بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم، جز دوست داشتن نزدیکانم [اهل بیت] و هر کس کار نیکی انجام دهد، بر نیکی اش می‌افزایم؛ چرا که خداوند آمرزنده و سپاسگزار است.^۱

«مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ إِخْرَاجِ الدَّرَاهِمِ إِلَى الْإِمَامِ وَإِنَّ اللَّهَ لَيَجْعَلُ لَهُ الدَّرَاهِمَ فِي الْجَنَّةِ مِثْلَ جَبَلٍ أُحُدٍ ثُمَّ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ فِي كِتَابِهِ «مَنْ ذَا الَّذِي يُفْرِضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً»، قَالَ هُوَ وَاللَّهُ فِي صَلَهِ الْإِمَامِ خَاصَّةً؛ هیچ چیز نزد خداوند محبوب‌تر از هزینه کردن مال در راه امام علیه السلام نیست. خداوند متعال هر درهمی از این مال را در بهشت به اندازه کوه احد قرار می‌دهد. خداوند در قرآن می‌فرماید: کیست که به خداوند متعال قرض الحسنه بدهد و بخشی از اموالش را در راه خدا هزینه کند تا خداوند آن را برای دهنده‌اش چندین برابر گرداند. سپس امام علیه السلام فرمودند: به خدا قسم منظور از قرض دادن به خدا این است که شخص مالی را به امامش رسانده و هدیه کند.^۲

امام صادق علیه السلام: «وَرَهْمٌ يُوصَلُ بِهِ الْإِمَامُ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ أَلْفٍ دِرْهَمٍ يُنْفَقُ فِي غَيْرِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»؛ یک درهم در راه تقویت ارتباط با امام علیه السلام اگر هزینه شود از میلیون‌ها درهمی که در سایر راه‌های خدا هزینه شود بهتر است.^۳

نکته‌ها

۱. ساخت بارگاه و یا مسجد در جوار اولیای خدا (اعم از انبیا، ائمه، امام زاده‌ها، علما، شهدا) سابقه بسیار دیرینه‌ای دارد. قرآن در حکایت سرنوشت اصحاب کهف می‌فرماید: هنگامی که وضع اصحاب کهف برای مردم آن زمان روشن شد، مردم جلوی غار آمدند و به منظور بزرگداشت آنان گروهی درباره مدفن آن‌ها گفتند: بروی قبر آنان بنایی بسازید، گروه دیگر که در این کار پیروز شده بودند، گفتند: مدفن ایشان را به عنوان مسجد انتخاب می‌کنیم.^۴

همین‌طور حضرت اسماعیل و مادرش هاجر در حجر اسماعیل، دانیال، هود،

۱. شوری، ۲۳.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۵۳۷.

۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷۳.

۴. کهف، ۲۱.

صالح، یونس و ذوالکفل در عراق و ابراهیم خلیل الرحمن، اسحاق، یعقوب و یوسف و از همه مهم‌تر پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله دارای نشانه و بنا و بارگاه هستند.^۱

۲. مودّت به معنای محبتی است که اثرش در گفتار و رفتار انسان ظاهر شود.^۲ بنابراین وقف برای ساخت، توسعه، حفظ و مرمت بارگاه آنان، تأمین هزینه‌های بارگاه آنان، خدمت‌رسانی فرهنگی و رفاهی به زوار معصومین علیهم السلام، توسعه فرهنگ آنان و وقف برای برگزاری مراسم‌های شهادت، ولادت و توسل به آن حضرات از مهم‌ترین جلوه‌های ابراز محبت به اولیای خداست. ضمن این‌که خدمت‌رسانی به زوار اولیای خدا امری لازم و خدایستدانه است. لذا لازم است امکانات اقامتی، آموزشی، تربیتی، فرهنگی، رفاهی، غذایی و مانند آن برای زوار اولیاء خدا در نظر گرفته شود و استفاده از راهکار وقف بهترین شیوه در این زمینه می‌باشد.

خوشبختانه امروزه کشور ما که متعلق به اهل بیت علیهم السلام است، غیر از حرم مطهر امام رضا علیه السلام، حضرت معصومه علیها السلام و حضرت عبدالعظیم علیه السلام (که هریک دارای موقوفات فراوانی در سطح کشور می‌باشند)، دارای هشت هزار بقعه متبرکه - با صد میلیون زائر سالانه - و حدود صد هزار موقوفه بوده و از این محل، محل درآمد هزار و ششصد میلیارد ریالی را تجربه می‌کند.^۳

۳. بر اساس روایات فوق ارزش وقف کردن در راستای اهل بیت علیهم السلام از انفاق کردن در سایر راه‌های خیر ارزشمندتر است. شاید علت آن این باشد که مسأله ولایت‌پذیری اهل بیت علیهم السلام نیز در مقایسه با سایر عبادات مهم‌تر است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: اسلام بر پنج چیز استوار شده است: نماز، روزه، زکات، حج، جهاد و ولایت‌پذیری. در میان این پنج چیز، هیچ‌کدام اهمیت ولایت‌پذیری را ندارد.

سؤال: ساختمان حسینیه‌ای فرسوده در یکی از محلات شهر قرار گرفته که مورد نیاز آموزش و پرورش جهت واحد آموزشی است آیا اداره اوقاف و یا متولّی حسینیه می‌تواند آن را اجاره دهد به طوری که در ایام عزاداری حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام مورد بهره‌برداری باشد و بقیه ایام هم آموزش و پرورش از آن

۱. آیین و هابیت، ص ۵۰؛ دانستنی‌های جوانان، ص ۸۵.

۲. تفسیر و شرح صحیفه سجاده، ج ۳، ص ۳۲۵؛ کانون مهرورزی، ج ۱، ص ۱۰۱.

۳. کارگاه آموزشی نگرشی دیگر به وقف، ص ۶.



بهره برداری نماید؟

جواب: استفاده از حسینیة در غیر جهت وقف جایز نیست.^۱

سؤال: شخصی ملک خود را برای برپایی مجالس عزاداری سید الشهدا علیه السلام در روستا وقف کرده است، ولی در حال حاضر متولّی وقف، توانایی اقامه عزا در روستای مذکور در وقف نامه را ندارد، آیا جایز است در شهری که در آن اقامت دارد مجالس عزاداری برگزار کند؟

جواب: اگر وقف، مخصوص اقامه مجالس عزاداری در همان روستا باشد، تا زمانی که عمل به وقف هر چند با گرفتن وکیل برای آن، در همان روستا ممکن باشد، حق ندارد آن مجالس را به جای دیگر انتقال دهد، بلکه واجب است فردی را نایب بگیرد تا در آن روستا مجالس عزاداری برپا کند.^۲

سؤال: درخت توتی است سر کوجه که چندین سال است از عمر وقفیت آن می گذرد و فعلاً مزاحمتی برای عابرین فراهم نموده آیا اجازه می فرمایید که قطع کنند و قیمت آن را به مصرف امور خیریه برسانند یا نه؟

جواب: تغییر وقف جایز نیست، چنانچه بعضی از شاخه های آن مزاحم عابرین است رفع مزاحمت به قطع آن شاخه ها جایز است.^۳

سؤال: موقوفه ایست که مصرف آن کمک به زوّار کربلای معلّی است و به لحاظ این که سال ها است این نوع مصرف معطل مانده آیا می توان در راه کمک به زوّار مشهد مقدّس صرف نمود؟

جواب: در جهتی که برای امام حسین علیه السلام باشد، مانند: روضه خوانی برای سید الشهدا و یا زوّاری که از راهنمای غیر متعارف هر چند از کشورهای دیگر به کربلا می روند مصرف شود.^۴

فرشی را که برای حسینیة وقف کرده اند، نمی شود برای نماز به مسجد ببرند، اگرچه آن مسجد نزدیک حسینیة باشد.^۵

۱. استفتاءات (امام خمینی)، ج ۲، ص ۳۵۶.

۲. أجوبة الاستفتاءات (فارسی)، ص ۵۰۵.

۳. مجمع المسائل (کلبایگانی)، ج ۲، ص ۴۲۵.

۴. استفتاءات (بهجت)، ج ۴، ص ۲۶۵.

۵. توضیح المسائل (امام خمینی)، ص ۵۷۲.

گفتار دهم: عمل برابر وقف نامه

وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ قَالَ: «كَتَبْتُ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عليه السلام فِي الْوَقْفِ فَوَقَّعَ عليه السلام الْوُقُوفَ عَلَى حَسَبِ مَا يُوقِفُهَا أَهْلُهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ»؛ محمد بن حسن صفار می گوید: به امام حسن عسکری عليه السلام نامه نوشتم و از ایشان راجع به وقف پرسیدم. آن حضرت در پاسخ نوشت: ان شاء الله در اموال وقفی باید برابر همان چیزی که واقف آن را وقف کرده است عمل شود.^۱

نکته ها

بر اساس این روایت، متولیان موقوفات باید نهایت سعی و تلاش خود را برای عمل کردن به وقف نامه و پیاده سازی نیت واقفان به کار ببندند. لذا تلاش برای به دست آوردن نیت واقفان در مرحله اول و عمل به آن در مرحله دوم بسیار مهم است. متولیان موقوفات باید موقوفه را به منزله امانتی در دست خود بدانند و احساس مالکانه نسبت به موقوفات نداشته باشند.

به چند فتوا از مراجع عظام تقلید در این زمینه توجه کنید.

اگر کسی چیزی را وقف کند، از ملك او خارج می شود و خود او و دیگران نمی توانند آن را ببخشند، یا بفروشند و کسی هم از آن ملك ارث نمی برد. بنابراین حق هیچ نوع تصرفی در آن را ندارد و نمی تواند آن را به کسی ببخشد یا بفروشد یا دوباره آن را وقف کند یا جهت وقف را عوض کند؛ مثلاً نمی تواند حسینیّه را مسجد قرار دهد؛ حتی اگر در حین وقف برای آن متولی تعیین نکرده باشد، بعداً حق تعیین متولی یا دخل و تصرف در امور وقف را ندارد و اگر واقف فوت کند، ورثه او از چیزی که وقف کرده ارث نمی برند، همان طور که وصیت در مورد آن صحیح نیست.^۲

سؤال: درآمد موقوفه ها در چه راهی باید مصرف شود و تغییر مصرف آن در چه صورتی جایز است؟

جواب: طبق اصل مسلم و روایت معروف «الوقوف علی حسب ما یوقفها اهلها» باید درآمد موقوفه را طبق همان چیزی که در وقف نامه تصریح شده به کار

۱. عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه، ج ۳، ص ۲۶۱.

۲. توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)، ج ۲، ص ۶۳۰.



گیرند، مگر آن‌که در يك يا چند بند قابل عمل نباشد؛ مثلاً ظرف مسی در عصر و زمان ما تبدیل به ظروف دیگر می‌شود.^۱

عزل بعضی از متولیان وقف توسط متولیان دیگر صحیح نیست، مگر جایی که واقف برای او چنین حقی را قرار داده باشد.^۲

سؤال: آیا جایز است فردی غیر از متولی شرعی وقف با دخالت در امور وقف و تصرف در آن و تغییر شرطهایی که در صیغه وقف ذکر شده برای متولی شرعی آن ایجاد مزاحمت کند، و آیا جایز است از متولی بخواهد تا زمین موقوفه را به شخصی که متولی، او را صالح نمی‌داند، تحویل دهد؟

جواب: اداره امور وقف طبق آن‌چه که واقف در انشاء وقف مقرر کرده، فقط بر عهده متولی شرعی خاص است و اگر متولی خاصی از طرف واقف نصب نشده باشد، اداره امور وقف بر عهده حاکم مسلمین است و کسی حق دخالت در آن را ندارد، هم چنان که کسی حتی متولی شرعی، حق تغییر وقف از جهت آن و هم چنین تغییر و تبدیل شرایط مذکور در انشاء وقف را ندارد.^۳

سؤال: عده‌ای از افراد بدون اجازه متولی خاص، اقدام به تخریب کتابخانه واقع بین اتاق مدرسه مسجد جامع و آشپزخانه حسینیة که متصل به مسجد است نموده‌اند و آن را جزء مسجد کرده‌اند، آیا این کار آنان صحیح است؟ و آیا نماز خواندن در آن مکان جایز است؟

جواب: اگر ثابت شود که زمین کتابخانه، فقط برای کتابخانه وقف شده است، کسی حق تغییر و تبدیل آن به مسجد را ندارد و نماز خواندن در آن جایز نیست و هر کسی که ساختمان آن را خراب کرده، واجب است آن را به حالت اولیه‌اش برگرداند، ولی اگر وقف آن برای خصوص کتابخانه ثابت نشود، نماز خواندن در آن اشکال ندارد.^۴

سؤال: شخصی املاک خود را وقف نموده تا درآمد آن‌ها در موارد خاصی از کارهای خیر؛ مانند کمک به سادات و اقامه مجالس عزاداری مصرف شود و در حال حاضر با افزایش قیمت اجاره آن املاک که جزء منافع وقف است، بعضی

۱. استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص ۲۹۷.

۲. أجوبة الاستفتاءات (فارسی)، ص ۴۹۲.

۳. همان، ص ۴۹۴.

۴. همان، ص ۵۰۱.

از مؤسسات یا اشخاص به دلیل عدم وجود امکانات در آن‌ها یا دلایل فرهنگی یا سیاسی یا اجتماعی و یا دینی خواهان اجاره ملک موقوفه به قیمت ناچیزی هستند، آیا جایز است مدیریت اوقاف آن‌ها را به قیمتی کمتر از قیمت روز اجاره دهد؟

جواب: بر متولی شرعی و مسئول اداره امور وقف واجب است در اجاره دادن به کسی که خواهان آن است و در تعیین مبلغ اجاره رعایت مصلحت و منفعت وقف را بنماید، در نتیجه اگر در تخفیف مبلغ اجاره به سبب اوضاع و احوال خاص مستأجر یا اهمیت کاری که وقف برای آن اجاره داده می‌شود، نفع و مصلحت وقف باشد، اشکال ندارد و الا جایز نیست.^۱

سیستانی: مسأله لازم نیست صیغه وقف را به عربی بخوانند، بلکه اگر مثلاً بگوید: این کتاب را بر طلاب علم وقف کردم، وقف صحیح است، بلکه وقف به عمل نیز محقق می‌شود، مثلاً چنانچه حصیری را به قصد وقف بودن در مسجد بیندازد و یا ساختمانی را به طوری که مساجد را به آن طور می‌سازند به قصد مسجد بودن بسازد، وقفیت محقق می‌شود. ولی به قصد تنها وقفیت محقق نمی‌شود؛ و قبول در وقف لازم نیست چه وقف عام باشد و چه وقف خاص و هم چنین قصد قربت لازم نیست.^۲

سؤال: واقعی قطعه زمینی، حدود یک جریب خود را با مقداری از آب آن، در حدود چند سال پیش وقف نموده که متولی سالی ۲ بار - عید غدیر، و ماه رمضان (در شب قتل) - آبگوشت به افراد تعیین شده بپردازد. چند سال است بر اثر ازدیاد نرخ گوشت و غیره، درآمد ملک و آب فوق الذکر، کفاف این‌که در دو نوبت آبگوشت به افراد بدهند نمی‌کند و کسر می‌آورد.

۱- آیا اجازه می‌فرمایید در عوض سالی دو بار، کل درآمد، در یک سال و یا هر دو سال، یک بار به نظر واقف عمل شود یا خیر؟

۲- آیا اجازه می‌فرمایید در عوض آبگوشت، گوشت و نان تقسیم شود یا خیر؟

۳- آیا اجازه می‌فرمایید در امور دیگری که صلاح می‌دانند خرج گردد؟

جواب: به هر مقدار که درآمد موقوفه کفاف می‌دهد باید به وقف عمل شود، و

۱. أجوبة الاستفتاءات (فارسی)، ص ۴۹۳.

۲. توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)، ج ۲، ص ۶۳۱.



اگر می‌شود با کم کردن افراد مدعّوین عمل به وقف نمود، باید در هر سال در دو نوبت مقرّر طبق وقف عمل نمایند.^۱

سؤال: قریه‌ای است موقوفه که درآمد حاصل از آن بایستی به مصرف طلاب علوم دینی نجف اشرف برسد، چون نزدیک به سه سال است که ایران با عراق در جنگ است، لذا نتوانسته‌ایم تا کنون مال الإجاره مذکور را به نجف ارسال داریم، لذا استدعا می‌شود مرقوم فرمایید که آیا می‌توان به مصرف طلاب علوم دینی ایران و یا دیگر موارد رسانید یا خیر؟ لازم به یادآوری است که درآمد مذکور می‌بایست توسط یکی از مراجع به دست طلاب علوم دینی نجف برسد.

جواب: درآمد حاصل را جمع و حفظ کنید، هر وقت میسر شد بفرستید که به مصرف تعیین شده برسد.^۲

سؤال: آیا جایز است در دانشگاه وضو بگیریم و بیرون از دانشگاه با آن نماز بخوانیم؟

همه مراجع: اگر آب دانشگاه برای خصوص وضو گرفتن در دانشگاه و نماز خواندن در آن وقف نشده، اشکال ندارد.^۳

آیت الله جوادی آملی در پاسخ استفتایی درباره تغییر یک موقوفه فرموده‌اند: به وقف باید عمل شود. فقط در صورتی تعویض و تبدیل آن جایز است که نگهداری وضع موجود زیانبار باشد؛ یا تبدیل آن به مصلحت وقف باشد، لیکن مصرف آن محفوظ است و هرگونه تصرف مصلحت‌آمیز آن باید با نظر متولّی شرعی و امین انجام شود و در صورت نداشتن متولّی شرعی به حاکم شرع مراجعه شود، لذا در این مسئله به نماینده رهبری در استان مراجعه شود.^۴

۱. استفتاءات (امام خمینی)، ج ۲، ص ۳۵۲.

۲. استفتاءات (امام خمینی)، ج ۲، ص ۳۵۵.

۳. پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی، ج ۳۰، ص ۴۴.

۴. استفتاءات، ص ۷۹.

گفتار یازدهم: پاداش متولیان اوقاف در عمل به وقف

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ عَلَى رَجُلٍ مِسْكِينٍ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ، وَلَوْ تَدَاوَلَهَا أَرْبَعُونَ أَلْفَ إِنْسَانٍ ثُمَّ وَصَلَتْ إِلَى الْمِسْكِينِ كَانَ لَهُمْ أَجْرًا كَامِلًا»؛ پیامبر خدا ﷺ فرمود: هرکسی که برای مستمندی صدقه‌ای (مانند وقف) جمع‌آوری کند و آن را به دستش برساند، اجری همانند اجر صدقه دهنده دارد و اگر چهل هزار انسان هم آن صدقه را دست به دست کنند و سپس به دست مستمند برسد باز به همه آن‌ها اجر کامل داده شود.^۱

نکته‌ها

همان‌گونه که قبلاً بیان شد صدقه به معنای عامش شامل هرگونه احسانی به دیگران می‌شود. از بارزترین مصادیق صدقه، وقف است.

متولیان اوقاف باید موقوفه را به منزله امانتی از جانب خداوند متعال و واقف و موقوف علیهم بدانند و نهایت تلاش خود را برای هرچه بهتر اداره کردن موقوفه در راستای پیاده‌سازی نیت واقفان به کار بندند. همان‌گونه که افراد زیادی از مسئولین اداره اوقاف و متولیان مستقیم موقوفات، نهایت سعی و تلاش خود را به کار می‌بندند تا موقوفات را به مصرف مورد نظر واقف برسانند و در این راستا از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند. خداوند نیز تلاش و کوشش آنان را نادیده نمی‌گیرد و همان پاداشی که به وقف‌کننده می‌دهد به متولی وقف نیز می‌دهد. در واقع متولیان موقوفات هم در دنیا از حق الزحمه‌ای که بابت سرپرستی موقوفات می‌برند بهره‌مند می‌شوند و هم در آخرت از پاداش‌های الهی بهره‌مند می‌شوند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «كُونُوا دُعَاةَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ»؛ با عمل خود دعوت‌کننده دیگران به خوبی‌ها باشید.^۲

هنگامی که متولیان اوقاف، موقوفات را برابر با نیت واقفان هزینه کنند، عملاً بهترین مشوق برای تداوم سنت حسنه وقف می‌شوند و از این طریق نیز در ثواب کسانی که با تشویق عملی او مالی را در راه خدا وقف می‌کنند شریک می‌شود.

۱. میزان الحکمة، ج ۶، ص ۲۳۷.

۲. الأصول الستة عشر، ص ۳۵۹.



گفتار دوازدهم: رسیدگی به موقوفه

قال علی علیه السلام: «وَيَشْتَرِطُ عَلَى الَّذِي يَجْعَلُهُ إِلَيْهِ أَنْ يَتْرِكَ الْمَالَ عَلَى أَصُولِهِ وَيُنْفِقَ مِنْ ثَمَرِهِ حَيْثُ أَمَرَهُ وَهُدًى لَهُ وَلَا يَبِيعَ مِنْ أَوْلَادٍ نَخِيلِ هَذِهِ الْفَرَى وَدِيَّةً حَتَّى تُشْكَلَ أَرْضُهَا غَرَسًا»؛ حضرت علی علیه السلام در یکی از وقف نامه هایش خطاب به متولیان وقف می فرماید: علی بن ابی طالب بر متولی موقوفات شرط می کند که اصل مال وقفی را حفظ کنند (آن را نفروشند، به کسی نبخشند، جزء اموال وراثتی خود برای وارثین خود قرار ندهند و مانند آن)، و از محصول و درآمدش مطابق وقف نامه هزینه کنند، همین طور نهال های کوچکی که از کنار درختان درمی آید را نفروشند، بلکه آن را در فضای خالی باغ بکارند تا جایی که تمام فضای باغ پر از درخت شود (مرحوم سید رضی در توضیح جمله آخر می گوید: درختکاری در زمین تا جایی تداوم یابد که هرکس قبلاً باغ را دیده باشد، تشخیص آن براو مشکل شود و گمان کند که این باغ، باغ دیگری است).^۱

تحلیل

حضرت علی علیه السلام برای متولیان وقف چندین توصیه و رهنمود دارند: یک: «أَنْ يَتْرِكَ الْمَالَ عَلَى أَصُولِهِ»: اصل مال وقفی را حفظ کنند و نگذارند از بین برود و خراب شود.

حفظ هر چیزی متناسب با خودش می باشد؛ مثلاً حفظ درخت وقفی به این است که به موقع به آن آب کافی داده شود، شاخ و برگ های اضافی آن اصلاح شود و زمین آن به موقع شخم زده شود. حفظ ساختمان به این است که خرابی های آن به موقع مرمت شود، جلوی نفوذ آب به سقف و دیوارها و کف آن گرفته شود. حفظ کتاب های وقفی به این است که اگر نیاز است جلد شود، اگر پاره شده صحافی شود.

معنای دیگر این فراز از سخن آن حضرت این است که با مال وقفی معامله مال شخصی نشود. لذا از انتقال آن به دیگران در قالب فروش، هدیه، ارث، صلح و مانند آن باید جلوگیری شود. دو: مصرف درآمد موقوفه

حضرت می‌فرمایند: «وَيُتَّفَقُ مِنْ ثَمَرِهِ حَيْثُ أُمِرَ بِهِ وَهُدًى لَهُ»؛ و از محصول و درآمدش مطابق وقف نامه هزینه کنند.

دومین وظیفه متولیان موقوفات این است که درآمد آن را در راهی که واقف تعیین کرده است هزینه کنند.

مثلاً اگر مغازه‌ای را وقف بر مسجدی کرده، یا اگر درخت یا زمینی کشاورزی، وقف بر جهت خاصی شده است باید برابر با نرخ روز به اجاره بدهند و اجاره آن را در راهی که واقف وقف کرده هزینه کنند.

سه: گسترش عمران و آبادانی موقوفه

حضرت می‌فرمایند: «وَأَلَّا يَبِيعَ مِنْ أَوْلَادِ نَخِيلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ وَدَيْئَةٍ حَتَّى تُشَكِّلَ أَرْضُهَا غَرَساً»؛ نهال‌های کوچکی که از کنار درختان در می‌آید را ن فروشند، بلکه آن را در فضای خالی باغ بکارند تا جایی که تمام فضای باغ پراز درخت شود.

آیت‌الله مکارم در توضیح این فراز از جمله حضرت می‌فرمایند: این جمله همان‌گونه که مرحوم سید رضی در توضیح جمله آخر می‌گوید مفهومش این است که آن قدر از نهال‌های جدید نخل استفاده شود و درختکاری در زمین تا جایی تداوم یابد که نخلستان پر درخت شود که هرکس قبلاً باغ را دیده باشد، تشخیص آن بر او مشکل شود و گمان کند که این باغ، باغ دیگری است.^۱

استفتائات

سؤال: زمینی وقف است و از نظر زراعت باید از آن زمین خاك برداشته شود تا زراعت خوب شود آیا این کار جایز است؟

جواب: اشکالی ندارد.^۲

سؤال: اگر مستأجر از موجد بخواهد که اصلاحات و تغییراتی در عین مستأجره ایجاد کند، مخارج آن بر عهده چه کسی است؟

ج: اگر عین مستأجره به همان صورتی که در زمان انعقاد عقد اجاره بوده باقی باشد، پذیرش درخواست مستأجر مبنی بر ایجاد بعضی از اصلاحات و تغییرات در آن بر موجد واجب نیست، ولی در صورتی که تقاضای او را بپذیرد، همه هزینه‌های اصلاح و تعمیر و ایجاد بعضی از تغییرات در آن بر عهده خود اوست

۱. پیام امام امیرالمؤمنین، ج ۹، ص ۲۸۹.

۲. استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص ۳۰۴.



و درخواست مستأجر از مالك برای انجام آن امور موجب نمی‌شود که ضامن آن هزینه‌ها باشد.^۱

سؤال: شخصی قطعه زمینی را با سهم آب آن برای خواندن تعزیه امام حسین (ع) که در یکی از شب‌های محرم یا صفر و در شب شهادت امیر المؤمنین (ع) در مسجد «الحی» برگزار می‌شود، وقف نموده است و بعداً به یکی از ورثه‌اش وصیت کرده که آن زمین را در اختیار وزارت بهداشت قرار بدهد تا بیمارستانی در آن ساخته شود، این کار چه حکمی دارد؟

ج: تغییر و تبدیل وقف از وقف منفعت به وقف انتفاع، جایز نیست، ولی اجاره دادن آن برای ساخت بیمارستان و مصرف اجاره آن در جهت وقف، به شرطی که به مصلحت وقف باشد، اشکال ندارد.^۲

سؤال: آیا می‌توان در زمین‌های وقفی مصلی یا حسینیه ساخت؟

جواب: زمینهای وقفی، قابل وقف مجدد به عنوان مسجد یا حسینیه و غیره نیستند و واگذاری آن‌ها به طور مجانی برای ساخت مصلی یا یکی از مؤسسات عمومی مورد نیاز مردم برای هیچ کس جایز نیست، ولی اجاره دادن آن‌ها توسط متولی شرعی برای ساختن مصلی یا مدرسه یا حسینیه در آن‌ها اشکال ندارد و مبلغ اجاره زمین‌های مزبور باید در جهاتی که برای وقف معین شده است، مصرف شود.^۳

سؤال: آیا غصب وقف و تصرف در آن در غیر جهت وقف، موجب ضمان اجرت المثل است؟ و آیا تلف کردن وقف مثل این که ساختمان آن تخریب گردد و یا زمین موقوفه تبدیل به خیابان شود، موجب ضمان مثل یا قیمت آن می‌گردد؟

جواب: در وقف خاص؛ مانند وقف بر اولاد و هم‌چنین در وقف عامی که به صورت وقف منفعت است، غصب و تصرف در غیر جهت وقف یا بدون اذن موقوف علیهم در اولی و بدون اذن متولی شرعی در دومی، موجب ضمان عین و منفعت است و ردّ عوض منافع استیفا شده و استیفا نشده هم واجب است

۱. أجبوبة الاستفتاءات (فارسی)، ص ۳۸۳.

۲. همان، ص ۵۰۳.

۳. أجبوبة الاستفتاءات (فارسی)، ص ۵۰۳.



و هم‌چنین ردّ عین در صورتی که موجود باشد و ردّ عوض آن در صورتی که در دست او یا بر اثر فعل او تلف شده باشد، واجب است و عوض منافع باید در جهت وقف و عوض عین موقوفه در بدل وقفی که تلف شده مصرف شود و در وقف عامی که به صورت وقف انتفاع است؛ مثل مساجد و مدارس و کاروانسراها و پلها و مقبره‌ها و مانند آن‌ها که وقف بر جهات یا عناوین عمومی هستند تا موقوف علیهم از آن‌ها انتفاع ببرند در صورتی که توسط غاصب غصب شوند و آن‌ها را در جهتی غیر از منافی که برای آن‌ها وقف شده‌اند بکار ببرد باید اجرت المثل تصرفاتش در چیزهایی از قبیل مدارس و کاروانسراها و حمامها را بپردازد، بر خلاف مساجد و مقبره‌ها و زیارتگاه‌ها و پلها که ضامن اجرت المثل تصرفاتش در آن‌ها نیست و اگر عین این موقوفات را تلف کند، باید عوض مثلی یا قیمی آن‌ها را بدهند که آن هم در بدل وقف تلف شده مصرف می‌شود.^۱



گفتار سیزدهم: عدم جواز خرید و فروش موقوفات

وَرَوَى عَلِيُّ بْنُ رَاشِدٍ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ اشْتَرَيْتُ أَرْضًا إِلَى جَنْبِ ضَيْعَتِي بِالْفَمَى دَرْهَمٌ فَلَمَّا وَقَرْتُ الْمَالَ خَبِرْتُ أَنَّ الْأَرْضَ وَقَفَ فَقَالَ لَا يَجُوزُ شِرَاءُ الْوَقْفِ وَلَا تُدْخِلُ الْغَلَّةَ فِي مَالِكَ ادْفَعْهَا إِلَيَّ مَنْ أَوْقَفَ عَلَيْهِ فَقُلْتُ لَا أَعْرِفُ لَهَا رَبًّا قَالَ تَصَدَّقْ بِغَلَّتِهَا»؛ علی بن راشد می‌گوید: از امام جواد علیه السلام پرسیدم: جانم فدایتان، زمینی در کنار مزرعه خود به دو هزار درهم خریده‌ام، هنگامی که پولش را کامل پرداختم با خبر شدم که این زمین وقفی است (وظیفه من چیست؟) حضرت فرمود: خرید و فروش وقف جایز نیست، محصول آن را نیز نباید وارد اموال خودت کنی، بلکه باید محصولش را به کسانی که این زمین بر آن‌ها وقف شده است پردازی. گفتم متولی آن را نمی‌شناسم. حضرت فرمود: محصولش را (به نیت صاحبانش) صدقه بده.^۱

نکته‌ها

بر اساس این روایت خرید و فروش موقوفات جایز نیست و اگر کسی مال موقوفه‌ای را خریداری کند مالک آن نمی‌شود و حق ندارد درآمد حاصل از آن را داخل اموالش قرار دهد.

با فروختن اموال وقفی هم حق واقف که این اموال را برای همیشه وقف کرده تا برای او باقیات الصالحات باشد ضایع می‌شود. و هم حق موقوف علیهم؛ یعنی کسانی که مال برای آنان وقف شده است از بین می‌رود. لذا کسی که اموال غصبی را به فروش می‌رساند هم به واقف و هم به تمامی موقوف علیهم در طول تاریخ تا قیامت مدیون می‌شود. راستی آیا عمر شصت هفتاد ساله انسان، این ارزش را دارد که انسان برای همیشه مدیون هزاران و بلکه میلیون‌ها انسان در طول تاریخ شود؟!

حضرت امام رحمته الله درباره تصرفات رژیم پهلوی در حکمی به تولیت آستان قدس رضوی فرمودند: کلیه تصرفاتی که در زمان رژیم پهلوی در آستان قدس رضوی به عمل آمده، محکوم به بطلان است، و اگر مواردی را وقف کرده و مصارفی برای آن معین کرده‌اند، چنانچه مصارف مزبور مخالف با مصالح آستان قدس

و جمهوری اسلامی نیست، عمل به آن‌ها را اجازه می‌دهم و اگر مخالف با آن‌هاست نایب التولیه آستان قدس مجازند به هر نحو صلاح می‌دانند درباره آن‌ها عمل کنند. چنانچه موقوفاتی فروخته شده یا تغییراتی در آن‌ها داده شده، باید در صورت امکان به حال اول بازگردد و اگر امکان ندارد با مراعات جهت وقف در آن‌ها تصرف شود.^۱

مجلس شورای اسلامی نیز در سال ۱۳۶۲ هـ - ش قانونی را به این مضمون به تصویب رساند: از تاریخ تصویب این قانون تمامی موقوفاتی که بدون مجوز شرعی به فروش رسیده‌اند یا به صورتی به ملکیت درآمده باشد به وقفیت خود برمی‌گردد و اسناد مالکیت صادر شده باطل و از درجه اعتبار ساقط است.^۲

چند فتوا از مراجع عظام تقلید

معامله چیزی که وقف شده باطل است. اگر مال وقفی به طوری خراب شود که نتوانند استفاده‌ای را که مال برای آن وقف شده از آن ببرند. (مثلاً حصیر مسجد به طوری پاره شود که نتوانند روی آن نماز بخوانند) فروش آن اشکال ندارد و در صورتی که ممکن باشد، باید پول آن را در همان مسجد به مصرفی برسانند که به مقصود وقف کننده نزدیکتر باشد.^۳

سؤال: آب انباری است در گوشه‌ای از خانه ملکی که وقف برای استفاده عموم بوده است. پس از لوله‌کشی و استفاده مردم از آب لوله، این آب انبار به کلی از استفاده افتاده است. اگر اجازه فرمایید آب انبار را بخیرم و وجه آن را به مصرف خیر دیگر رسانده و دردسترس عموم قرار دهیم!

جواب: عین موقوفه قابل خرید و فروش نیست.^۴

سؤال: زید ملک خود را به نحو ابد وقف اولاد ذکور نموده و سیغۀ وقف در محضر شرعی خوانده شده، واقف در حال حیات مال وقف را به تصرف اولاد ذکور طبقه اول خود داده و با قبض و اقباض، عمل وقف تحقق یافته و مقرر گردیده است که طبقات بعدی (نسلاً بعد نسل) برابر نظر واقف از عین ملک و درآمد منتفع شوند و ملک نیز به نام موقوفه بر اولاد ذکور به ثبت رسیده است.

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۶۱.

۲. وقف و اهمیت آثار معنوی و مادی آن، ص ۱۷۲.

۳. توضیح المسائل (امام خمینی)، ص ۴۲۹.

۴. استفتاءات (امام خمینی)، ج ۲، ص ۳۷۲.



آیا دیگران و یا یکی از موقوف علیهم می توانند ملک موقوفه را به شخص ثالث بفروشند یا نه؟ و در صورت فروش آیا آن معامله باطل و تصرف ملک به خریدار حرام است یا خیر؟

جواب: فروش وقف باطل است.^۱

مسأله: هرگاه بین کسانی که مال را برای آنان وقف کرده اند به طوری اختلاف پیدا شود که اگر مال وقف را نفروشند، گمان آن برود که مال یا جانی تلف شود، می توانند آن مال را بفروشند و بین موقوف علیهم تقسیم نمایند، ولی چنانچه اختلاف با تنها فروختن و تهیّه مکان دیگر برطرف می شود، لازم است آن موقوفه، به محلّ دیگر تبدیل و یا با پول فروش آن، محلّ دیگر خریده شود و به جای مکان اول، و در همان جهت وقف اولی، وقف گردد.^۲

سؤال: اشخاصی در قبرستان های عمومی از دفن اموات در کنار بعضی از قبور جلوگیری می کنند، آیا مانع شرعی برای دفن اموات در آن جا وجود دارد؟ و آیا آن ها حق دارند از این کار جلوگیری کنند؟

جواب: اگر قبرستان وقف باشد و یا دفن میت برای هر فردی در آن مباح باشد، کسی حق ندارد حریمی در اطراف قبر میت خود در قبرستان عمومی ایجاد کند و از دفن اموات مؤمنین در آن جلوگیری نماید.^۳

۱. استفتاءات (امام خمینی)، ج ۲، ص ۳۷۲.

۲. توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)، ج ۲، ص ۲۲۵.

۳. أجوبة الاستفتاءات (فارسی)، ص ۵۲۴.

گفتار چهاردهم: غیر قابل فروش

«تَصَدَّقَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ بِصَدَقَتِهِ هَذِهِ وَهُوَ صَحِيحٌ صَدَقَةً حَسَبًا بَنًا لَا مَشُوبَةَ فِيهَا وَلَا رَدَّ أَبَدًا ائْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْدَّارِ الْآخِرَةِ لَا يَجِلُّ لِمُؤْمِنٍ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يَبِيعَهَا أَوْ شَيْئاً مِنْهَا وَلَا يَهَبَهَا وَلَا يُنْحِلَهَا وَلَا يُغَيِّرَ شَيْئاً مِنْهَا مِمَّا وَضَعَتْهُ عَلَيْهَا حَتَّى يَرِثَ اللَّهُ الْأَرْضَ وَمَا عَلَيْهَا»؛ این زمین را موسی بن جعفر علیه السلام در حال تندرستی در راه خدا وقف کرد تا خشنودی خدا و پاداش های او در آخرت را بدست آورد. این وقف قطعی و حتمی است و هیچ بازگشتی در آن روانیست. نیز برای هیچ کسی که به خدا و قیامت اعتماد دارد، جایز نیست که تمام یا بخشی از آن را بفروشد و یا به کسی ببخشد، یا به کسی رایگان واگذار کند و یا هرگونه تغییری در آن ایجاد کند. این زمین تا زمانی که خداوند زمین و تمام آن چه روی آن است را به ارث ببرد وقف است.^۱

«أَرَادَ مُعَاوِيَةَ أَنْ يَشْتَرِيَهَا مِنَ الْحُسَيْنِ علیه السلام عِنْدَ مَا أَصَابَ الْحُسَيْنُ دَيْنٌ عَظِيمٌ. فَقَالَ علیه السلام: إِنْ أَبِي أَوْفَقَهَا ائْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ فَلَا أُعِيزُهُ»؛ امام حسین علیه السلام متولی موقوفات حضرت علی علیه السلام بود، آن حضرت بدهی سنگینی داشت، معاویه (علیه ما یستحق من الرحمان) به آن حضرت پیشنهاد خرید موقوفات حضرت علی علیه السلام را داد تا آن حضرت با فروش موقوفات بدهی خود را پرداخت کند، حضرت در پاسخ او فرمود: پدرم آن را در راه خدا وقف کرده است و من هرگز آن را تغییر نمی دهم.^۲

تحلیل

فروش موقوفه با نیاز متولی موقوفه جایز نیست؛ زیرا متولی موقوفه مالک موقوفه نیست تا اگر نیاز شدید پیدا کرد آن را بفروشد. لذا امام حسین علیه السلام با بدهی سنگینی که داشت و معاویه (علیه ما یستحق من الرحمان) حاضر بود با بهای سنگینی این ملک را از حضرت بخرد، ولی حضرت فرمودند این ملک وقف است و هرگز من آن را نمی فروشم.

فروش موقوفه (چه وقف خاص و یا وقف عام) فقط در موارد بسیار استثنایی جایز است که به برخی از این موارد در کلام فقها اشاره می شود.

۱. الکافی، ج ۷، ص ۵۴.

۲. شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، ج ۳، ص ۱۹۰، به نقل از: معجم البلدان، ج ۵، ص ۱۸۰.



- حضرت امام علیه السلام در این موارد فروش موقوفه را جایز می‌دانند:
۱. چنان خراب شود که بازگردانیدنش به حال نخست ممکن نباشد و جز از طریق فروش قابل استفاده نباشد.
 ۲. در اثر خرابی و مانند آن، بهره‌برداری شایسته از آن نشود، ولی با فروشش بتوان ملکی دیگر خرید که همان منافع یا کمتر از آن را دارا باشد.
 ۳. در وقف، حق فروش به هنگام حدوث امری یا ضرورتی، قید شده باشد.
 ۴. میان کسانی که مال را برای آنان وقف کرده‌اند، به گونه‌ای اختلاف افتد که اگر مال وقف را نفروشدند، احتمال ضرر مالی یا جانی برود.^۱
- سؤال: من یک قطعه زمین زراعی دارم که مهریه‌ام بوده است، و اخیراً اقدام به فروش آن کرده‌ام، در حال حاضر مردی ادعا می‌کند که آن زمین بیشتر از دویست سال است که وقف می‌باشد، تکلیف من در مورد فروش آن چیست؟ و شوهرم که این زمین را به عنوان مهریه به من داده است چه تکلیفی دارد؟ و مشتری که آن را از من خریده است چه تکلیفی دارد؟
- جواب: همه معاملات که بر زمین مذکور صورت گرفته، محکوم به صحت هستند، مگر آن که مدعی وقفیت، ادعای خود را در دادگاه شرعی ثابت کند و هم چنین ثابت شود که این وقف از مواردی است که فروش آن جایز نیست و بر فرض ثبوت هر دو امر، حکم به بطلان همه معاملاتی می‌شود که بر روی آن صورت گرفته است و در این صورت شما باید ثمن را به مشتری برگردانید و زمین هم واجب است به حالت وقفیت برگردد و شوهر شما هم ضامن مهریه است.^۲

۱. احکام اقتصادی، ج ۲، ص ۵۴، به نقل از تحریر الوسیلة، ج ۲، ص ۷۶ م ۹۷.

۲. أجبوبة الاستفتاءات (فارسی)، ص ۳۴۳.

گفتار پانزدهم: پیامدهای موقوفه خواری

قال علی (علیه السلام): «مَنْ بَاعَهَا أَوْ وَهَبَهَا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُ صَرْفًا وَلَا عَدْلًا»؛ امام علی (علیه السلام) فرمود: هر کسی که مال وقفی را بفروشد یا ببخشد لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر او باد، خداوند نه صدقه و نه توبه‌ای از او قبول نمی‌کند.^۱

سوء استفاده از موقعیت‌ها، حرام است و بزرگ‌ترین خطر برای علمای دین، فساد مالی است. «لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ» (کسانی که متولّی موقوفات اند و آن‌ها را در مسیر اهداف وقف شده مصرف نمی‌کنند، از مصادیق این آیه می‌باشند).^۲

نکته‌ها

«مَنْ بَاعَهَا أَوْ وَهَبَهَا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ»؛ حضرت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می‌فرمایند: هر کسی که مال وقفی را بفروشد، یا ببخشد لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر او باد.

لعن به معنای راندن و دور کردن از روی سخط و غضب است. لعن خدا در آخرت، کیفر و در دنیا، قطع رحمت و توفیق او است. لعن انسان به معنای دعا و نفرین برضد دیگری است.^۳

لعن خداوند

لعن خدا در مقابل رحمت خاص خداوند است. خداوند دو نوع رحمت دارد: رحمت عام که مقابل ندارد و شامل تمام مخلوقات و انسان‌ها اعم از مسلمان و کافر و منافق می‌شود که عبارت است از نعمت‌های مادی و دنیوی. قسم دیگر رحمت خداوند رحمت خاص الهی است که فقط شامل مؤمنین و انسان‌های با تقوا می‌شود. (اعراف، ۱۵۶). اعطاء حکمت، فضایل نفسانی، نصرت و ولایت، بخشایش گناهان، رستگاری دنیوی، هدایت پاداشی، عاقبت به خیری و سرانجام ورود به بهشت الهی از جلوه‌های مهم رحمت خاص الهی است. در

۱. دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۳۴۱.

۲. تفسیر نور، ج ۳، ص ۴۱۲.

۳. فرهنگ قرآن، ج ۲۵، ص ۱۸۱، مجمع البحرین، ج ۶، ص ۳۰۹، مفردات راغب، ج ۱، ص ۷۴۱.



برابر این رحمت، عذاب و سخط الهی قرار دارد. کسی که مشمول لعن الهی واقع می‌شود، مشمول خشم و عذاب الهی و از جلوه‌های رحمت خاص الهی در دنیا و آخرت محروم می‌شود.

آیت الله جوادی آملی در این باره می‌فرمایند: لعنت خداوند همانند لعن فرد عادی لفظی نیست که بگوید: «لعنت بر او» بلکه طرد و دور کردن از رحمت خاص و گرفتار عذاب کردن است؛ آنگاه از این طرد و دور کردن با لفظ خبر می‌دهد.^۱ یعنی هرگاه خدا کسی را لعن کند و از ملعون شدن او خبر دهد در واقع دارد از گرفتار شدن او به عذاب، خبر می‌دهد.

بر این اساس، کسی که تصرف عدوانی در موقوفات داشته باشد و آن را به ملک شخصی خود درآورد، یا از طریق فروختن و یا بخشش به ملک دیگری درآورد مشمول لعن الهی و در نتیجه گرفتار عذاب دنیوی و اخروی خداوند می‌شود و از تمامی جلوه‌های رحمت خاص خداوند که ویژه مؤمنین است محروم می‌شود.

لعن فرشتگان

لعن فرشتگان بر دو قسم است: یک: درخواست لعن و عذاب برای موقوفه خوار. دو: نزول عذاب الهی از جانب خداوند بر شخص موقوفه خوار. زیرا ملائکه مأموران اجرایی خشم و غضب الهی بر اقوام و انسان‌های تبه‌کار هستند. همان‌گونه که فرشتگان الهی که مأمور عذاب قوم حضرت لوط بودند، بعد از دیدار با حضرت لوط و نجات دادن حضرت لوط و مؤمنان به ایشان، عذاب الهی را بر قوم لوط فرود آوردند و اجرا کردند.^۲

آیت الله جوادی آملی در مورد لعن فرشتگان می‌نویسند: فرشتگان نیز افزون بر اینکه با لعنت فعلی، عملاً مأمور دورنگه داشتن اینان از رحمت هستند، لفظاً هم آن‌ها را لعن می‌کنند و وقتی خدا و فرشتگان و همه مردم بر آنان لعنت می‌فرستند، همه عالم که زیر پوشش مدبریات امر اداره می‌شوند نیز بر آنان لعنت می‌فرستند؛ زیرا وقتی ملائکه که مدبریات امرند بر کسی لعنت بفرستند موجوداتی هم که تحت تدبیر آنان هستند بر او لعنت می‌فرستند.^۳

۱. تسنیم، ج ۱۹، ص ۱۰۱.

۲. هود، ۸۱.

۳. تسنیم، ج ۱۵، ص ۴۷.

لعن انسان‌ها

بر اساس فرمایش حضرت علی (ع) تمام انسان‌ها نیز موقوفه‌خواران را لعنت می‌کنند. لعنت انسان‌ها از مقوله لفظ و به معنای نفرین کردن آنان نسبت به موقوفه‌خوار و تقاضای عذاب برای او می‌شود. بنابراین تمام انبیاء الهی (ع)، ائمه (ع)، مؤمنین، واقف، موقوف‌علیهم و حتی انسان‌های کافر نیز او را لعن می‌کنند. زیرا موقوفه‌خوار ظالم است و ظالم را همه نفرین می‌کنند. «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُ صَرْفًا وَلَا عَدْلًا»؛ حضرت علی (ع) در ادامه به یکی دیگر از آثار موقوفه‌خواری اشاره کرده و می‌فرمایند: خداوند نه صدقه و نه توبه‌ای از او قبول نمی‌کند.

بر اساس آیه شریفه «إِنَّمَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»؛ خداوند عمل خوب را فقط از انسان با تقوا قبول می‌کند. تقوای مالی اقتضا می‌کند که انسان مالی را که می‌خواهد در راه خدا انفاق کند از راه حلال و مشروع بدست آورده باشد. کسی که از راه موقوفه‌خواری مالی را کسب کرده است اگر تمام آن مال را هم در راه خداوند ببخشد یا با آن حج انجام دهد، خداوند از او قبول نمی‌کند.

حضرت آیت‌الله جوادی آملی می‌نویسند: البته تقوا در متن عمل شرط حتمی آن است؛ یعنی انفاق در راه خدا مثلاً باید با مال حلال اولاً و پرهیز از ریا و سمعه ثانیاً و اجتناب از متّ و اذیت گیرنده صدقه ثالثاً باشد. این امور تقوای در متن عمل است. اما زاید بر آن چیزی به عنوان تقوای عامل در سایر شئون زندگی لازم نیست، هرچند در کمال قبول دخیل است.^۲

آیت‌الله نمازی می‌فرمایند: کسانی که در دنیا خانه، زمین و یا مغازه وقفی در اختیار دارند، مواظب باشند که این آتش است، یا مال فقر است، یا مال سادات است یا مال امام حسین (ع) است یا وقف آقا امام زمان (ع) و شاگردانش است، کسی فکر نکند که این يك لقمه لذیذی است، خیر این آتش است که در گلوی شما فرو می‌رود و الآن احساس نمی‌کنید، مانند مواد منفجره‌ای که فعلاً به حالت انفجار نرسیده است و در عالم آخرت منفجر می‌شود. توصیه بنده به کسانی که مسلط بر موقوفات هستند، این است که مراقب



باشند که حق وقف و حق موقوف علیهم را به درستی ادا کنند. اگر کسی ده یا بیست سال قبل، ملکی را اجاره کرده است، در آن موقع شاید اجاره‌اش يك تومان یا ده تومان بوده، ولی در طول بیست سال، اجاره افزایش پیدا می‌کند، بدون آن که اداره اوقاف به او تذکر دهد، خود او پیشاپیش بیاید و اجاره مطابق با روز را تقدیم کند.^۱

سؤال: زمینی وجود دارد که مالکش آن را در حضور عالم منطقه و دو نفر شاهد عادل برای ساختن مسجد وقف کرده است و بعد از مدتی اشخاصی بر آن تسلط پیدا کرده و خانه‌های مسکونی در آن بنا نموده‌اند، وظیفه آن اشخاص و متولی چیست؟

جواب: اگر بعد از انشاء وقف زمین، قبض عین موقوفه با اذن واقف تحقق پیدا کرده باشد، همه احکام وقف بر آن مترتب می‌شود و ساخت خانه‌های مسکونی توسط دیگران در آن برای خودشان غصب است و بر آنان واجب است ساختمان خود را از بین ببرند و زمین را تخلیه کنند و به متولی شرعی آن تحویل دهند و در غیر این صورت زمین بر ملك مالك شرعی آن باقی و تصرفات دیگران در آن متوقف بر اجازه مالك است.^۲

۱. آیت‌الله نمازی، خطبه‌های نماز جمعه، سال ۱۳۸۸.

۲. أجوبة الاستفتاءات (فارسی)؛ ص ۵۱۰.

کتابنامہ

قرآن کریم.

ابن أبی الحدید، عبد الحمید بن ہبہ اللہ، شرح نہج البلاغہ ۱۰ جلد، مکتبہ آیۃ اللہ المرعشی النجفی - قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.

ابن أبی جمہور، محمد بن زین الدین، عوالی اللثالی العزیزۃ فی الأحادیث الدینیۃ، ۴ جلد، دار سید الشهداء للنشر - قم، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.

ابن طاووس، علی بن موسی، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن المعروف بالملاحم والفتن، ۱ جلد، مؤسسة صاحب الأمر (عجل اللہ) - قم، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.

ابن بابویہ، محمد بن علی، من لا یحضرہ الفقیہ، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابستہ بہ جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم - قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.

ابن بابویہ، محمد بن علی، علل الشرایع، ۲ جلد، کتاب فروشی داوری - قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش / ۱۹۶۶ م.

ابن بابویہ، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمۃ، ۲ جلد، اسلامیہ - تہران، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق.

ابن بابویہ، محمد بن علی، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ۱ جلد، دار الشریف الرضی للنشر - قم، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق.

ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحکام، ۲ جلد، مؤسسة آل البيت (علیہ السلام) - قم، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ق.

ابن حیون، نعمان بن محمد، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطہار (علیہم السلام)، ۳ جلد، جامعہ مدرسین - قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.

ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۶ جلد، مکتب الاعلام الاسلامی - قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.

ابن فہد حلّی، احمد بن محمد، عدۃ الداعی و نجاح الساعی، ۱ جلد، دار الکتب الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.

ابن فہد حلّی، احمد بن محمد - غفاری ساروی، حسین، آیین بندگی و نیایش (ترجمہ عدۃ الداعی)، ۱ جلد، بنیاد معارف اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱۵ جلد، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر - بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.





- میانجی، علی احمدی، مالکیت خصوصی در اسلام، در یک جلد، نشر دادگستر، تهران، چاپ اول، ۱۴۲۴ ق.
- احمدی میانجی، علی، مکاتیب الأئمة عليه السلام، ۷ جلد، دارالحدیث - قم، چاپ اول، ۱۴۲۶ ق.
- آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، نشرنی، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۴.
- اسدیپور، محمود، وقف و اهمیت معنوی و مادی آن، انتشارات تا ظهور، قم، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- آلوسی سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، دارالکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
- امامی، سید حسن، حقوق مدنی (امامی)، ۶ جلد، انتشارات اسلامی، تهران، بی تا.
- امینیان مدرس، محمد، وقف از دیدگاه حقوق و قوانین، بنیاد پژوهشهای اسلامی و سازمان مطالعه و تدوین (سمت)، مشهد، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
- ایروانی، جواد، زکات باطنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- ایروانی، جواد، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- بداشتی، علی الله، توحید و صفات الهی، انتشارات دانشگاه قم - قم، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، ۲ جلد، دارالکتب الإسلامية - قم، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ق.
- بستانی، فؤاد افرام / مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی، ۱ جلد، انتشارات اسلامی - تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ش.
- گیلانی، فومنی، محمد تقی بهجت، استفتاءات (بهجت)، ۴ جلد، دفتر حضرت آیه الله بهجت، قم، چاپ اول، ۱۴۲۸ ق.
- تبریزی، جواد بن علی، استفتاءات جدید (تبریزی)، دو جلد، قم، چاپ اول، بی تا.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال - آیتى عبدالمحمد، الغارات / ترجمه آیتی، ۱ جلد، وزارت ارشاد - تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش.
- جمعی از پژوهشگران زیر نظر هاشمی شاهرودی، سید محمود، فرهنگ فقه

مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، ۳ جلد،

مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۶ هـ ق

جوادى آملی، عبد الله، تسنیم، مرکز نشر اسراء، قم، چاپ اول، ۱۳۸۸.

جوادى آملی، عبد الله، سرچشمه اندیشه، مرکز نشر اسراء، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۵.

جوادى آملی، عبد الله، مفاتیح الحیة، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۹۱.

حائری یزدی، محمد حسن، وقف در فقه اسلامی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۸۰.

حسن بن علی (علیه السلام)، امام یازدهم، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری (علیه السلام)، ۱ جلد، مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق. حسینی، سید احمد، راهنمای تنظیم وقف نامه، انتشارات مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، مشهد، چاپ اول، ۱۳۹۰.

حصارکی، نعمت الله، احکام اقتصادی، دو جلد، نرم افزار زمزم ۷، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی و پژوهشکده تحقیقات اسلامی.

حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و علی، الحیة / ترجمه احمد آرام، ۶ جلد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی - تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.

حلبی، علی اصغر، آشنایی با علوم قرآنی (حلبی)، نشر اساطیر، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۴. خامنه ای، سید علی، استفتائات باب وقف، ۱ جلد، معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۰.

خمینی، سید روح الله موسوی، استفتاءات (امام خمینی)، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ پنجم، ۱۴۲۲ ق.

خمینی، سید روح الله موسوی، تحریر الوسیلة، ۲ جلد، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم، چاپ اول، بی تا.

خمینی، سید روح الله موسوی - مترجم: اسلامی، علی، تحریر الوسیلة - ترجمه، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ ۲۱، ۱۴۲۵ ق.

خمینی، سید روح الله موسوی، توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)، ۲ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ هشتم، ۱۴۲۴ ق.



- راغب إصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ۱ جلد، دار القلم - الدار الشامیة - بیروت - دمشق، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
- رشاد، علی اکبر، دانشنامه امام علی علیه السلام، ۱۲ جلد، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- رشیدالدین میبدی احمد بن ابی سعد، کشف الأسرار و عدة الأبرار، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۱ ش.
- زمانی، احمد، حقایق پنهان: پژوهشی در زندگی سیاسی امام حسن مجتبی علیه السلام، مؤسسه بوستان کتاب، قم، چاپ پنجم، ۱۳۸۶.
- سازمان اوقاف و امور خیریه، اولین جشنواره سراسری فرهنگی هنری وقف چشمه همیشه جاری، آثار برگزیده و منتخب در بخش مقالات، اندیشه جاری، بی تا.
- سازمان اوقاف و امور خیریه، وقف میراث ماندگار، معاونت فرهنگی، انتشارات اسوه.
- سبحانی، جعفر، آیین و هوایت، ۱ جلد، نشر مشعر - تهران، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش.
- سعدی ابو جیب، القاموس الفقہی لغة و اصطلاحاً، در یک جلد، دار الفکر، دمشق - سوریه، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق.
- شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة (للصبیحی صالح)، ۱ جلد، هجرت - قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
- طباطبایی سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعة مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
- طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ۱ جلد، المكتبة الحیدریة - نجف، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م / ۱۳۴۴ ش.
- طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامة، ۱ جلد، بعثت - ایران، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، ۶ جلد، مرتضوی - تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
- طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام (تحقیق خرسان)، ۱۰ جلد، دار الکتب الإسلامیة - تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی (للطوسی)، ۱ جلد، دار الثقافة - قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.

عباسی ولدی، محسن، تا ساحل آرامش، انتشارات جامعه الزهراء، قم، چاپ اول، ۱۳۹۰.

عده‌ای از علماء، الأصول الستة عشر، ۱ جلد، مؤسسة دار الحديث الثقافية - ایران؛ قم، چاپ اول، ۱۴۲۳ ق / ۱۳۸۱ ش.

علامه مجلسی، مترجم موسی خسروی، زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، ۱ جلد، اسلامیة - تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.

قاسمی، محمد علی، دانستیهای جوانان در سرزمین قرآن، ۱ جلد، نشر مشعر - تهران، چاپ اول، ۱۳۸۹ ش.

لنکرانی، محمد فاضل موحدی، جامع المسائل (فارسی - فاضل)، دو جلد، انتشارات امیر قلم، قم، چاپ یازدهم، بی تا.

فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ۲ جلد، انتشارات رضی؛ قم، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.

فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ۹ جلد، نشر هجرت - قم، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.

فیض کاشانی ملا محسن، الأصفی فی تفسیر القرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.

فیض کاشانی ملا محسن، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.

فیومی، أحمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، ۲ جلد، مؤسسه دار الهجرة - قم، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

قدردان قراملکی، محمد حسن، پاسخ به شبهات کلامی، دفتر چهارم: امامت، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.

قرائتی، محسن، اصول عقائد، ۱ جلد، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۹.

قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ۷ جلد، دار الکتب الإسلامیه، تهران، چاپ ششم، ۱۴۱۲ ق.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، ۱۵ جلد، دار الحديث - قم، چاپ اول، ۱۴۲۹ ق.



- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- گلپایگانی، سید محمد رضا موسوی، مجمع المسائل (لکلبایگانی)، ۵ جلد، دار القرآن الکریم، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.
- لطیفی، رحیم، عالم برزخ، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
- لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ۱ جلد، دار الحدیث - قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ۱۱۱ جلد، دار إحياء التراث العربی - بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
- محمدی ری شهری، محمد، الگوی مصرف از نگاه قرآن و حدیث، ۱ جلد، سازمان چاپ و نشر دار الحدیث، قم، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
- محمدی ری شهری، محمد، نرم افزار پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، حکمت نامه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی و مرکز تحقیقات دار الحدیث، قم. بی تا.
- محمدی ری شهری، محمد، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، دار الحدیث، قم، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.
- محمدی ری شهری، محمد، نرم افزار میزان الحکمة، دار الحدیث، قم، ویرایش دوم، ۱۳۸۹ ش.
- مشکینی، میرزا علی، مصطلحات الفقه، دریک جلد، بی تا.
- مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۴ جلد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - تهران، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دائرة المعارف قرآن کریم، ۸ جلد، مؤسسه بوستان کتاب - قم، چاپ دوم، ۱۳۸۹ ش.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن، برگزیده فرهنگ قرآن، ۳ جلد، مؤسسه بوستان کتاب - قم، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ش.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن، اعلام القرآن، ۳ جلد، مؤسسه بوستان کتاب - قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.

- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۷۴ ش.
- شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، قم، چاپ دوم، ۱۴۲۷ ق.
- مکارم شیرازی ناصر، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، مدرسه امام علی بن ابی طالب، قم، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
- منسوب به علی بن موسی، امام هشتم (ع)، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا (ع)، ۱ جلد، مؤسسه آل البيت (ع) - مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.
- مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، معاونت تحقیق، کارگاه آموزشی نگرشی دیگر به وقف، انتشارات مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، مشهد، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- موسوی همدانی سید محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.
- میانجی، علی احمدی، مالکیت خصوصی در اسلام، در یک جلد، نشر دادگستر، تهران، چاپ اول، ۱۴۲۴ ق.
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام، ۴۳ جلد، دار احیاء التراث العربی، بیروت - لبنان، چاپ هفتم، ق.
- یوسفیان، نعمت الله، احکام اقتصادی، زمزم هدایت، قم، بی تا.
- نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۲۸ جلد، مؤسسه آل البيت (ع) - قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
- ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعة ورام، ۲ جلد، مکتبه فقیه - قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
- هاشم معروف الحسنی، وصیت و وقف، ترجمه عزیز فیضی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
- یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، تکملة العروة الوثقی، ۲ جلد، کتابفروشی داوری، قم، چاپ اول.
- یوسفیان، نعمت الله، اخلاق اسلامی، ۳ جلد، اداره آموزشهای عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه - قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.

